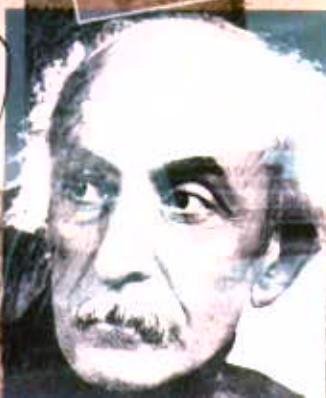
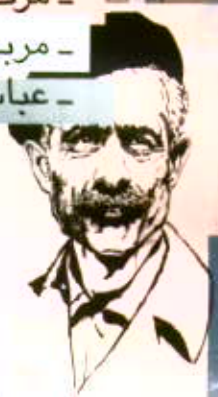


روشن‌نگار آموزش و پژوهش ۴۱

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی
www.roshdmag.org
دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۸۴، بها: ۲۵۰۰ ریال
issn 1606-9226

همراد با ویردنامه

- زبان و تفکر
- انیشتین، نابغه‌ی
قرن بیستم
- مرگ پرنده
- مربع‌های جادویی
- عباسیان



مقاله‌ی «از خاک تا کیمیا» را بخوانید





شاهد آموزش تخصصی ۴۱

ISSN 1606-9226

پیشگامان



وزارت آموزش و پرورش
دفتر انتشارات کمک آموزشی
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



- زبان و تفکر، دکتر رضا داوری اردکانی / ۲
- حیا و عفاف، محمدحسین مکارم / ۴
- آلبرت اینشتین نابغه ی قرن بیستم، ترجمه: جعفر ربانی / ۷
- ایترنت (۲)، پرویز قراگوزلو / ۱۳
- از خاک تا کیمیا، شهناز واقفی نژاد / ۱۶
- راه های پیشرفت مهارت نوشتن، فاطمه میرزایی / ۱۸
- ویژه نامه ادبیات فارسی / ۲۱
- درس فارسی و معلم نمونه ی آن، احمد سمیعی / ۲۲
- هدف های پرورشی درس فارسی، طیه آشنا / ۲۶
- مرگ پرنده، سیداکبر میرجعفری / ۲۸
- آموزش نگارش در دوره ی راهنمایی / ۳۲
- هم خانواده در زبان فارسی و عربی، تیمور رضایی / ۳۴
- دستور در متن، علی ایمانی ازغندی / ۳۷
- پرلز IEA، نگاهی به...، جعفر خرازی / ۳۸
- تدریس ریاضی با روش شهودی، قسمت دوم، میرزا جلیلی / ۴۰
- طرح یک مسئله ریاضی، حسین نریمانی / ۴۴
- مربع های جادویی، میرشهرام صدر / ۴۶
- فرهنگ شهرهای ایران - ۴ - بوشهر / ۴۸
- علل گرایش نوجوانان به مخدر، رضا عبدالرحمانی / ۵۳
- عباسیان، ترجمه: علی اکبر رضوانی / ۵۶
- الموت، آشیانه ی عقاب، محمدحسین معتمد راد / ۵۸
- طلا، از معدن تا شما، ترجمه: سیدسعید قریشی / ۶۰
- مواد و وسایل آزمایشگاه علوم / ۶۲
- سخن پایانی / ۶۴

- ♦ مدیر مسؤول: علیرضا حاجیان زاده
- ♦ سردبیر: جعفر ربانی
- ♦ مدیر داخلی: حسین نامی ساعی
- ♦ مدیر هنری: مهدی کریم خانی
- ♦ طراح گرافیک: ناهید کاظمی
- ♦ چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
- ♦ تیراژ: ۱۷۰۰۰ نسخه

♦ نشانی دفتر مجله: تهران

صندوق پستی ۶۵۸۵ / ۱۵۸۷۵

تلفن امور مشترکین:

۸۸۳۹۱۸۶

♦ آدرس امور مشترکین: تهران

صندوق پستی ۲۳۳۱ / ۱۵۸۷۵

E-mail: info@roshdmag.org



دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجلات را منتشر می کند

رشد کودک (ویژه پیش دبستان و دانش آموزان کلاس اول دبستان) رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوم و سوم دبستان)
رشد دانش آموز (برای دانش آموزان چهارم و پنجم دبستان) رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان
(برای دانش آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، آموزش تدبیر، آموزش فیرپک،
آموزش شیمی، آموزش زبان و لغت فارسی، آموزش زبان، آموزش ریاضی، آموزش ریاست شاسی، آموزش جغرافیا،
آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی آموزش هنر، آموزش علوم اجتماعی، مدیریت
مدرسه (برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، معلمان، معیار و کارشناسان آموزش و پرورش) آموزش
فرمان، رشد برهان (نشریه علمی)، رشد برهان (نشریه ریاضی)، دوره متوسطه

گرفتند چنان آن را در جای خود نشانند که بوی یگانگی نمی داد و حتی گاهی این الفاظ عربی در نوشته های فارسی معنی تازه پیدا کرد. آیا تصور می کنیم که اگر زبان عربی زبان دین و علم ما نشده بود و ما به همان زبان پهلوی یادری خالص سخن می گفتیم نارسایی در زبان نبود؟ نگاه داشتن یک زبان وقتی ممکن است که قوم به آن زبان و در آن زبان تفکر کند. اگر زبانی از میان می رود و فراموش می شود باید علت زوال آن را در خود زبان جست و جو کرد.

استیلای سیاسی هرگز نمی تواند زبان یک قوم را نابود کند، مگر آن که آن قوم و زبانش آماده ی نابودی باشد. اگر قبلی ها زبان عربی را پذیرفتند از آن بود که دوره ی تاریخشان به سرآمده بود و متفکران و شاعرانی نداشتند که حافظ زبان و قومیت خود باشند. چرا در کشور ما زبان عربی رایج نشد و مهم تر این که چرا وقتی استیلای سیاسی عرب پایان یافت، مردم به زبان نیاکان خود باز نگشتند و زبان تازه ای به وجود آمد؟ مسأله را ساده تلقی نکنیم و نگوییم که چون خراسان مرکز نهضت های قومی و ظهور قدرت های مستقل از دستگاه خلافت بود، زبان خراسان رواج یافت. ابو مسلم هرگز به زبانی جز عربی سخن نگفت و طاهر ذوالیمین به عربی سخن می گفت. یعقوب لیث هم وقتی سفارش کرد که به زبانی شعر بگویند که او بفهمد به زبانی اشاره می کرد که کمابیش از صورت یک لهجه خارج شده بود و گمان نمی کنم که دقیقی شاعر اجباری داشته است که شاهنامه را از پهلوی به فارسی منظوم درآورد. زبان پهلوی که در زمان اشکانیان بسیار ضعیف شده بود و ساسانیان سعی کردند به آن اعتباری بدهند زبان تمام مردم ایران نبود و یاد دادن و یاد گرفتن مشکلاتی داشت. با این همه ایرانیان به اجبار و اکراه آن را ترک نکردند. قبول زبان یا لهجه ی فارسی هم بر طبق دستور یا به حکم احساسات نبود، بلکه زبان خراسانی وقتی قوت گرفت که خراسان مرکز ادب و فرهنگ و علم و تفکر شد و شعر و ادب (و نه به اجبار و اکراه) در قلمرو بسیار وسیع بسط و شیوع یافت. البته قبول خط عربی که مناسب تر از خط پهلوی بود و قبول دین اسلام و آشنایی با قرآن موجب شد که الفاظ عربی جای لغات سریانی را بگیرد. زبان عربی برای ما یک زبان تحمیلی نبود و زبان ما را هم نارسا نکرده است. رسا بودن و رسا نبودن یک زبان در تعداد لغات آن نیست که با وضع لغت و واژه سازی بتوان زبان را غنی و رسا کرد. پس نارسایی در کجاست؟

زبان هر قوم تاریخی دارد و در طی تاریخ زبان هم بسط و قوام می یابد و چون تفکر از یاد برود یا ضعیف شود زبان هم سست و آماده ی خرابی می شود. ما در این اواخر که نسبت خود را با گذشته کم و بیش بریدیم و به عمق علوم و معارف غربی هم دست نیافتیم، چگونه می توانستیم زبان رسا داشته باشیم؟ این نارسایی زبان عین نارسایی تفکر بود و هست. این درد را ما نمی خواهیم بپذیریم و اصرار داریم زبان را امری جدا از تاریخ و تفکر یک قوم و تمدن کنیم و این

نحوه ی تلقی زبان را نارسا تر می کند. به این معنی که چون زبان را از تاریخ و تفکر جدا می کنیم، می پنداریم که می توان با تصرف در آن نارسایی هایش را رفع کرد و آن را به کمال رساند. این تصرفات زبان را بیمارتر و ناتوان تر و آشفته تر می کند. آیا نمی پذیریم که در این سال های اخیر زبان ما بیشتر دچار آشفتگی و هرج و مرج شده و حتی به «بلبله ی بابلیان» شباهت پیدا کرده و اهل سواد و فضل هم بسیاری از نوشته های روزنامه ها و کتب را درست نمی فهمند. اینجا دیگر بحث از نارسایی زبان نیست بلکه باید از فساد و خرابی آن سخن گفت. این تعصب نیست، ناچیز انگاشتن کوشش میهن پرستان هم نباید به حساب آید. این قبیل سخنان برای زبان زبان دارد و دست پهلوسان را باز می گذارد که با سپر الفاظ خوش ظاهر هر چه می خواهند دست درازی کنند. کوشش را با پهلوسی اشتباه نکنیم. می دانم که این سفارش بی اثر و بی مورد است. زبان که ویران شد الفاظ هم معانی خود را از دست می دهند و مانعی ندارد که به کوشش نام پهلوسی و خیال بافی داده شود و پهلوسی را کوشش انگارند.

پرسی که تا کنون پاسخ صریح به آن نداده ام این است که چگونه می توان زبان را رسا کرد. من از ابتدا قصد نداشته ام که به این پرسش پاسخ بدهم، زیرا کسانی می توانند از عهده ی پاسخ دادن برآیند که با زبان رسا انس دارند و زبانشان رساست. گنگ ها و الکن ها هر چه بگویند بلفضولی است. اما پرسش را می توان به صورت دیگری درآورد و پرسید که آیا باید زبان را به حال انحطاط و ویرانی گذاشت؟ قبل از پاسخ دادن به این پرسش هم باید در باب آن بیندیشیم و ببینیم که تا چه حد صلاحیت مداخله داریم. آیا بهتر نیست تا وقتی که با دقایق و ظرایف زبان خود آشنا نیستیم وارد بحث زبان نشویم؟ و اگر می توانیم در زبان باریک شویم و جز آنچه می دانیم و می فهمیم چیزی نگوئیم و ننویسیم از جهل مرکب نمی توان به علم رسید، بلکه باید ابتدا از مرتبه ی جهل بسیط گذشت. ما تا ندانیم چه می توانیم بکنیم و متوجه نباشیم که قیل و قال بیهوده بسیار کرده ایم و از آن سودی نبرده ایم چگونه درد زبان را درمان توانیم کرد؟ تا این قیل و قال هست زبان روز به روز بیمارتر می شود اگر فردا در مورد زبان سکوت کردیم شاید با آن در خلوت انس نشسته باشیم، ولی چه کسانی با زبان انس پیدا می کنند؟ این انس در شأن شاعران و متفکران است. اگر شاعران و متفکران نباشند زبان بازیچه است. به عبارت دیگر، بحث های بیهوده ای که در باب زبان می شود به خرابی زبان مربوط است و اگر این خانه آبادان بود و همه در آن قرار و ثباتی داشتند، های و هوی نمی کردند. راه این خانه را متفکران و شاعران به ما نشان می دهند. آنها در زبان و با زبان تفکر می کنند.



حیا و عفاف

محمد حسن مکارم

دارد (که اشاره به بختیار بود)؛ ثمره‌ی کار ما فرهنگیان امروز را باید ۲۰ سال دیگر ارزیابی نمود؛ لذا صبوری پیش شرط کار تربیتی و فرهنگی است.

برای نهادینه شدن دو فضیلت «حیا و عفاف» که خود منشأ فضایل متعدد دیگرند، در میان نونهالان عزیز و آینده‌سازان کشور، راهکاری را در سه بخش، به روال گذشته، با سروان همکار به تعامل می‌نمایم، و با اعتراف به بضاعت مزجات خویش، دست یاری به سوی همه‌ی دل‌سوختگان دراز می‌کنیم.

۱. سلوک معلم: با این‌که عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات فرارسیده و نوجوان از اطراف و اکناف خود تأثیر می‌پذیرد، با این همه، نقش‌پذیری او از معلمان خویش بسی شگرف است؛ هم به دلیل فروزانگی و شخصیت‌والایی که برای معلم خود قائل است، و هم به لحاظ طول مدت تحصیل در مدرسه و دانشگاه. باید به چشمان معصومانه‌ی آن‌ها و به دل‌های پذیرای آنان رحم کرد. آن‌ها ظرف ذهن و دل خود را در اختیار ما می‌گذارند، تا با چه آن‌ها را پر کنیم؟ من و شما بارها تجربه کرده‌ایم که گرچه بچه‌ها از نظر جسمانی سال به سال رشد می‌کنند و به چشم بزرگ می‌آیند، به ویژه دختران دانش‌آموز که پیش‌رس‌تر هستند، اما وقتی رابطه‌ی نزدیک با آن‌ها پیدا می‌کنی، می‌بینی یک پارچه تیارند؛ سرتاپا سؤال‌اند؛ محتاج دستگیری فکری و عاطفی‌اند. شدیداً دچار خلأ فکری و روانی‌اند، ما را ورنه از می‌کنند. سو که ما را نظاره می‌کنند، هم‌رانی می‌طلبند، بلکه ظرف خالی وجود خود را پر کنند. پس بر ما مباد که دست خالی برگردند!

در مقالات گذشته، از سلوک دینی و اخلاقی دانش‌آموزان صحبت به میان آمد. وجود زمینه‌ی پذیرش در فراگیران، توجه به آثار بلوغ، انقلاب در کلاس‌داری، تطابق قول و فعل معلم و دقت در گزینش معلمان، به عنوان خطوط کلی بحث مطرح شد. در شماره‌ی قبل، «راستگویی» قدم اول در تربیت اخلاقی نونهالان تلقی گردید. «جواهرزی» و «عفاف‌مندی» دو مورد زیربنایی در نظام اخلاق اسلامی به نظر می‌آید؛ دو خلقی که رابطه‌ی نزدیک با یکدیگر دارند. «حیا» نوعی عکس‌العمل نفس‌ماست که موجب پرهیز از ارتکاب امور ناپسند می‌گردد و ریشه‌ی آن، ترس از سرزنش دیگران است. مسلمان به خاطر درک محضر الهی و شرم از نظارت خداوند و عقوبت آخری، مزین به صفت حیا می‌شود، و از نقطه‌ی مقابل آن، یعنی «وفاحت»، فاصله می‌گیرد. «عفت» نیز ملکه‌ای نفسانی است که از غلبه‌ی شهوات - خاصه شهوت شکم و شهوت جنسی - دارنده‌ی آن را بر حذر می‌دارد.

ما جامعه‌ی معلمان، به ویژه معلمان دینی و قرآن، بیش از سایر افشار جامعه، دغدغه‌ی فرهنگ و اخلاق مردم را در دل داریم، و با توجه‌ی ویژه‌ای لطیف و حساس که لازمه‌ی کار فرهنگی است، چه بسا تاب دیدن تخلفات اخلاقی را در کوچه و خیابان، از جوانان و نوجوانان نداریم، چرا که آن‌ها را دانش‌آموزان دیروز یا امروز خود می‌دانیم که سال‌ها در کلاس درس با هم محصور بوده‌ایم.

می‌دانیم کار تربیتی زمان می‌برد؛ به فرموده‌ی امام راجح عظیم الشان، چه رسد آن یک‌بارگی! از ۲۰ سال پیش تربیت کرده و آماده

مباد درکشان نکنیم و گرگان در کمین آن‌ها را بدرند.

این واقعیت، پشت صحنه هم دارد؛ در خیابان ما را می‌بینند، می‌شناسند و چه بسا خود را معرفی نمی‌کنند. در مجالس و محافل می‌بینند و به کنار دستی می‌گویند: ببین! ببین! این سال‌ها پیش معلم من در فلان مدرسه بود. آنگاه از ریز و درشت حرکات و سکنات ما با ولع تمام فیلم برداری می‌کنند. چشم ورودی نفس است؛ آداب و معاشرت ما با محرم و نامحرم را زیر نظر می‌گیرند؛ در پارک، در مهمانی، در ورزشگاه، در اتوبوس، در تعزیه، در جشن، در محرم، در رمضان، در نوروز، در سفر، در حضر. حیا و عفاف را از ما می‌آموزند، سپس به کار می‌برند و در آینده به عنوان پدر و مادر، به فرزندان خویش انتقال می‌دهند. چه سعادت‌مندند معلمانی که وجودشان در کلاس و در جامعه الگوی بخش نسل چشم به راه است و در این هنگامه‌ی دنیا، دسته دسته گل‌های «اعمال ما تأخر» خود را می‌چینند تا فردا کم نیاورند.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

۲. اقتاع عقلی: بچه‌های ما با ورود به راهنمایی، آرام آرام برهان‌گرا می‌شوند و جو حاکم بر جهان امروز نیز آن‌ها را کنجکاوتر بار می‌آورد. حقیقت‌جویی در نهاد آدمیزاد است؛ علم‌یابی و دلیل‌خواهی در ذات اوست؛ چشم بسته نمی‌پذیرد؛ آمار و ارقام می‌طلبد، قیاس و تحلیل می‌کند و دلائل طرفین را می‌شنود، آنگاه به تطبیق و پردازش داده‌ها می‌نشیند؛ فرایندی که دین هم بر آن پا می‌فشارد، آنجا که سمع و بصر و فؤاد باید جوابگو باشند و به تضارب آرا سفارش شده‌اند.

رسانه‌های بیگانه «حیا» را امری واپسگرایانه و موجب عقب ماندگی می‌شمارند؛ مایه‌ی ضعف در استیفای حقوق حقه؛ مایه‌ی مظلومیت طبقه‌ی نسوان و موجب دوری از تمدن و تجدد. همان‌ها «عفاف» را نیز دستاورد نامیمون حیا و عامل مرزکشی بین دو جنس زن و مرد و منشأ سقوط در جرگه‌ی جهان سوم و ضعف فرهنگی و مآلاً پشت دروازه‌ی مدرنیسم و پست مدرنیسم مانند قلمداد می‌کنند. جوان ما با جهان مرتبط است و می‌تواند از زیر زمین خانه‌ی خود، به برکت یک آنتن، آخرین تحولات دنیا را مشاهده کند. با خود می‌اندیشد که غرب با غول تکنولوژی خود سراسر گیتی را به زیر نگین خویش آورده و بر سیاست و تجارت و اقتصاد جهانی حاکم است، و این در حالی است که پسر و دختر اروپایی در مدارس مختلط به تحصیل مشغولند؛ از هرگونه قید و بند مذهبی و خانوادگی در معاشرت با جنس مخالف آزادند؛ اختراعات و اکتشافات آنان هم گوش فلک را کر کرده است؛ زمین که جای خود دارد، فضا را هم به تسخیر خویش درآورده‌اند. اما ما ایرانیان و ما مسلمانان گرفتار حریم‌ها و حرام‌ها هستیم و غل‌هایی مانند رعایت حیا و عفاف مانع ترقی ما شده است! ما به عنوان معلم و

راهنم او دو راه پیش‌پیش رو نداریم: اقتاع عقلی او و پاسخ شفاف دادن به شبهات روز افزون او، یا دست کشیدن از فرهنگ و معتقدات خربش و تسلیم شدن. بی‌شک همگی به راه اول متعهدیم. حال که چنین است، کلاه عقل او را قاضی قرار دهیم. به میدان مباحثه‌اش بیاوریم و کلاس را به روش فعال اداره کنیم. بگذاریم بیندیشد و حرف بزند: عزیزم! شکم و شهوت را چرا به ما داده‌اند؟ نعمت است، یا نقمت؟ به کارشان گیریم، یا دفعشان کنیم؟ در هر فرض، چه اتفاق می‌افتد؟

بدیهی است که می‌گوید: اولی را داده‌اند تا احساس گرسنگی کنیم، در نتیجه دنبال کسب و کار برویم که لازمه‌ی آن هم دستیاری به علوم و فنون است، و رونق زندگی و انگیزه‌ای برای زیستن. دومی هم موجب شکل‌گیری خانواده و راز بقای انسان. عزیز من! تا اینجا با گاو و گوسفند چه تفاوت داریم؟ هیچ. چرا اگر کسی را حیوان لقب دهند، به شدت ناراحت می‌شود و اهانتی بزرگ به خود می‌داند؟! آیا شکم و شهوت وسیله است یا هدف؟ معبر است یا مقصد؟ نردبان است یا پشت‌بام؟

ملت‌هایی که در تاریخ گذشته و حال، این دورا مقصد نهایی آفرینش دانستند، به کجا رسیدند؟ آیا کسی که غرق در شهوت افسارگسیخته و هرزگی است، یا هم و غمش شکمبارگی است، مجال ساعت‌ها کار در پژوهشکده‌ها و لابراتوارها برای یافتن انرژی جدید یا کشف دارویی جدید برای یک بیماری نوظهور پیدا می‌کند؟ آیا طغیان شهوت، میدان رصد کردن اقطار آسمان‌ها و جست‌وجوی حیات احتمالی در کره‌ای دیگر را به شهوت ران می‌دهد؟! آیا کسانی که غرب را به تمدن و تکنولوژی رساندند، روسی‌ها و فواحش و میگسارهای بی‌حیا در شب نشینی‌ها بودند، یا انسان‌های فرهیخته و علم دوست و مغزهای متفکری که اغلب با لطافت الحیل و طرح‌های استعماری به اروپا و آمریکا کشیده شدند و برای آنان نام آوردند و هزینه‌ی تحقیقات این قبیل کشورها از طریق غارت منابع و ذخایر دولت‌های جهان سوم فراهم آمد؟!

باید کلاس‌های درس کم جمعیت باشد، تا معلم بتواند موجب روشنفکری و شکفتگی ذهن و مغز دانش‌آموزان گردد. بی‌نتیجه است که ما محتویات ذهن خود را، بدون مجال تفکر به طرف مقابل دادن، در مغز او خالی کنیم چنان‌که گویی می‌خواهیم قالب سیمانی تهیه کنیم. باید او را به تحلیل عقلی فراخوانیم و بگذاریم خود به نتیجه برسد.

پکن + ۵

دانش آموز عزیزم، اصطلاح فوق را شنیده‌ای؟ نام جدیدترین اعلامیه‌ی جهانی پیرامون حقوق زنان است. بد نیست بدانی: ظرف ۲۵ سال گذشته پنج کنفرانس جهانی، با نام دفاع از حقوق زن و رفع تبعیض از او به راه انداخته‌اند و «فمینیسم» را بر سر زبان‌ها رایج

کرده‌اند. ادعا می‌کنند اگر زن و مرد از همه نظر مساوی به حساب آیند، دنیا گلستان می‌شود! نظر تو چیست؟ آیا تو و خواهرت در منزل یک روحیه دارید؟ آیا پدر و مادرت توانایی‌ها، نقطه نظر‌ها، عاطفه مندی‌ها و واکنش‌های مساوی در حوادث تلخ و شیرین زندگی دارند؟ چطور است یک ماه در این زمینه تأمل کنی سپس بچه‌های کلاس در گروه‌بندی‌های خود تبادل نظر کنند. هر کتاب و آماری هم خواستید، راهنمایی می‌کنم و به کتابخانه مدرسه رجوع کنید.

همکار ارجمند! نوجوان ما، زیر نظر مرشدانه‌ی معلم خود، به تدریج به اقناع عقلی می‌رسد و مدافع تقید به «حیا و عفاف» به عنوان دو محدودده‌ی لازم‌الاجرا در زندگی اجتماعی می‌گردد. چون تدریجاً به دبیرستان و دانشگاه راه می‌یابد؛ تفکر منطقی در او رشد می‌یابد؛ دستاوردهای کنوانسیون ۱۹۹۵ پکن را مورد تحلیل قرار می‌دهد و خود می‌فهمد که طبق مفاد آن: نگاه ابزاری به زنان اوج می‌گیرد؛ نیروی کار آن‌ها در رقابت یا مردان و بلکه ارزان‌تر به صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها ارائه می‌گردد؛ اختلاط جنسی رواج می‌یابد؛ کمتر کسی زیر بار ازدواج می‌رود؛ خانواده تدریجاً حذف می‌شود؛ زن و مرد به طور انفرادی زندگی می‌کنند؛ بچه‌های بی‌هویت و مجهول الحال فراوان می‌شود؛ زنان بیش از پیش برای جذب تورسم و خدمت‌رسانی متنوع به جهانگردان به کار گمارده می‌شوند؛ از لطافت آنان برای کارهای جاسوسی به قیمت خودفروشی استفاده می‌گردد؛ بیماری‌های مقاربتی اوج می‌گیرد؛ سقط جنین مایه‌ی مباحات می‌گردد؛ و آثار شرم‌آور دیگری که قابل نگارش نیست.

حیاورزی و عفاف‌مداری مانع از آن می‌شود که هر ۱۳ دقیقه یک نفر در آمریکا به ویروس مهلک ایدز دچار شود؛ یا هر ساله ۳۵۰ هزار دختر دبیرستانی در آمریکا - در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال - به علت روابط نامشروع حامله می‌گردند؛ و یا در نیروژ ۹۰ درصد دختران زیر ۱۸ سال که ازدواج می‌کنند باردار باشند. در سوئد و آلمان هم وضع بهتر از این نیست.^۱

این‌ها اخباری مربوط به قبل از تصویب مصوبات کنوانسیون «پکن ۵۰» و اجلاس بی «زنان ۲۰۰۰» است؛ چنانچه سازمان ملل و سایر مجامع بین‌المللی - آن‌طور که پیش‌بینی شده - پیشرفت سالانه‌ی مصوبات را در کشورهای عضو پیگیری کنند، آن‌وقت چه ارقامی اعلام خواهد شد، مخصوصاً اگر کاخ سفید بر قانونی شدن پوزنوگرافی (هرزه‌نگاری) اصرار ورزد.

باش نا صبح دولت بدمد

کاین هنوز از نتایج سحر است

حال که پرده‌ها را بالا زده‌اند، ما معلمان نیز باید در تجزیه و تحلیل حوادث جهان، عقل و اندیشه‌ی فراگیران خود را به کار گیریم. چرا استکبار جهانی تحت نام «جهانی شدن» به «جهانی سازی» و تحمیل

فرهنگ و اخلاق خویش مشغول است و اسم آن را اشاعه‌ی دموکراسی می‌گذارد؟!

۳. اقناع نقلی: جوانان ما همگی بچه مسلمان‌اند، غیرت مذهبی دارند که به موقع خود، از جمله در عاشورای حسینی، آن را یکپارچه نشان می‌دهند. اگر در اعلامیه‌ی حقوق بشر قرائنه «مردسالاری» کرده‌اند و امروز با طرح رفع تبعیض از زنان، می‌خواهند جبران مافات کنند، و در افراط و تفریط خویش غرق شوند، چرا تاوانش را جوانان مسلمان بدهند؟

از روز نزول وحی، حد و مرز شکم و شهوت و فلسفه‌ی آدم بشر آن‌ها را برای ما تبیین کرده‌اند. حیا و عفت رازیرستون قصه‌ی نگاشته و بی‌حیایی و دامن‌آلودگی رازیر نام‌رذایل ثبت کردند. آنگاه رویافتگان به مقام قرب الهی، شیوه‌ی سلوک در این میانه را عملاً به ما آموختند. نسل جدید نیز مانند اجداد خود صبغه‌ی پندنوشی و تقوایشکی دارد. روایاتی از این دست را، که کتب حدیث ما لیریز از آن‌ها است، در کلاس‌هایمان بر طپت پاک بچه‌های مردم عرضه کنیم، که این وعظ و اقناع نقلی به دنبال تقید معلم به گفتار خویش و اقناع عقلی مذکور مؤثر خواهد افتاد، بعونه تعالی:

هیچ عبادتی در پیشگاه خدا، برتر از عفت نفس و عفت فرج نیست؛ شیعه‌ی جعفر کسی است که در برابر شکم‌پرستی و بی‌بندوباری جنسی عفت پیشه‌کنند؛ زمانی بر مردم فرا می‌رسد که شکم‌هاشان بت‌هاشان می‌شود و زن‌هاشان قبله‌هاشان و دینارهاشان دیشان...؛ در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده که بدتر از هواپرستی باشد؛ شهوات سموم کشنده‌اند؛ از تسلیم شدن در برابر شهوات پرهیزید تا از آفات و بلاها در امان باشید؛ شهوات شما را به انواع گناهان می‌کشاند؛ هواپرستی عقل را فاسد می‌کند؛ شیرینی شهوت ننگ رسوائی در پی دارد؛ حیا لازمه‌ی دین داری است...؛^۲ اینها علاوه بر ده‌ها آیه‌ی تکان دهنده است که انسان را به حیا و عفاف وعظ می‌کند، مثل: آیات سوره‌ی یوسف (ع)، ماجرای قوم لوط، داستان دختران شعب (ع)، سرگذشت عابد یهودی در سوره‌ی حشر. خداوند بزرگ رامی‌خوانیم که به حق اولیای کرامتش ما معلمان را در ترویج اخلاق اسلامی نصرت فرماید.

منابع

۱. تعاریف حیا و عفاف را در تهذیب الاخلاق ابن مسکویه و یا جامع السعادات تراقی می‌توان دید.
۲. رجوع به مجموعه مقالات «حقوق زن، نشر مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۱»؛ موج سوم تألیف اولین قافله / جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج اثر آندره مشیم / نشر روزگار جهان - آمریکا، اثر مرکز مشیست - سربست جمهوری
۳. «حقوق در ایران»، نشر بیدار، مکدم، ج (۲)، فصل ۱۳، ۱۴، ۱۵.

آلبرت اینشتین نابغه‌ی قرن بیستم

من درست مثل اسب درشکه هستم؛ هرگز به کسی، به دولتی، به کشور زادگاهم، به جمع دوستانم و حتی به خانواده‌ام احساس وفاداری و تعلق نداشته‌ام. برعکس، نسبت به همه‌ی این روابط همواره احساسی دائمی از استقلال و نیاز به تنهایی دارم. احساسی که با گذشت زمان بیشتر نیز می‌شود.

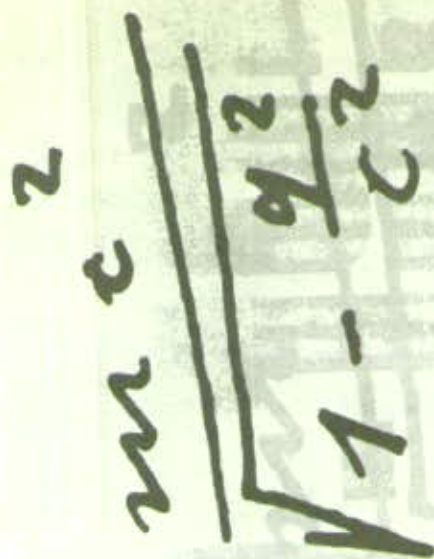
از کتاب: «تجارب من»



نویسنده: هرالد فریتش
میشل هلگه
ترجمه: جعفر ربانی

اشاره: سال ۲۰۰۵ صدمین سال طرح آغازین نظریه‌ی نسبیت (در سال ۱۹۰۵) و پنجاهمین سالمرگ طراح این نظریه، آلبرت اینشتین (در سال ۱۹۵۵) است. به همین مناسبت، این سال را سال جهانی فیزیک یا سال اینشتین نام نهاده‌اند. قرار است در این سال در کشورهای مختلف جهان، مراسم بزرگداشت این دانشمند برگزار شود، از جمله در برلین - پایتخت آلمان و کشور زادگاه اینشتین - نمایشگاهی با نام «آلبرت اینشتین: مهندس کیهان» افتتاح می‌گردد. در ایران نیز برنامه‌هایی در دست اجراست. نخستین مراسم بزرگداشت سال فیزیک در ایران ۲۰ اسفند ۸۳ در تالار وحدت برگزار شد که در آن دکتر حداد عادل، دکتر منصوری و دکتر ثبوتی سخنرانی کردند. مقاله‌ای که می‌خوانید به همین مناسبت تهیه شده و تقدیم شما دبیران محترم به‌یژه دبیران علوم و ریاضی می‌شود. رشد





آلبرت اینشتین و دکتر علی شریعتی

آلبرت اینشتین

در سال ۱۹۰۵ فیزیکدان جوانی به نام آلبرت اینشتین ۵ مقاله‌ای بر روی نوشت و آنها را در مجله‌ی علمی سالنامه‌ی فیزیک منتشر کرد. اینشتین در آن زمان ۲۶ سال داشت و به عنوان کارشناس در اداره‌ی ثبت اختراعات سوئیس کار می‌کرد. این دانشمند جوان - ایده‌ها و افکاری که در این مقالات از خود بیرون داد، بودایی‌ها و هندو-مسیحیان دیگرگون ساز و متحول شده در باروی فضایی زمان، ماده و انرژی به جهان علم عرضه کند. چنین سن بود که سال ۱۹۰۵ به سال حیرت‌ناو شگفتی آفرین و بهرین بگویم به سال اینشتین تبدیل شد.

سه مقاله‌ی دیگرگون ساز

بیل بریسون^۱، نویسنده‌ای که کارش نوشتن مقالات علمی است در جمع بندی خود از مقالات اینشتین، درباره‌ی سه مقاله‌ی اول او،

من هرگز ابایی نداشته‌ام که عقایدم را در هر موقعیتی به صراحت ابراز کنم بلکه آن را وظیفه‌ی خود دانسته‌ام. اما مسئله این است که یک دست بی صداست.

از نامه‌ی آلبرت اینشتین، ۱۹۵۰

که از اهمیت بیشتری برخوردار بود، می‌گوید: نخستین مقاله درباره‌ی «ماهیت نور» بود که بیان می‌داشت نور از ذراتی به نام فوتون تشکیل شده است (این مقاله بود که برای اینشتین جایزه‌ی نوبل فیزیک را در سال ۱۹۲۱ به او اعطا آورد) مقاله‌ی دوم اثبات می‌کرد که اتم‌ها و افعا وجود دارند، و مقاله‌ی سوم چه به مدد نسبیت توانست جهان را دیگرگون کند کار انقلابی اینشتین در «فصل» زمان بود. همین نظریه است که چندی بعد نظریه‌ی نسبیت عام گرفت. البته این نامی بود که اینشتین ابتدا خود آن را بومی پندید و ترجیح می‌داد بر آن نام «نظریه‌ی مقصود» بگذارد.

باری، واقعیت این است که یکی از آن مقالات - عنوان آن به عنوان «دینامیک اجسام متحرک» یکی از برجسته‌ترین مقالات در عرصه‌ی فیزیک در زمان‌ها قلمداد شده و عظیم‌ترین ایده‌ای است که تاکنون

در تاریخ قرن نوزدهم میلادی، بحرانی عمیق، دامنگیر علم فیزیک شده بود، به طوری که دانشمندان پیشگام و برجسته‌ی فیزیک عقیده داشتند که این علم دیگر به پایان راه خود رسیده است. حقیقت مطلب این بود که در آن زمان، علم فیزیک گامی بسیار سبک و ناوارزنگ دنی را داشته و از دنیای ماکرو فیزیک که دنیای اشیای قابل رؤیت است به دنیای میکرو فیزیک، فیزیک ذرات - که قابل رؤیت نیست - پا گذاشته بود؛ دنیایی که سرعت حرکت در آن به طور غیر قابل تصویری زیاد و فراتر از درک بشر است. پس از نظر علم فیزیک جهان در استالنی وارد شدن به «عصر کوانتم» بود، اما این که چه کسی می‌توانست کبده ورود به این عصر را پیدا کند، هنوز معلوم نبود.

سرانجام قرن نوزدهم پایان یافت و بشر به قرن بیستم وارد شد.





فارغ التحصیل شد و سپس در اداره ی ثبت اختراعات سوئیس مشغول به کار شد. در این زمان با دوست و همکلاس خود میلوا ماریس^۵ ازدواج کرد. آنها از این ازدواج دو فرزند پسر پیدا کردند، اما سرانجام کارشان به طلاق انجامید و اینشتین دوباره ازدواج کرد.

سؤال مهم

یکی از سؤالانی که اینشتین همواره و حتی در دوران کودکی یدان می اندیشید این بود که: اگر کسی با سرعت نور حرکت کند و در همان حال یک موج نوری را نیز تحت مشاهده قرار دهد چه خواهد شد، و یا چه خواهد دید؟ اگر چه او هیچ جواب قانع کننده ای برای این سؤال پیدا نمی کرد، ولی هیچ گاه نیز از فکر کردن به آن باز نایستاد. باید اشاره کنیم که از خصوصیات اینشتین یکی هم این بود که می توانست فکر خود را برای سال ها روی یک مسأله ی خاص متمرکز سازد. در آن هنگام که وی در شهر برن زندگی می کرد. در بازگشت از اداره به خانه، با عبور از خیابان های مختلف و قدم زدن در آنها می گوشتد راه خود را طولانی تر کند تا بتواند بیشتر به مسائلی که در ذهن داشت بیندیشد. بدین ترتیب بود که کم کم اندیشه های وی شکوفا شدند.

زمان و فضا، دو مسأله ی مهم

از ویژگی های اینشتین این بود که، بی اختیار، افکارش به سوی مباحثی درباره ی زمان و فضا کشیده می شد و برای او سؤال های تازه پیش می آورد. در آن ایام وی درباره ی نشایح آزمایش معروف میکلسون^۶ و مورلی^۷ که سال ها پیش از وی در آمریکا انجام شده بود اطلاع حاصل کرد. آزمایشی که هدف از آن اندازه گرفتن سرعت نور نسبت به زمین بود که با سرعت قابل ملاحظه ای به دور خورشید گردش می کند. فرض دانشمندان بر این بود که با تغییر در سرعت چرخش زمین به دور خورشید سرعت نسبی نور هم تغییر می کند، ولی چنین چیزی به اثبات نرسید. این بود که دانشمندان به این نتیجه

به فکر بنشینید رسید است، شگفت این است که این مقاله ی اینشتین، نه ریونیوس داشت و نه از کسی با جایی در آن نقل قول آورده شده بود. به علاوه از ریاضیات هم خیلی کم در آن استفاده شده بود و به کارهای علمی دیگران نیز ارجاعی نداده بود. از این رو است که صاحب نظری به نام سی. پی. اسلو گفته است: گویا اینشتین از طریق اندیشه ی محض با خالص بدون کمک گرفتن از کسی یا شنیدن نظری دیگران، به این نظریه دست یافته است.

اینشتین که بود؟

آلبرت اینشتین در سال ۱۸۷۹ میلادی در شهر اولم^۸ آلمان به دنیا آمد. شش هفته پیشتر از تولدش نگذشته بود که خانواده اش به مونیخ - شهر دیگری در آلمان - نقل مکان کردند که پدرش در آنجا یک معاره ی کوچک ساخت وسایل برقی داشت. آلبرت به طوری غیر عادی ساکت و آرام بود. همچنین دیر چشم بود و به سحنی از خود اعطاف نشان می داد. تا سه سالگی زبان باز نکرد، با این حال، هنگامی که ده و نوزده سال داشت هندسه ی اقلیدسی را نزد خود به طور خودامور فرا گرفت.

آلبرت ۱۵ سال داشت که کار و کسب پدرش رو به کساد رفت و خانواده ی او با چار شدند از آلمان به ایتالیا بروند و این برای آلبرت نوجوان فرصتی بود تا خود را از دست مدرسه رها کند. آخر، او با وجود آمال و آرزوهایی که در سر داشت و همواره در پی یافتن راه های جهان هستی بود، به تحصیل منظم در مدرسه چندان دل نمی بست و لذا دوره ی تحصیلاتش هم درخشان نبود و این مشکلی است که بچه های نخبه ش افسان آن رو به رو می شوند. سرانجام اینشتین از ایتالیا به سوئیس رفت و دوره ی دبیرستان را به پایان رسانید و وارد مؤسسه ی تکنولوژی زوریخ شد. وی از شیوه های آموزشی آنجا هم خوشش نیامد. به همین دلیل بود که غالباً از کلاس های درس غیبت می کرد تا بتواند خود را به خواندن فیزیک مشغول سازد. تا دیون بواز که بسیار به آن علاقه داشت. سرانجام در سال ۱۹۰۰ مدرک خود را در رشته ی آموزش ریاضیات^۹ از همان مؤسسه گرفت و

گاما هم بیشتر می شود، تا جایی که اگر متحرک با سرعت نور حرکت کند فاکتور گاما بی نهایت خواهد شد. به همین دلیل غیر ممکن است که یک متحرک مادی بتواند با سرعت نور و یا بیشتر حرکت کند. حال بیاید فضانوردی را تصور کنیم که دارد با شناسی ثابت از زمین دور می شود. ما این شتاب را همان شتاب سقوط آزاد یا شتاب ثقل زمین (g) یعنی ۹/۸ متر بر ثانیه در نظر می گیریم؛ بنابراین فضانورد با سرعت تند شونده ی ۹/۸ متر بر ثانیه از زمین دور می شود. فرض می کنیم که او قصد دارد به کهکشان آندرومدا^{۱۱} که از زمین حدود دو میلیون سال نوری فاصله دارد برود. این فضانورد بعد از آن که نیمی از این راه را طی کرد شتاب خورد را متوقف می کند و از آن پس، با سرعت کند شونده، به آرامی در نقطه ای از آندرومدا فرود می آید. اینشتین [براساس روابط فیزیکی خاصی که خود ابداع کرد، نه بر اساس روابط موجود در مکانیک نیوتنی] حساب کرد که فضانورد فاصله ی بین زمین و آندومدا را [که دو میلیون سال نوری است] در مدت ۳۰ سال، به ساعت خودش، می پیماید. آنگاه تصمیم به بازگشت می گیرد و به همان ترتیبی که گفته شد، ۳۰ سال بعد به زمین می رسد. پس فضانورد مسافت چهار میلیون سال نوری را طی کرده در حالی که (آن طور که ساعت فضانورد نشان می دهد) فقط ۶۰ سال از عمرش گذشته است. به عبارت دیگر از عمر فضانورد بیش از ۶۰ سال نگذشته است در حالی که در روی زمین ۴ میلیون سال سپری شده است. باز این بدان معناست که «زمان» پدیده ای نسبی است و بسته به موقعیت می تواند کم تر یا زیاد تر شود در حالی که سرعت نور، مطلق است و کم و زیادی نمی پذیرد. پس نظریه ی نسبیت اینشتین را باید به «نسبی بودن زمان» تغییر کرد.

$$E = mc^2$$

اینشتین نظریه ی نسبیت خود را بسط داد و سرانجام به مشهورترین رابطه در فیزیک، یعنی $E = mc^2$ رسید، رابطه ای که می گوید: ماده انرژی دو شکل مختلف یک چیز هستند. به بیانی دیگر، انرژی ماده ی آزاد شده است و ماده انرژی متراکم، یا چیزی که آماده است تا به صورت انرژی درآید. همان طور که می دانیم، (c) سرعت نور و برابر ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر در ثانیه است (مقدار بسیار بزرگی است، به همین دلیل رابطه ی $E = mc^2$ نشان می دهد هر چیزی که از ماده تشکیل شده باشد حاوی مقداری عظیم و غیر قابل تصور از انرژی است. در آن زمان اینشتین فقط بر روی تبدیل مقادیر بسیار کم جرم، مثل فروپاشی هسته ای اتم رادیواکتیو توجه داشت. ولی امروزه

می دانیم که فرمول $E = mc^2$ بسیار گسترده تر از این است.

اینشتین، ستاره ی درخشان علم

اینشتین در سال ۱۹۰۹ از کار در اداره ی ثبت اختراعات سوئیس استعفا داد تا به کار در دانشگاه مشغول شود. از آن پس به ترتیب در دانشگاه های زوریخ، برن و پراگ (چکسلواکی) به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۱۲ به زوریخ بازگشت. در سال ۱۹۱۴، فرهنگستان علوم پروس [دولت آلمان قبل از جنگ اول جهانی] به او پیشنهاد کرد استادی کرسی فیزیک را در دانشگاه ویلهلم قیصر^{۱۲} بپذیرد که پذیرفت، و چند سال بعد (۱۹۲۱) که جایزه ی نوبل فیزیک را دریافت کرد دیگر به یک چهره ی جهانی یا ستاره ی درخشان علم تبدیل شده بود. در دوره ی جمهوری و ایمارت^{۱۳} اینشتین که صلح دوستی پر شور با دیدگاه های اجتماعی بود با اقدامات خصمانه ی روبه افزایش یهود ستیزی نازی ها روبه رو شد. هنگامی که وی با همسر دومش الزا لوونثال^{۱۴} در آمریکا به سر می برد، در آلمان کتاب هایش را سوزاندند. سرانجام هم در سال ۱۹۳۳ هیتلر زمام امور را در آلمان به دست گرفت و معلوم است که چه پیش آمد. این وقایع و جنایات سازمان یافته به وسیله ی نازی ها در آلمان، چنان ضربه ای بر روح اینشتین وارد کرد که دیگر هرگز به آلمان بازنگشت، بلکه دعوت مؤسسه ی مطالعات پیشرفته^{۱۵} در پریستون را قبول کرد و تا پایان عمر در آمریکا ماند. او از آن پس به ندرت سفر کرد تا بتواند به کار بر روی نظریه ی میدان واحد (تلفیق جاذبه و الکترومغناطیس) - نظریه ای که بتواند توصیفی یکسان از نیروهای جاذبه ای و الکترومغناطیسی ارائه دهد- بپردازد. این ها مباحث مشکلی بود و او سرانجام از عهده ی حل رضایت بخش آنها بر نیامد.

اینشتین و بمب اتمی

در ۱۶ جولای سال ۱۹۵۴ میلادی (۲۵ تیر ۱۳۲۴ شمسی) انفجاری بزرگ در صحرای نیومکزیکو^{۱۶} در آمریکا روی داد و این نخستین باری بود که بمب هسته ای یا اتمی به کار برده می شد. در انفجار آن بمب، مقدار کمی از یک ماده به تشعشع (انرژی) تبدیل شده بود. علاوه بر این بمب، که آزمایشی بود، آمریکایی ها دو بمب دیگر هم با موفقیت تولید کرده بودند که در اوت (تیرماه) همان سال - در حالی که جنگ دوم جهانی داشت به پایان خود نزدیک می شد - آنها را روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن انداختند. چنان که می دانیم در این دو فاجعه ده ها هزار نفر از مردم ژاپن در دم سوختند و



آلبرت اینشتین و لئوپولد اینفیلد در سال ۱۹۳۹

در پدیده‌های اتمی و هسته‌ای و برای اثبات صحیح بودن نسبیت خاص و نسبیت عام. این دو کتاب به‌شماره ۱۰۰ کتاب نفوذناپذیر در تاریخ علم و فلسفه و فرهنگ و سیاست و اقتصاد و هنر و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و علوم و فضا و زمان و زندگی و مرگ و عشق و کینه و امید و ناامیدی و جنگ و صلح و دوستی و خشم و حسادت و ... این کتاب به‌شماره ۱۰۰ کتاب نفوذناپذیر در تاریخ علم و فلسفه و فرهنگ و سیاست و اقتصاد و هنر و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و علوم و فضا و زمان و زندگی و مرگ و عشق و کینه و امید و ناامیدی و جنگ و صلح و دوستی و خشم و حسادت و ...

از بین رفتند و صدها هزار نفر مجروح و بیمار و غلغل و ناخوشی و ناامیدی شدند. به هر حال می‌توان گفت که فیزیکدان‌ها مخترع انفجار اتمی نبودند، بلکه آنها فقط این مفهوم را از ایده اصطلاح و از آسمان به زمین آوردند و اما نقش اثبات اینشتین در این میان چه بود؟

اینشتین کسی نبود که خود، نخستین بار، با توجه به کارهای او که از تلاش‌های علمی دانشمندان آلمانی به دست می‌آمد، بلکه خطری را به صدا در آورد. او در نامه‌ای که در ماه اوت سال ۱۹۳۹ به روز ولت رئیس جمهور آمریکا نوشت به او اعلام کرد که حساب دارد همان تئوری بساطت که تولید کند این نامه در شکل گیری پروژای مانهاتن که به ساخت بمب اتمی در آمریکا منجر شد تأثیر بی‌قطعی داشت. این اقدام اینشتین، چنان که خود بعداً بر آن تأکید کرده است، شش‌هفتی هر گیل بود و می‌توانید بایدها را مقصود، رئیس مقصدی قدرت علم در عصر می‌فردنی آن دانست. اینشتین در سال ۱۹۵۰ اعلام کرد که هرگز در هیچ یک از فعالیت‌های اتمی نظمی که که جهانی می‌داشته باشد، شرکت نداشته و در تحقیقات مربوط به آن شرکت نداشته است. تئوری همکاری می‌کرده است. در سال‌های بعد از جنگ و فعالیت‌ها در جهت ایجاد یک قطعه جهانی، او به تهدید هسته‌ای تلاش می‌کرد. اینشتین از ایجاد کشور اسرائیل نیز حمایت می‌کرد اگر چه باید دانست تفکرات او در این زمینه اختلاف فراوانی با تفکر میاسمیرا می‌داشت که در تأسیس کشور اسرائیل نقش داشت.

میراث اینشتین

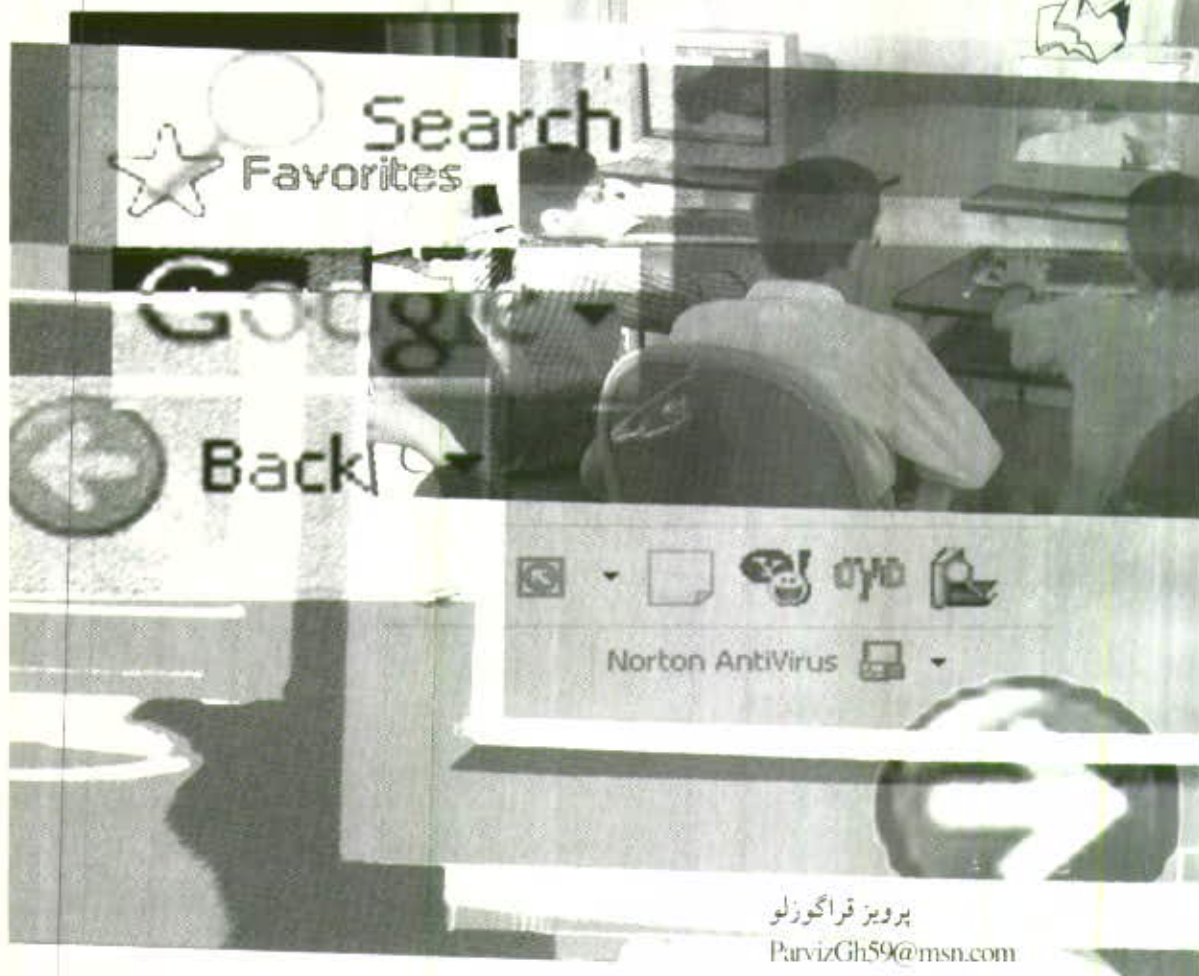
یکی بودن ماده و انرژی همچنان در بحث فیزیکی در اتم تحت مطالعه و بررسی دانشمندان است. اما هنوز روشن نشده است که متناجم در اتم از کجاست. انتظار می‌رود در شش دهه‌ای در اتم (LHC) که قرار است در سال ۲۰۰۷ میلادی در مرکز تحقیقات اروپایی (CERN) راه اندازی شود بتواند برای این سؤال پاسخی بدهد. این موضوع در فهم این که فرمول معروف اینشتین $E=mc^2$ واقع چه می‌خواهد بگوید به کمک خوبی هم اید کرد.

1. Annalen der Physik
2. The Princeton
3. J. Neumann
4. J. Neumann
5. M. J. Neumann
6. Neumann (1857-1931)
7. Neumann (1857-1931)
8. Neumann
9. Neumann (1857-1931)
10. Neumann (1857-1931)
11. Neumann (1857-1931)
12. Neumann (1857-1931)
13. Neumann (1857-1931)
14. Neumann (1857-1931)
15. Neumann (1857-1931)
16. Neumann (1857-1931)
17. Neumann (1857-1931)
18. Neumann (1857-1931)
19. Neumann (1857-1931)
20. Neumann (1857-1931)

منبع

www.kayvanfar.com

در تاریخ علم و فلسفه و فرهنگ و سیاست و اقتصاد و هنر و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و علوم و فضا و زمان و زندگی و مرگ و عشق و کینه و امید و ناامیدی و جنگ و صلح و دوستی و خشم و حسادت و ...

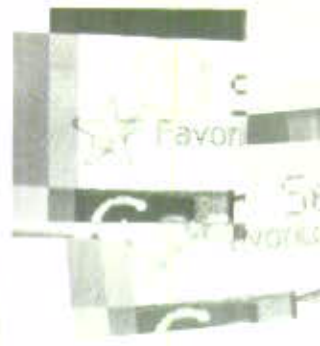


پرویز قراگوزلو

ParvizGh59@msn.com

اینترنت^(۲)

در شماره ی قبل، به معرفی شبکه ی جهانی اینترنت، روش ساخت صندوق پستی الکترونیکی، نحوه ی ارسال و دریافت پیام و... پرداختیم، و اشاره کردیم که امروزه مجموعه ای از خدمات چند رسانه ای شامل متن، تصویر، صدا و فیلم در این شبکه گنجانده شده است. در این شماره، سعی داریم نحوه ی استفاده از واژه پرداز "word" را شرح دهیم تا ضمن آشنایی با تایپ متن در این نرم افزار، نحوه ی انتقال آن به صندوق پستی الکترونیکی و رانسر بیاموزیم. علاوه بر آن به نحوه ی قرار دادن تصویرهای گرافیکی در کنار متن تایپ شده و چگونگی چاپ متن مورد نظر نیز می پردازیم.



در این دیگری قرار داد

واژه پرداز word این امکان را به شما می دهد که بتوانید یک سند را در قالبی به غیر از قالب معمول سند های word ذخیره سازید و بعداً آن را بازیابی کنید و در برنامه ی مورد نظر خود مورد استفاده قرار دهید. منظور از قالب فایل، روشی است که یک برنامه برای نوشتن اطلاعات درون فایل به کار می برد. اگر می خواهید اسناد خود را در اختیار کسانی قرار دهید که از برنامه های دیگر یا از نسخه های دیگر word استفاده می کنند، ذخیره کردن آن ها در قالب دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مثلاً، اگر از word xp استفاده می کنید و می خواهید متن تایپ شده را در اختیار کسانی قرار دهید که از word 6.5 استفاده می کنند، حتماً باید سند مورد نظر را با قالب word 6.5 ذخیره کنید، اگر نمی دانید که سند شما در چه قالبی ذخیره شده است، می توانید از کادر محاوره ای properties که اطلاعاتی در مورد قالب سند ارائه می دهد، استفاده کنید، این پنجره، اطلاعاتی در مورد نسخه، نوع و سازنده ی فایل در اختیار شما قرار می دهد. برای ذخیره کردن فایل با قالب دیگر باید مراحل زیر را طی کنید:

الف) دستور save as را از منوی file انتخاب کنید. کادر محاوره ای save as ظاهر می شود.

ب) در کادر file name نام جدیدی برای فایل مورد نظر تایپ کنید.

ج) لیست save as Type را باز کنید. سپس یکی از قالب های موجود آن را که مناسب کار شماست، برگزینید.

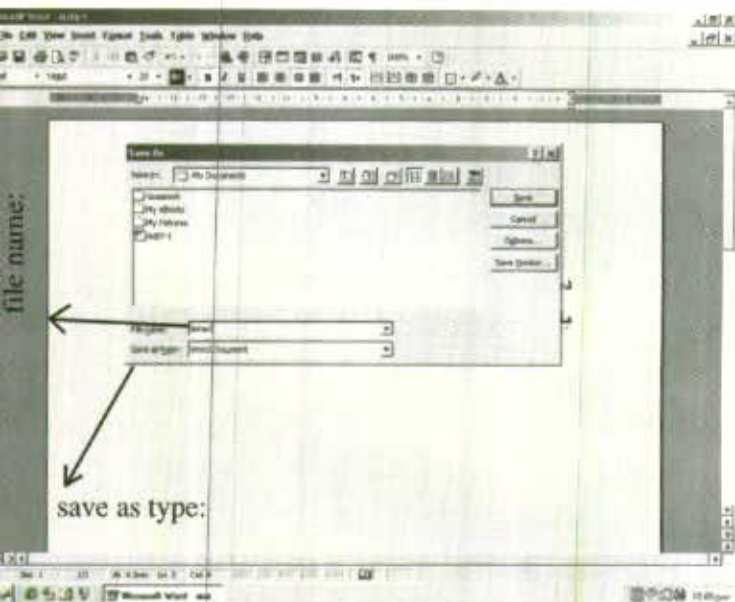
د) دکمه ی save را کلیک کنید.

کلیک روی آن، نام آن را مشخص کنید. بدین ترتیب کادر محاوره ای save as یک سند را ذخیره می کند. برای تمرین پیش تر، سند جدیدی را در منوی فایل از گزینه ی New Blank Document انتخاب کنید. پنجره ای جدید باز می شود. مکان نما را روی خط اول قرار دهید و عنوان متن مورد نظر خود را به زبان فارسی تایپ کنید. سپس دکمه ی Enter را فشار دهید تا مکان نما در ابتدای خط بعدی قرار گیرد. حالا متن مورد نظر مثلاً نامه به همکار یا دوست خود را تایپ کنید. با انتخاب متن تایپ شده، اندازه ی خط و نوع آن را مشخص سازید. سپس آن را ذخیره کنید. فایل ذخیره شده، قابلیت چاپ، انتقال از طریق دیسکت (فلاپی)، ارسال از طریق صندوق پست الکترونیکی و... را خواهد داشت.



بسم الله الرحمن الرحيم
دوست عزیزم...
با اهدای سلام

دکمه ی save را کلیک کنید. کادر محاوره ای save as نمایان می شود و پوشه ی My Document به عنوان پوشه ی انتخابی واژه پرداز به صورت بار سبایش داده می شود. غرض از این حال، از طریق تغییر آدرس سند ذخیره شده، می توان محل ذخیره ی فایل را روی فلاپی یا





زندگی و دست بافته های عشایر مورد توجه قرار گرفت.

حاصل این دوره مجموعه ای همراه با عشایر ایران است.

برای نقاشی های کاهگلی پرویز کلانتری هیچ نظیری

نمی توان یافت؛ نه در گذشته و نه در امروز؛ زیرا وی خود آن ها را

ابداع کرده است. دکتر طاهر صباحی درباره ی این جنبه از هنر

کلانتری نوشته است: «کاهگل ارزان ترین و سستی ترین ماده ی

ساخته مانده است که در ایران به کار می رود و شامل گل رسی است که

با غلف و گاه خشک نقویت شده است... و پرویز آن را با خطوط

منحنی و قرم هایی که حرکت امواج را به خاطر می آورند پرمایه

می سازد. او دل مشغولی های خود را به ساده ترین سنت ها آشکار

می سازد و در این راه از ماده ی ارزانی چون کاهگل بهره می گیرد و

پیوند خود را با واقعیت زندگی روستایی ایران نشان می دهد.»

کارهای این هنرمند در عرصه ی ادبیات کودکان نیز جای خود را

دارد. چنان که اشاره کردیم، وی با همکاری غلامعلی مکشی،

تجربه ای غنی از نقاشی کودکانه در کتاب های تاریخ و جغرافیای

دبستان ها به جای گذاشته است. علاوه بر این، وی در نقاشی

کتاب های درسی افغانستان، نقاشی مجلات دانش آموزی پیک

(در دهه های ۴۰ و ۵۰)، و نیز در کتاب های خواندنی برای کودکان،

می دانیم، طی دهه های اخیر نقش عشایر ایران در ساختار اجتماعی

کشور به تدریج رنگ باخته و از جمعیت آن ها نیز کاسته شده است.

به تبع این واقعیت، بدیهی است که هنرمندان نیز چندان رغبتی به

آفرینش در این عرصه نداشته باشند. اما

کلانتری با توجه ویژه ای که به زندگی

این قشر اجتماعی داشته، در واقع

بخشی از تاریخ کشور ما را «ثبت هنری»

کرده است. به همین خاطر کار او شایان

تقدیر ویژه است. یار دیگر سخن دکتر

طاهر صباحی را درباره ی این دسته از

نقاشی های کلانتری نقل می کنیم که در

مجله ی «گره» (مجله ی تخصصی فرش

ایران) آمده است:

«شبهه ی زندگی چادر نشینان ایرانی که هنوز هم از همان الگوی

پیشین پیروی می کنند، برای پرویز کلانتری بسیار مأیوس و شناخته شده

است. آثار وی نمایانگر فعالیت ها و آهنگ زندگانی چادر نشینان جنوب

ایران است. حرکت چهار پایان باتمامی سختی و آشفتنگی آن، همراه با

شادمانی فعالیت های کوچ نشینان، با تصاویری از کاروان ها که به دشواری

از تپه های خشک و باید بالا می روند، تمایش داده شده است. در

نقاشی های دیگر هنرمند، آرامش چادر نشینان نقشی اصلی را ایفا می کند.»

نمایشگاه ها

پرویز کلانتری از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۸۰، جمعاً ۲۳ نمایشگاه

از آثارش در داخل و خارج کشور برگزار کرد که دو نمایشگاه آخر

او، به ترتیب در مادرید (اسپانیا) و لندن (انگلستان) بوده است.

سخن آخر این که استاد کلانتری همچنان به فعالیت خلاقانه ی

خود در عرصه ی تصویرگری و نقاشی ادامه می دهد. امید است این

ن تلاش او مستدام باشد.

منبع

در زمستان ۱۳۸۱ مجموعه ای از آثار پرویز کلانتری با نام «خاک

را به نظر کیمیا کند»، همراه با تعدادی مقاله درباره ی این آثار از سوی

انتشارات زرین و سیمین منتشر شد. در تنظیم این مقاله از کتاب مزبور

استفاده کرده ایم.



آثار ارجمندی به یادگار گذاشته است. در این جا تنها به پاره ای از

کتاب هایی که او تصویرگری کرده و در چهار دهه ی اخیر توسط کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتشار یافته است، اشاره می کنیم:

گل اومد بهار اومد (۱۳۲۷)، کلاغ زرد (۱۳۷۰)، گریه ها و خروش ها

(۱۳۶۱)، اینک سرزمین حجر (۱۳۶۲)، بشوازانی (۱۳۶۲)، خانه ی

حاج رحیم آقا که جاست؟ (۱۳۶۴)، سلام (۱۳۶۵)، و دالی (۱۳۶۹).

همراه با چادر نشینان

بخشی از هنر کلانتری به تصویرگری یا نقاشی از عشایر ایران،

به ویژه عشایر بختیاری و قشقایی، اختصاص دارد؛ نه راستی که این

آثار او دل انگیز، ماندگار و منحصر به فرد هستند؛ زیرا چنان که



راه‌های پیشرفت

مهارت نوشتن^۱



فاطمه میرزایی

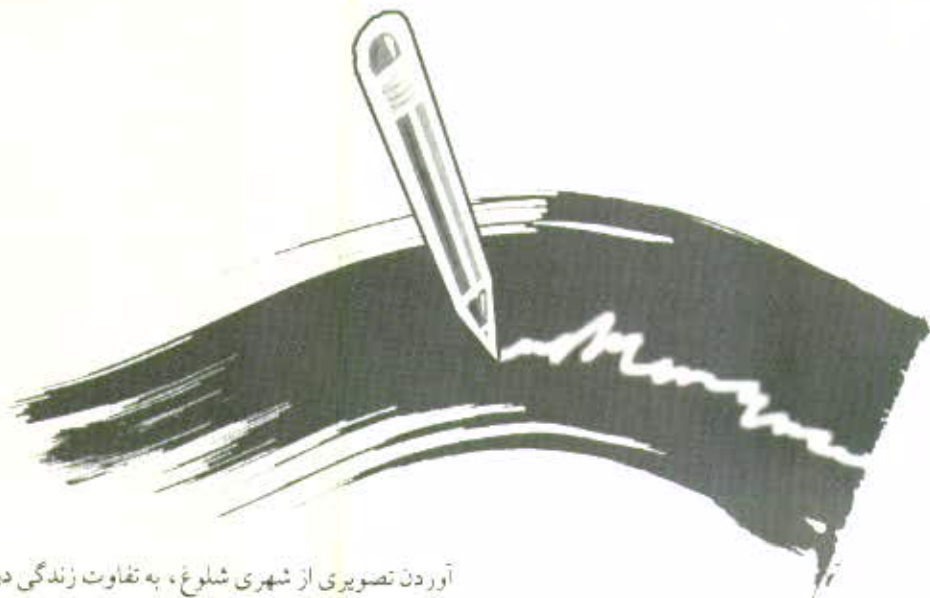
آموزش و پرورش
دوره اول متوسطه
شماره ۱۰۰
۱۳۹۸

مهارت نوشتن و پیشرفت آن اشاره می‌کنیم. این روش‌ها را می‌توان در کلاس درس یا به عنوان فعالیت خارج از کلاس به کار برد.

روش اول

معنی ما دادن تعدادی لغت (۱۰۰ تا ۱۵۰ لغت) به دانش‌آموزان می‌خواهد با کمک آن‌ها یک پاراگراف معنی‌دار بسازند. این لغت‌ها می‌توانند از درس همان هفته انتخاب شوند. به این روش، دانش‌آموزان با مرتب کردن کلمات و قرار دادن آن‌ها در جملات جدید، با نقش کلمات که عنصر بسیار مهمی در نگارش و بسط مطلب می‌شوند

آشنا می‌شوند و با پایان دوره‌ی متوسطه دستور زبان، لغات و متن‌های زیادی را می‌آموزند. اما وقتی وارد دانشگاه می‌شوند و در کلاس‌های زبان می‌نشینند، نمی‌توانند حتی یک بند ساده به زبان انگلیسی بنویسند. آن‌ها شاید هیچ وقت به طور جدی به نگارش زبان در کلاس‌های درس برخورد نداشته‌اند. گره این مشکل جز به دست نوآوری ما دبیران زبان انگلیسی در دوره‌های راهمایی و متوسطه کشیده نخواهد شد. با دادن تمرین‌ها و تکالیف مفید، مداوم و سنجیده می‌توانیم در کلاس‌های کوچکمان دانش‌آموزانی توانمند پرورش دهیم. در این جا، به چند روش مهم و کلیدی برای تمرین



مثال

I / a new white dress / I / forgot / to bring / bought / us / shopping / and / a beautiful / blue one / took / Ali's mother / expensive / was not / very / then / found / I / and

- I bought a new white dress, and then I forgot to bring it. Ali's mother took us shopping, and I found a beautiful blue one. It was not very expensive.

روش دوم

متن کوتاهی از درس یا خارج از کتاب به دانش آموزان می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم با تغییر فاعل اولین جمله، مثلاً از اول شخص به دوم شخص، متن را تغییر دهند و بازنویسی کنند. این تغییرات می‌تواند شامل تغییرات صفات ملکی در جمله‌ها و کار روی این نکته‌ی دستوری مهم نیز باشد. در این روش، علاوه بر تمرین مهارت نوشتن، دانش آموزان نسبت به نکات دستوری دقیق‌تر می‌شوند.

مثال

I was eight and my sister was four when our mother bought for us a book. We liked it very much.

متنی که دانش‌آموز می‌نویسد: Mina was eight and her sister was four when their mother bought for them a book. They liked it very much.

روش سوم

معلم می‌تواند با آوردن یک تصویر مربوط به متن درس آن روز یا یک پوستر، موضوع مناسبی برای نوشتن دانش‌آموزان ایجاد کند. مثلاً اگر درس مربوط به زندگی شهری و روستایی است، می‌توان با

آوردن تصویری از شهری شلوغ، به تفاوت زندگی در شهر و روستا اشاره کرد و دانش‌آموزان را ترغیب کرد، این دوگونه زندگی را با هم مقایسه کنند. این روش، دانش‌آموزان را به سمت نوشتن توصیفی سوق می‌دهد. اگر معلم یک سلسله تصویر مرتبط به هم به کلاس بیاورد، دانش‌آموزان با نقل تصویرها، با نوع دیگری از نوشتن آشنا می‌شوند. این دو نوع نوشته تفاوت‌های مهمی در نگارش دارند و معلم می‌تواند با اشاره به آن تفاوت‌ها، از همان ابتدا دانش‌آموزان را با سطوح متفاوت نگارش آشنا کند. علاوه بر آن نوشتن درباره‌ی یک یا چند تصویر، علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان را به یادگیری زبان بیش‌تر می‌کند. این نتیجه مربوط به اثر معجزه‌آسای تصویر در جریان تدریس است.

روش چهارم

خلاصه کردن آنچه دانش‌آموزان در متن‌های کتاب‌هایشان می‌خوانند نیز راه دیگری برای تمرین مهارت نوشتن است. در این روش، دانش‌آموزان عملاً با کاربرد جملات ارائه شده در کتاب آشنا می‌شوند. این متن‌ها می‌توانند قسمت Reading آخر درس‌ها در کتاب‌های سوم راهنمایی یا کتاب‌های دبیرستان باشند.

روش پنجم

به دانش‌آموزان، چهار تا پنج سؤال مربوط به هم درباره‌ی موضوع خاصی می‌دهیم. از آنان می‌خواهیم، ضمن جواب دادن به سؤالات، با وصل کردن آن‌ها به یکدیگر، پاراگراف معنی‌داری درباره‌ی آن موضوع خاص بنویسند. در این روش پاراگراف‌های نوشته شده‌ی دانش‌آموزان درباره‌ی یک موضوع هستند، اما محتواهای متفاوت دارند؛ چرا که حاوی نظرات خود دانش‌آموزان در رابطه با آن موضوع نیز هستند. در این روش امکان رونویسی آن‌ها از روی دست همدیگر از بین می‌رود. مهم‌ترین فایده‌ی این روش

آشنایی دانش آموزان با کلمات پیوند دهنده‌ی جملات است که بخش بسیار مهمی در مهارت نوشتن دارد

مثال

Do you like to be a teacher or a doctor or have another job?
and why?
How many days do you like to be at home?
and how many days do you like to work?

روش ششم

تبدیل مکالمه‌های اول درس‌ها در کتاب دوم و سوم راهنمایی به متن، راه دیگری برای تمرین مهارت نوشتن است. در این روش دانش آموزان با کمک معلم خود، طریقه‌ی تبدیل جملات گفتاری و محاوره‌ای به جملات نوشتاری را می‌آموزند و به سبقت می‌روند. نقل قول‌ها، که جایگاه خاصی در دستور زبان دارند، آشنایی با علاقه‌مندان، مقدمه‌نویسی خود را بهتر درک می‌کنند و به جملات مربوط طریقه‌ی درس خود نیز به‌طور عملی پیش‌تر آشنایی شود.

مثال

مانند مکالمه درس اول کتاب سوم راهنمایی

Reza is calling Ali. He said that he was studying English. ...

Ali: Hello

Reza: Hello is that Ali

Ali: yes, who's speaking

Reza: This is Reza

Ali: Hello, Reza, what are you doing?

Reza: I'm studying English. ...

روش هفتم

می‌توان از دانش آموزان خواست برای تکلیف تعطیلات نوروز، داستانی به متنی درباره‌ی خودشان بنویسند و به میزبانانشان در شهر یا دوستانی که در آن زندگی می‌کنند، و گاهی می‌تواند علاقه‌ی خود در اوقات فراغت، مثل کتاب خواندن، خواب دهند. در این روش، علاوه بر آن که قوه‌ی خلاقیت دانش آموزان پرورش می‌یابد، مانع آنان را در نوشتن یک متن راهنمایی می‌کنیم و تا حدی مسیر متن را به آنان نشان می‌دهیم تا راحت‌تر بنویسند.

روش هشتم

متن کوتاهی به دانش آموزان می‌دهیم که در آن برخی جملات خبری مرتفع به متن دوم آمده باشند و دیگر جملات هم از نظر زمان

انجام پس و پیش شده باشند. دانش آموزان باید جملات خبری مرتفع را حذف کنند. سپس دیگر جملات را با توجه به زمان وقوع آن‌ها مرتب کنار هم بچسبند تا به یک متن معنی‌دار برسند. روش، دانش آموزان علاوه بر تمرین مهارت نوشتن، که معمولی با زمان‌های متعددی متن‌های مختلف، گذشته، حال، آینده را می‌آزمایند می‌شود.

مثال

متنی که معلومه دانش آموز می‌دهد: البته جملات زیر را حذف
بهر ترتیب داده شود

(1) Some people think they have an answer to the troubles of automobile crowding and air pollution. (2) Their answer is the bicycle. (3) Some work with their hands while others depend mostly on their brains while working. (4) In a great many cities hundreds of people now ride bicycles to work every day. (5) There are many cars in the street in big cities.

همه سوم باید حذف شود. تشخیص دانش آموز

There are many cars in the streets in big cities. Some people think they have an answer to the troubles of automobile crowding and air pollution. Their answer is the bicycle. In a great many cities hundreds of people now ride bicycles to work everyday.

تصاویر موارد بالا شده و متنی می‌تواند نوشتن انجام شده معلومه نوشته‌های دانش آموزان را با سبک چند، مشکلات آن‌ها را به طرف سرده و به نوشتن متن‌های جدید بنویسند که همان‌ها که می‌دانیم هیچ جوابی یا دیگری بدون به خودی از شیوه‌ی نوشتن نخواهد شد. به بیان دیگر، برآشایی خود یک جواب به سبک یادگیری است.

برای تمرین

1. Writing skill

2. Active presentation

3. Grammar

سبع

1. Grammar in English

2. H. S. Madsen, ...

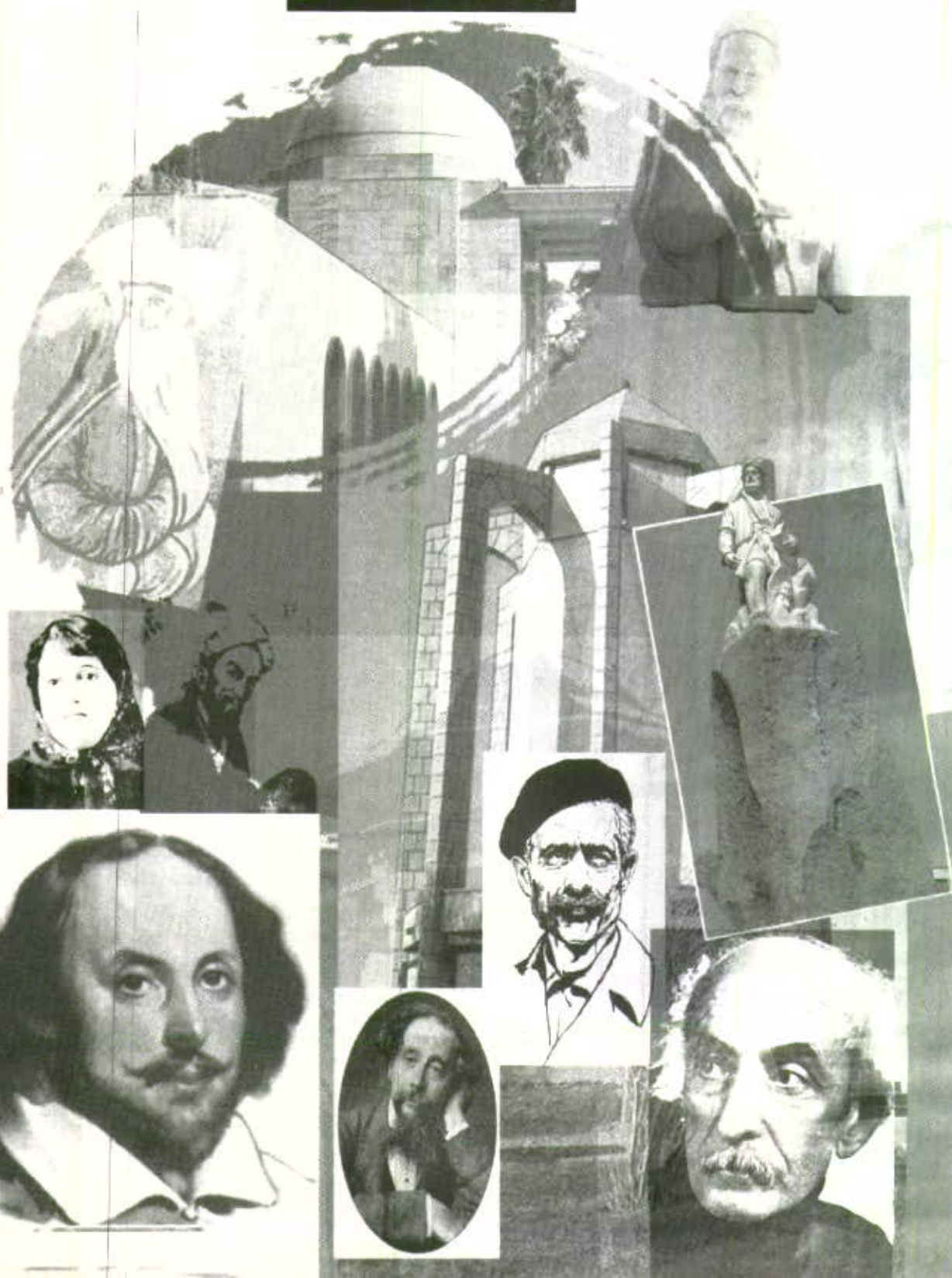
3. ...

سوره‌های امور فرهنگی ۴۱

رشد

ویژه‌نامه‌ی ادبیات فارسی

سوره‌های
امور فرهنگی
۴۱



درس فارسی و معلم نمونه‌ی آن



اشاره

این نوشته متن سخنرانی استاد احمد سمیعی است که در پنجمین مجمع علمی آموزش زبان فارسی در اراک (۲۹-۲۷ آبان ۱۳۸۳) ایراد کرده‌اند و سپس، به درخواست ما، برای چاپ، در اختیار مجله قرار داده‌اند. با سپاس از استاد سمیعی شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم

رشد

زبان، در درجه‌ی اول، ابزار ارتباط است. ابزاری پیچیده و پیش رفته. اما زبان وسیله‌ی انتقال میراث علمی و فرهنگی نیز هست و ما در آموزش آن بیشتر به این نقش توجه داریم. زبان، به این حیث، زمانی فقط گفتاری بود. تا این اواخر، بسیاری از زبان‌ها همین حال را داشتند. میراث علمی-فرهنگی سینه‌به‌سینه نقل می‌شد. هم اکنون گویش‌ها همین حال را دارند. از وقتی این نقش زبان اهمیت دیگری پیدا کرد که زبان نوشتاری پدید آمد، به خصوص زمانی که خط تکامل یافت و توانست عناصر گفتاری را تقریباً به صورت کامل منعکس و منتقل سازد.

در عصر حاضر، با زبان نوشتاری-گفتاری نیز سروکار داریم و این زبان رفته رفته نقش برتر پیدا می‌کند و با وسایل سمعی-بصری در نظام آموزشی مقام شامخی احراز می‌کند. در حقیقت، بیشتر برنامه‌های صدا و سیما، هرچند شعاعها منتقل می‌گردد، در اصل نوشتاری است. بدین سان، در آموزش زبان در مقیاس وسیع، زبان نوشتاری سروکار داریم. این زبان، در اجراء هرچه ساده‌تر و روشن‌تر و سالم‌تر باشد، انتقال میراث علمی-فرهنگی با سرعت و دقت بیشتری به سبیل جدید صورت می‌گیرد.

زبان کشوری

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که آموزش زبان در پیش رفت تعدیل مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند و هرچه در راه آن هزینه و صرف نیرو و ابتکار شود کم شده است. بهبودیست که ممالک و جوامع پیش رفته بودجه‌های هنگفتی صرف آموزش زبان می‌کنند و در آن‌ها

مهارت زبانی شرط ضروری ورود به دستگاه است. علاوه بر این مراتب، زبان مهارت بی‌مناقصه‌ای هاست و بی‌اشک است و وحدت زبان هر چند شرط کافی قوام ملت نیست مشروط لازم آن هست. از این رو اقوام متعددی که در یک کشور زیست می‌کنند، هرگاه زبان مادری واحدی نداشته باشند، برای دست یافتن به اسحاح و یکپارچگی و حفظ هویت تاریخی خود ناگزیر از اختیار زبان سیاسی (کشوری) هستند. زبان‌های محلی، در این شرایط، عامل تنوع و در عین تنوع، عامل تقویت زبان کشوری اند. در زبان کشوری قوت و در زبان‌های محلی تنوع جلوه گر می‌شود که تعارضی ندارند بلکه مکمل یکدیگرند. زبان فارسی، به حیث زبان کشوری، در ملی فزاینده حیثیت خود مظهر اسم و اجزای این تعامل جسته بوده است. زبان‌های محلی، با همه‌ی تنوع خود، همواره موجب قوت گرفتن و پرورده شدن زبان فارسی شده‌اند. در این جریان، ادب فارسی به که از پیوستن زهاب‌های متعدد زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی به شرط دراز آهنگ جروشانی بدل شد و توانست گستره‌ی پهناوری را سرپوش دهد.

زبان فارسی و ادب فارسی

می‌توان گفت که میان زبان و ادب فارسی و شاید میان هر زبان و

ممالک و جوامع پیش رفته بودجه‌های هنگفتی صرف آموزش زبان می‌کنند و در آن‌ها مهارت زبانی شرط ضروری ورود به دانشگاه است

ادبی هرگز جدایی نبوده است و اصولاً مرز بندی میان این دو سببها نسبی است. می‌توان گفت که در آن جوامعی تعامل عمیق‌تری مشاهده می‌شود. از یک سو، ادبیات زبان ساده‌تر می‌گردد، علمی می‌شود و از سوی دیگر، عناصری علمی در ادب و ادبیات ریشه‌ای می‌شوند. به ظاهر تأثیر بی‌شائبه‌ی خود را از دسترس می‌دهند.

از این رو، شاهد تعابیر و بیان‌های تصویری فراوانی در زبان ارتباطی هستیم که از بس آشنا و مأنوس اند کیفیت هنری آن‌ها احساس نمی‌شود؛ اما وقتی بخواهیم متناظر آن‌ها را در زبانی دیگر سراغ بگیریم این کیفیت را باز می‌شناسیم و اگر آن‌ها را تحت اللفظی به زبان بیگانه برگردانیم برای اهل آن زبان غرابت هنری پیدا می‌کند. از این رو آموزش زبان و ادبیات را نمی‌توان دو مقوله‌ی کاملاً جدا از یکدیگر شمرد. گفتیم که آموزش زبان و ادبیات برای انتقال میراث علمی-فرهنگی و حفظ هویت ملی حایز اهمیت درجه‌ی اول است. اینک اضافه می‌کنیم که، به حکم این قول، به درس فارسی در نظام آموزشی ما باید بیشترین توجه مبذول گردد. هم این دعوی را اقامه می‌کنیم که

بیشتر برنامه‌های صدا و سیما، هرچند شفاهاً منتقل می‌گردد، در اصل نوشتاری است. بدین سان، در آموزش زبان در مقیاس وسیع، با زبان نوشتاری سروکار داریم

تدریس این درس از تدریس هر درس دیگری مشکل‌تر است و، علاوه بر معلومات، مهارتی می‌خواهد که لازمه‌ی تحصیل آن داشتن استعداد خاصی است. در واقع، هرکس که معلومات ریاضی یا فیزیک یا شیمی یا حتی علوم انسانی داشته باشد، با گذراندن دوره‌ای و کسب دانشی در قنون آموزشی، می‌تواند این مواد را تدریس کند. اما معلم درس فارسی مانند هنرمندان باید دارای استعدادی خاص باشد و، به عبارتی، برای تدریس درس فارسی ساخته شده باشد.

در درس علوم تجربی و انسانی، هدف آموزش انتقال معلومات است؛ اما، در درس فارسی، هدف هم انتقال معلومات است و هم چیز دیگر. هدف در درس فارسی، علاوه بر انتقال معلومات، ایجاد آگاهی و ششم سالم زبانی (زبان آگاهی)، خلاقیت زبانی و، افزون بر آن، پرورش ذوق ادبی است.

درس معلم علوم مشخص و محدود و قالب‌بندی شده است. کار او این است که در همان قالب محدود معلوماتی را به معلم منتقل سازد. اما درس معلم فارسی چارچوب و قالب محدود و مشخصی ندارد. از این رو، در علوم تجربی، درس واحدی که از جانب دو معلم تفریر و تلفیق می‌شود چندان متفاوت نیست و حال آن‌که درس فارسی چنین نیست و در هر معلمی به رنگی دیگر در می‌آید.

در درس علوم، حواشی و مطالب بیرون از موضوع درس یا هیچ نیست یا بسیار اندک است و حال آن‌که، در درس فارسی، چه بسا حاشیه متن را تحت الشعاع قرار دهد.

در درس علوم، معلم سؤالی خارج از محدوده‌ی درس ندارد؛ اما، در درس فارسی، معلم همواره در معرض سؤال‌ها و حتی ایراد و اشکال‌های دور از انتظار و پیش‌بینی نشده است.

درس علوم می‌توان گفت خشک است؛ اما درس فارسی، اگر چاشنی ذوق و شعر نداشته باشد، درس نیست.

بنابراین، معلم درس فارسی کارش بس دشوارتر و فرهیخته‌تر و پیچیده‌تر است و به ابتکار و خلاقیت و ذوق و وسعت معلومات نیاز دارد. از این رو نمی‌توان برای چگونگی تدریس فارسی و قنونی که باید در آن به کار رود نسخه نوشت و توصیه‌های مشخصی کرد؛ فقط از روی نمونه‌های موفق می‌توان پیش‌نهادهایی را الهام گرفت. اگر بخواهیم این پیش‌نهادهای را به صورت مدون درآوریم، به نظر می‌رسد که لازم باشد به تصنع هم شده زبان‌آموزی را از ادب‌آموزی جدا سازیم.

الگوهای دستوری زبان

در زبان‌آموزی، یا، دقیق‌تر بگوییم، زبان فارسی‌آموزی، چند نکته را می‌توان خاطر نشان ساخت. یکی آن‌که همواره توجه داشته باشیم که ذهن متعلم فارسی زبان با قواعد و دستور زبان محاوره برنامه‌ریزی شده است، هرچند از طریق رسانه‌ی صدا و سیما تا حدودی با زبان نوشتاری آشنایی یافته باشد. دیگر آن‌که متعلمانی که زبان مادریشان فارسی نیست و در محیط زبانی فارسی نبوده‌اند احیاناً از طریق زبان نوشتاری است که با زبان فارسی آشنا می‌گردند و با زبان محاوره آشنا نیستند. از این رو برای تعلیم زبان به آن‌ها نمی‌توان همان روش زبان‌آموزی را اختیار کرد که در مورد متعلم فارسی زبان برگزیده می‌شود.

در هر دو صورت، عناصر و الگوهای دستوری زبان نوشتاری است که باید تعلیم داده شود. در این جا به نظر می‌رسد به مقایسه‌ی الگوهای دستوری زبان‌های محاوره و نوشتاری نیازی نباشد بلکه کافی باشد که توجه معلمان به الگوهای دستوری زبان نوشتاری فارغ از مقایسه جلب گردد. در واقع، می‌توان یقین داشت که مقایسه را آگاهانه یا ناآگاهانه خود متعلم انجام می‌دهد. در این مورد، مقایسه نه تنها لازم نیست چه بسا زیان‌بخش هم باشد چون بیهوده نوعی عملیات ترجمه‌ای به متعلم تحمیل می‌شود. به علاوه، به تجربه ثابت شده است که، حتی در آموزش زبان بیگانه، تفاوت‌های محسوس و آشکار الگوهای دستوری و عناصر قاموسی دو زبان چندان مهم و دخیل نیست. آنچه مهم است تفاوت‌های ظریف و نامحسوس و ناپیدا است که در مراحل و سطوح پایین زبان اصولاً مطرح نیست.

در عرضه داشت الگوهای دستوری زبان بهتر آن است که به روش استقرائی و تحلیلی عمل کنیم نه به روش ترکیبی. یعنی، به جای آن‌که الگوها را از همان آغاز فرمول‌بندی شده نشان دهیم، به صورت غیرمستقیم و البته با روش گزینشی نمونه‌های موادی را عرضه داریم که الگو از آن‌ها استخراج می‌شود و شاید لازم باشد متعلم را در استخراج الگو دخیل سازیم - یعنی روش سقراطی را در پیش بگیریم.

درس دادن این‌ها و بیان آن‌ها به صورت درس، هرچه باشد، درس است و لذت هنری پدید نمی‌آورد. متعلم، وقتی بیان این فنون را از معلم می‌شنود، التذاذ هنری نمی‌یابد. موضوع درس درس را از صورت تکلیف بیرون نمی‌آورد. لذا، اگر معلم بخواهد متعلم علاوه بر فراگیری از محضورش لذت ببرد، باید از فضای درسی خارج شود. خروج از فضای درسی و به اصطلاح گریز زدن مهارت و مایه می‌خواهد. اندازه نگه داشتن در این باب نیز سلامت ذوق می‌طلبد. برخی از معلمان تمام وقت درس را به شعر خوانی و اختلاط می‌گذرانند. در عوض، معلمانی هستند که از چارچوب برنامه‌ی درسی خارج نمی‌شوند و درمشان به اصطلاح خشک است مثل محله‌هایی که همه‌اش مطلب است و هواخور ندارد. چنین درسی خورای دبیرستانی‌ها حتی دانشگاهیان در مقاطع اول نیست. به خصوص، درس فارسی باید چاشنی داشته باشد و ذوق‌پرور و ذوق‌پسند باشد.

در درس علوم تجربی و انسانی، هدف آموزش انتقال معلومات است؛ اما، در درس فارسی، هدف هم انتقال معلومات است و هم چیز دیگر. هدف در درس فارسی، علاوه بر انتقال معلومات، ایجاد آگاهی و شمع سالم زبانی (زبان آگاهی)، خلاقیت زبانی و، افزون بر آن، پرورش ذوق ادبی است

نقش محوری معلم فارسی

در نظام آموزشی گسترده، البته نقش معلم با نقش کتاب درسی و جنب درسی تکمیل می‌شود و شاید نقش کتاب درسی کمتر از نقش معلم نباشد. از این گزیری نیست، چون تولید انبوه معلم طبعاً کیفیت را تنزل می‌دهد. اما درس فارسی حکم استثنایی دارد. نقش معلم در این جا حایز اهمیت دیگری است. کتاب جای معلم را پر نمی‌کند. فرق کیفی درس‌های چند معلم مختلف در علوم تجربی یا ریاضی به طور متوسط چندان زیاد نیست. اما فرق کیفی درس‌های چند معلم مختلف در فارسی چه‌بسا بسیار باشد. محضر درس معنی مستمع دارد و محضر درس معلمی دیگر مستمع ندارد. تا حدی به مجالس

منبری نزدیک است یا مجالس خانقاهی. میان معلم فارسی و شاگردان باید رابطه‌ای از نوع رابطه‌ی مریدی مرادی برقرار باشد.

در خاتمه سؤالی مطرح می‌کنم: می‌دانیم که مجمع علمی آموزش زبان فارسی نزدیک به یک دهه است که برگزار می‌شود. این پرسش پیش می‌آید که برای مسائل و مشکلات آموزش درس فارسی چه راه‌حل‌هایی از این مجامع حاصل شده است و اساساً استمرار تشکیل این مجامع چه دلیلی دارد؟ اگر این مجامع گره‌گشا بوده است، که وجه تشکیل آن‌ها تحصیل حاصل است چون شرایط از آغاز تا به حال تغییر محسوس نکرده است؛ و، اگر گره‌گشا نبوده است، باید دید چه نقص و عیبی در کار است. به نظر می‌رسد که یا مشکلات پیش از طرح در مجمع درست بررسی نشده یا درست منعکس نشده و یا فقط طرح شده و راه‌حلی برای آن‌ها به دست نیامده است.

حقیقت این است که در سیستم آموزش چند جزء می‌توان تشخیص داد: ۱. معلم، ۲. متعلم و آمادگی و زمینه و استعداد او، ۳. ابزار و وسایل و مواد آموزشی، ۴. جو آموزشی. باید دید اشکال اساسی در کدام یک از این اجزاست. به نظر می‌آید که اشکال اساسی در معلم و جو آموزشی باشد. هرچا که این دو عنصر در خور و باکفایت باشد مشکلات کمتر است.

یک عامل دیگر که باز به معلم به معنای وسیع آن برمی‌گردد نقش منفی رسانه‌های گروهی به خصوص صدا و سیماست. این که می‌گویم باز به معلم بازمی‌گردد از این جهت است که برنامه نویسان و مطلب نویسان صدا و سیما تربیت شده‌ی دستگاه آموزشی کشور ما هستند.

اصولاً فرهنگ و نظام آموزشی اگر مشکلی پیدا می‌کند از راس است نه از قاعده. گسترده شدن آموزش و مراکز آموزشی، اگر همراه با تربیت عوامل گرداننده‌ی آن نباشد، خواه ناخواه سطح آموزش را تنزل می‌دهد. درست حکم رودخانه‌ای را دارد که از بستری تنگ وارد بستری پهناور و گشاده شود: طبعاً عمق رودخانه کاهش می‌یابد. این مشکل مختص کشور ما نیست. حتی در کشورهای پیش‌رفته، با همگانی شدن آموزش در مقاطع بالا و بالاتر، نظیر آن پدید آمده است.

اگر این دید درست باشد، پیش از هرچیز باید به فکر تربیت معلم کاردان و پرمایه‌ی درس فارسی بود که خود به بررسی‌های جدی مستقل نیاز دارد.

به امید روزی که وزارت آموزش و پرورش و نظام، شرایط مساعد برای این برنامه و امکانات کافی برای اجرای آن فراهم آورد.



هدف‌های پرورشی درس فارسی

نویسنده:

اشاره

«شرح وظایف دبیران ادبیات فارسی با توجه به اذعای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی» عنوان مقاله‌ای نسبتاً طولانی است که حاتم طیبی آشنا از آموزش و پرورش منطقه تبادکان مشهد برای ما ارسال کرده‌اند. در بخشی از این مقاله، هدف‌های پرورشی چنین ارائه شده است:

۱. تقویت روح ایمان و تحکیم مبانی فکری و عقیدتی دانش‌آموزان کشور بر اساس ارزش‌های اسلامی، به منظور تزکیه و متخلق به اخلاق الهی بار آوردن آنان

در کلاس ادبیات، از آن جا که بچه‌ها پر احساس و سرشار از عاطفه هستند، به راحتی می‌توان در این زمینه گسترش داد و عقاید دانش‌آموزان را در جهتی الهی سوق داد. وقتی در شعر «غای شیرخدا» می‌خوانیم:

شب را اسرار علی آگاه است

دل شب محرم سر الله است

می‌توان در سوره جنس (ج)، عقیده، فکر، جهان‌بینی و مباحث‌های شریعت و حرفه را در بچه‌ها به عمق قوه گوش فرا

می‌دهند و متقرب می‌کنند. و یا هنگامی که در آیات حق تعالی و ارزشی و نعمت‌های خداوند جلوه‌ای می‌گوییم، می‌توانیم روح ایمان را تقویت کنیم. زیرا از یادگیری آیات در این مرحله، بزرگ‌ترین تقویت است. دومینال بسیار پیش از این، محقق و انجام داده‌ایم.

۲. ایجاد روحیه مستقل فکر کردن و مستقل عمل کردن، به طوری که اندیشه و عمل در مسیر الله قرار گیرد

از جمله درس‌های کتاب فارسی، سخنی «جوانان» و نیز معجزات شخصیت‌های تاریخی و افعالی ایران است. زیرا اهمیت می‌تواند هنگام رسیدن به درس در بحث را برآورد و گفت‌وگو می‌تواند



دانش آموزان، گروه‌بندی کردن آنان و دادن تحقیق و تعیین نمره گروهی می‌توانیم، حسن تعاون را در آن‌ها تقویت کنیم.

۶. تقویت روح اعتماد به نفس، انضباط، استقامت و پشنگار در دانش آموزان

در این مورد نیز هر کدام از دبیران می‌توانند در رشته خود فعالیت داشته باشند و در رشته ادبیات، دبیر می‌تواند با بیان شرح حال بزرگان و شاعران نقل داستان‌هایی از شاهنامه، روحیه اعتماد به نفس را در دانش آموزان تقویت کند. اگر دبیر ادبیات در زمینه قرآنی نیز فعالیت داشته باشد، می‌تواند داستان‌های دینی را برای بچه‌ها بازگو کند و بدین وسیله، روحیه استقامت را در آن‌ها تقویت کند. استناد به داستان‌های عرفانی نیز می‌تواند در این زمینه کمک کند. با تقویت روح اعتماد به نفس در دانش آموزانی که در درس ادبیات و قرائت مشکل دارند، می‌توان به پیشرفت آن‌ها کمک کرد.

۷. دادن آگاهی‌های مکتبی، سیاسی و ینش‌های اجتماعی به دانش آموزان و ایجاد حس مسؤولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی نسبت به امور کشور و مردم و همچنین ایجاد روحیه‌ایثار در آنان در مورد آگاهی‌های مکتبی، دبیر فارسی می‌تواند دانش آموزان را با مکتب‌های گوناگون، کشورها و با مسائل روزمره آشنا کند و درباره مردم مسلمان کشورهای اسلامی و ایران خودمان با آنان صحبت کند، همچنین به معرفی شاعران مردمی که درد جامعه را فهمیده‌اند و بیش‌تر در این زمینه شعر سروده‌اند، بپردازد. دادن تحقیق پیرامون این بزرگان و واگذار کردن مسؤولیت به دانش آموزان به منظور آماده کردن آنان برای مسؤولیت‌پذیری نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.



دانش آموزان داشته باشد. او می‌تواند ایران دیروز، امروز و فردا را برای بچه‌ها توصیف کند. او می‌تواند با دادن موضوع انشا، هرچه بیش‌تر دانش آموزان را به فکر کردن وادارد تا بتوانند در این حیطه شناخت بیش‌تری پیدا کنند و آینده‌سازان خوبی برای ایرانمان باشند. همچنین می‌تواند با بهادادن به نظرات بچه‌ها، عقاید و افکار سیاسی آنان را پرورش دهد و در مسیری درست و در جهتی الهی هدایت کند.

۳. کشف و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های دانش آموزان و پرورش مهارت‌های آنان در جهت خودیاری و خودکفایی

در این مورد هم دبیران ادبیات می‌توانند به راحتی گام بردارند و به این هدف برسند. گاهی اوقات دانش آموزی ایثانی را می‌نویسد، مثنی را می‌خواند و استعدادی را از خود نشان می‌دهد که به این ترتیب، اولین جرعه در دانش آموز زده شده است. ابراز شعله‌ور کردن این جرعه در دستان معلم است. او با کلمه‌ای تشویقی و با دادن نمره، حسن اعتماد به نفس را به او می‌بخشد و استعدادش را شکوفا می‌کند. فراگیر در مرحله بعد با پشتوانه‌ای محکم در این مسیر گام برمی‌دارد و هر روز کاری بهتر را با مطالعه بیش‌تر ارائه می‌دهد و در این راه، به توانایی‌ها و استعدادهای خودش پی می‌برد و به موفقیت می‌رسد.

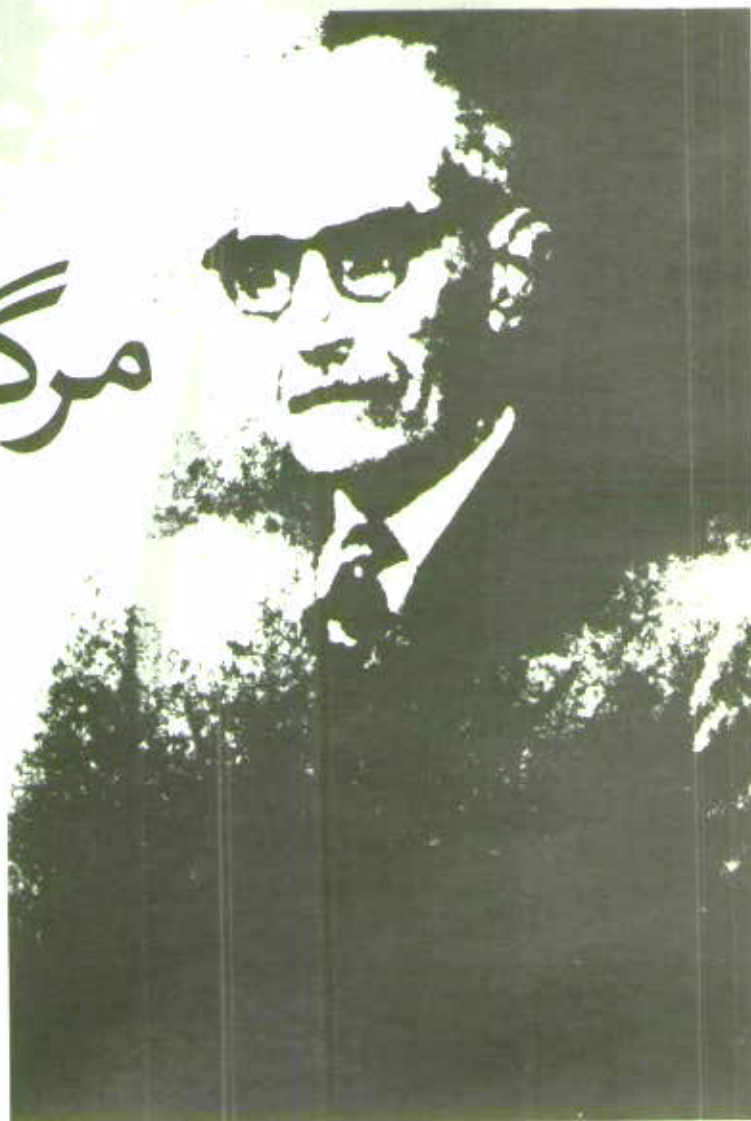
۴. ایجاد قدرت ابتکار و خلاقیت در دانش آموزان

در این زمینه هم در کلاس‌های ادبیات، می‌توان با طرح کارهای علمی گوناگون و واگذاری مسؤولیت به دانش آموزان و برگزاری مسابقات و جنگ‌های ادبی، شب شعرها، مشاعره، اجرای نمایشنامه‌های ادبی، روزنامه دیواری، نشریه ادبی و... ابتکار و خلاقیت را در آنان تقویت کرد.

۵. ایجاد حسن تعاون و همبستگی اجتماعی در دانش آموزان همان‌طور که در مورد قبل بیان شد، با محول کردن کارهایی به

مرگ پرنده

سید اکبر میر جعفری



حسین مسرور، در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (۱۳۰۸ قمری) در کو هپایه یا کو پاپ، شهر کو چکی در میانه‌ی راه ناین به اصفهان به دنیا آمد. پدرش مردی تاجر و با فرهنگ بود. از این رو با خانواده به اصفهان کوچ کردند تا فرزندانش تحصیل بیشتر و بهتری بر خوردار شوند. حسین مسرور پس از گذراندن دوره‌های مقدماتی تحصیلی به سال ۱۳۳۲ هجری قمری به تهران رفت تا درس پزشکی بخواند، اما به علت در گذشت پدر تحصیل را رها کرد. او سرانجام در وزارت فرهنگ مشغول کار شد و معلمي را اختیار کرده حدود ۳۶ سال از عمر خود را صرف تربیت فرزندان این مرز و بوم نمود. البته وی چندین سال نیز امثا دانشگاه نظامی بوده است.

حسین مسرور سرانجام در سال ۱۳۴۷ برابر بهاری سرطان در گذشت. آن نگاره او در فرستاد طهر الدله‌ای نجاش تهران واقع است.

شعر «سلام به خوزستان» را دانش آموزان سال دوم راهنمایی در کتبه فارسی خود می‌خواندند. این شعر که چند دهه‌ی پیش نیز در کتاب‌های فارسی ابتدای خوانده می‌شد، ابایی است از قصیده‌ی نثاری که استاد حسین مسرور سروده است. اخیر مجموعه‌ی اشعار این شاعر به نام «مرگ پرنده» به گوشش وکی الله در دیار و به همت نشر سینه چاپ و رسیده است.

این نوشته میر جی مسرور به همراه این شاعر و مجموعه شعرهای وی

۳۶

شعر «مرگ پرئوده» نیز در همین وزن سروده شده است. در این شعر قدرت تصویر سازی و توصیف شاعر کاملاً نمایان است. ابیاتی از آن را می‌خوانیم:

به سیم قفس گشته آهنگ زن ... ص ۸ و ۷

شعر مسرور شعری استادانه و سرشار از صنایع لفظی است، اگرچه شور و حال شاعرانه در آن کمتر دیده می‌شود. وی در این کتاب چند حکایت عرفانی از گذشتگان را به نظم کشیده است که در آن‌ها وقوف کامل وی به ظریف‌های هر واژه به خوبی هویداست. وی حتی در قطعه‌ای که درباره‌ی «گز» - شیرینی مخصوصی اصفهان - سروده است، به خوبی توانمندی خود را در نمایش گذاشته است:

صدرا بزرگوار، ای آن که قرص ماه
خود را گز نه خواند و بدان افتخار کرد...

از حسین مسرور در دو عرصه‌ی نظم و نثر آثاری به جا مانده است. از آثار نثر وی، می‌توان به دو رمان تاریخی «ده نفر قزلباش» و «قران» (قران نام اسب لطفعلی خان زند بوده است) اشاره کرد. رمان تاریخی «ده نفر قزلباش» به زعم منتقدان و صاحب نظران از بهترین رمان‌های این عرصه است. چنان‌که محمدعلی سپانلو در کتاب نویسندگان پیشرو آورده است: «اما بهترین رمان تاریخی فارسی در این سرگذشت نه چندان کوتاه «ده نفر قزلباش» از حسین مسرور است که از حوالی سال ۱۳۲۷ به صورت پاورقی در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ شد. امتیاز این کتاب و قوف دقیق نویسنده بر چند و چون فضا و زندگی اجتماعی زمان اثر است... شکل اثر حساب شده و اندیشیده است و مکالمات آن که با اصطلاحات و تعابیر روزگار داستان آراسته شده، یکسر رایحه‌ی تاریخ می‌دهد.»

همچنین حسن میر عابدینی درباره‌ی ده نفر قزلباش، در کتاب
صدسال داستان، به این، گفته است:

امروز در نخستین بخش کتاب توانسته است میان «فصد» سیاسی و ضرورت‌های هنر تعادلی نسبی برقرار کند و بزرگ‌ترین نویسنده‌ی داستان‌های تاریخی ایرانی لقب گیرد. این بخش را می‌توان جهشی در نوشتن رمان‌های تاریخی در ایران دانست...

حسین مسرور در عرصه‌ی شعر نیز آثار درخشانی از خود به جای گذاشته است. علاوه بر این که قوت شعری وی در سرودن مثنوی بیش از عرصه‌های دیگر است. مثنوی‌های «مرگ پر ننده»، «فردوسی نامه» و «الوحه‌های افتخار» گواه درخشانی بر قوت شاعری و تسلط وی بر زبان و بیان است. وی برای مقصود خود توانسته است به درستی از عناصری که به خلق فضای شاعرانه کمک می‌کند، بهره گیرد. ابیات زیر از «فردوسی نامه» گواه راستی در این زمینه است.

بزرگان پیشینہ ی بی نشان

زَنُو زَنده شد نام دیریشان

تو در جام جمشید کردی شراب

تو بر تخت کاووس پستی عتاب

نہمیں نمک خوار خوان تو بود

به هر هفت خوان میهمان تو بود

مرک پرند

برگزیده‌ای از شعرهای
استاد حسین مسروور

به کوشش ولی الله درویدیان



ملک، پُر از صنعت زیبای توست
چشم جهان، مست تماشای توست
خیز و پُر از پرده کن و پارچه
تیمچه و حجره و بازارچه
جنس تو را خلق به جان می‌خرند
بیش ز جنس دگران می‌خرند
خلق صفاهان به هنر شهره‌اند
از چه ز خوشبختی بی‌بهره‌اند
زین هنری مردم صاحب فنون
آن چه خدا خواسته آید برون
هر چه بود موره، به خاک فرنگ
تو ز هنر داده‌ای اش آب و رنگ
بافته‌های تو که مانش زری‌ست
داع دل نافه‌ی شستری‌ست
ذوق تو، سرشارترین ذوق‌هاست
پرتوی از بارقه‌ی کبر باست
گنج هنر، ریخته‌ی دست توست
ماه متع، هنر پست توست
خانه خدای هنر کشوری
تر سر ایران ز هنر افسری
چشم صفاهایی باهوش و رای
هست نظر کرده‌ی چشم خدای
اچنه در این خاک، خدا آفرید
در همدی خاک، کجا آفرید
چون قلم کنده به دست آوری
در قلم سبع شکست آوری
ز رکش و زلفش تو چون شاهکار
بافته ز حافظه‌ی روزگار
اطلس خنّدار تو باشد بسی
صاف‌تر از برگ گل اطلسی
زنگر ز پر هنر بی‌سوز
از خم گل، باغ گل آرد برون
عوش تو چون تشه بگیرد به چنگ
عبد جور ذلیل تر باشد ز سنگ
چون به کف اری قلم رنگ را
مات کنی نانی و ارزنگ را
چون که بوی دست نه یزد گری
برده‌ی صاحب هنر ز نردی
بر در و دیوار جهان کاشی ات
شاهد زیبای نقاشی ات

نرسم که بی‌گری بکند با دو چشم من
کاری که گر به دیدی استغدیار کرد

ص ۷۷

یکی دیگر از شعرهای حسین مسروور که با حفظه‌ی تعداد زیادی از دانش‌آموزان سنی‌های پیشین گرده‌خورده است، شعر «هر نامه» است. این مثنوی که به دست «پیشه‌ور» به هنر اصفهان / ای به هنر سرمنه‌ی چشم جهان» اعار می‌شود، سال‌ها در کتاب‌های درسی دوره‌ی «کتابهای سالی» گنجانده شده بود. البته در کتاب دوم راهنمایی فعلی به مصرع‌ده‌ها و غزل فارسی دربار‌های اصفهان قرار گرفته است.

محقق آخر این که: کتاب «مرک پرند» با شرحی نسبتاً مفصل دربار‌های زندگی و شعر حسین مسروور، هفتاد و هفت کتاب نامبر و نیمه‌ده، به مبلغ ۱۸۰۰ تومان چاپ شده است.

هر نامه

پیشه‌ور بر هنر اصفهان

ای به هنر سرمنه‌ی چشم جهان

خیز که ایران به تو دارد نیاز

چند چنین خفته نه بالین باز

چبست به گیتی به از این کیمیا
خاک دمی، سیم ستانی بها
گشت چو نجاری اندیشه ات
بوسه زد آزر، به لب تیشه ات
در فن مینا چو شدی خرده بین
خوار نمودی گل مینای چین
جگش آهنگر کاوه نژاد
داغ جلا، بر دل آهن نهاد
از شرف آتش زرتشت او
موم شدی آهن در مشت او
ختم به نو شد فن خاتم گری
چون به محمد ره پیغمبری
زرگر زیبا هنر چریدست
بازر خود قیمت گوهر شکست
دست زدی چون به سماور گری
ماه سما گشت نو را مشتری

اشکی به خوزستان**

سلام من به خوزستان، پیام من به سامانش
به بهمنشیر جوشان و به کارون خروشان
به خرمشهر زیبا و به اهواز دل افروزش
به آبادان آباد و به هرمز جان ویرانش
کجا شد شهر دانش خیز ایران، جندشاپورش
کجا شد شوش زر خیزش، کجا شد شهر ارجانش
شکر ریز و شکر خیز و شکر انگیز بدروزی
کنون در دست در جامش، کنون زهرست بر خوانش
زمانی نیشکر می رست از خاک دلاویزش
کنون سرنیزه می روید ز باغستان و بستانش
به جای کاروان نیل و بار زعفران، اینک
تن کاهی و چهر زعفرانی داد دورانش
گرفته در میان، جنگ و جدال و قحط و آشوبش
نشسته در کمین، رنج و یلا و خوف و خذلانش
ز ساحل تا به ساحل، توپ های خامان سوزش
بیابان تا بیابان تانک های کوه بنیانش
خروشان بر هوا، طیاره های دهشت انگیزش
شنابان بر زمین، آرایه های آتش افشانش
سکسار ان ساحل ها کجا دانند حال آن
که بشکسته ست مکان و فرو برده ست طوفانش
جهانی روشن از نور وی و خود حفته در ظلمت
گروهی سرخوش از سود وی و خود غرق خسراش

جهان سالار نعمت ها، نشسته اشک ریز از غم
ز چین تا انگلستان ریزه خوار خوان احسانش

الا ای خاک خوزستان تو آنستی که دیدستی
سکندرها و قیصرها و لشکرهای جوشانش
کجا شد خصم خوزستان که شد عیلام از او ویران
نه بر جا ماند آشور و نه بتوان یافت کلدانش
نه بابل ماند و باغ و ازگون نه برج ایشارش
نه شهر نینوا بر جای و گنبد های الوانش
به باغ و ازگون امروز «باغ» و ازگون بینی
شغالان باغ سالارند و خوکان باغبانانش
در اینجا زولین اقتاد و شد زولیده دستارش
در اینجا ماند والریان و شد آماده زندانش
اگر از هول قیصر، بند شادروان گشت از هم
بدیدی دست و پا در بند آخر زار و گریان
گذشت از سبل های قننه، ایران ماند پابرجا
پس از سی قرن، فریاد انا الحی خیزد از جانش
کنون از کوه وحدت گشت نابان صبح پیروزی
به نیروی جماعت کرد یاری، دست بزدانش
مصدق رستم ایران، گذشت از هفت خان غم
کنون در هفتمین خان ست، دست حق نگهبانش
مصمم باش و آزاده، مهیا باش و فرزانه
که تا آبادسازی آنچه دوران کرده ویرایش
بر آور دست و چون عصر نیاکان سبزه زارش کن
که بس لب تشنه ی فیض ست صحراهای سوزانش
اگر مسرور شد پروانه ی شمع وطن آری
سنایش گوی ایران ست، جان او به قربانش
بهرور هرمزان ها تا برافزوزند آذر ها
وز آن آذر فرو سوزند خار غم ز سامانش
بمان آباد و فرخ روز و شیرین کام و روشن دل
که ایران مهد دانش هاست نپسندند ویرانش

زیر نویس

این منظومه را مسرور در سال ۱۳۰۶ در اصفهان سرود و چند سال بعد که ملک الشعرای بهار به اصفهان تبعید شد، آن را جداگانه چاپ و منتشر کرد. کل شعر که در کتاب «مرگ پرده» نقل شده، شامل ۵۰ بیت است که ما قسمتی از آن را انتخاب کردیم.

این شعر را حسین مسرور، در شهریور ۱۳۲۰ هنگامی که سربازان بیگانه در خرمشهر پیاده می شدند، سروده است.

گفت و گوهایی خیالی می پردازند و آن ها را می نویسند.

برای توصیف باغی در بهار یا مزرعه ای در انتظار باران، می توان تابلوی کلاس را در رنگ اش با تصویر یا عکسی زیبا از این موضوعات ترین کرد. در انتخاب موضوع انشا نیز معلم باید ماهرانه تصمیم بگیرد. موضوعات کلی و با گنگ نمی توانند قوه ی خلاقه ی دانش آموز را برانگیزانند. او مجبور است برای این که انشایی به معلم تحویل دهد، دست به دامان اعضای خانواده ی خود بشود و از آنان کمک بگیرد. یا مثلاً سافانه با روئوسی های غلط، فقط وقت خویش را تلف کند. ولی اگر موضوعی برای او جذاب باشد و خودش بتواند مستقلاً درباره ی آن بیندیشد و کس دیگری به دنیای پر رمز و راز خیالات او راه پیدا نکند، دیگر نرسمی از رنگ انشا نخواهد داشت.

سخنوری

اصل قضیه در انشا، انتقال حس است. پس باید اجازه بدهیم، دانش آموز به هر زبانی که ممکن است حس خود را منتقل کند. از رابطه ی فن بیان و سخنوری در درس انشا نیز نباید غفلت کنیم. مثلاً سافانه در عصر کنونی در نظام آموزشی ما، آن مقدار که بر نوشتن تأکید می شود، به سخن گفتن اعتنا نمی شود. معلم آگاه می تواند در هر ساعت انشا دقایقی را به سخنرانی دانش آموزان با موضوعات انتخابی خودشان اختصاص دهد. تأییدین وسیله، هم کسالت و یکنواختی رنگ انشا از بین برود و هم دانش آموزان بتوانند ابراز وجود کنند و خودی نشان دهند. حتی برای ایجاد رغبت پیش تر می توان امتیازات خاصی هم برای این سخنرانان نوجوان در نظر گرفت.

کتاب خوانی

اهمیت مطالعه و کتابخوانی و رابطه ی آن با درس انشا نیز از آموزی است که توجه خاصی را می طلبد. کتابخانه ی مدرسه، آزمایشگاه فراگیری درس هاست. لذا لازم است دبیران انشا کتابخانه ها را هر چه پیش تر فعال و پویا کنند و ساعتی از برنامه های هفتگی مدرسه را به مطالعه اختصاص دهند. البته در این زمینه تاکنون سخن فراوان گفته شده است و دانش آموزان ما به بهانه های گوناگون کتاب های فراوانی را خوانده و خلاصه نویسی کرده اند، ولی با کمال تأسف، این کار را فقط برای کسب نمره در درس انشا یا درس پرورشی انجام داده اند و خلاصه نویسی را با زو نویسی یکی گرفته اند!

اگر در کلاس انشا، دانش آموز بتواند کتاب های مورد علاقه ی خود را بخواند، یعنی هرگاه از مطالعه حسنه شده، کتاب را ببندد، اگر موضوع کتاب برایش جذاب بود، آن را کنار نگذارد، اگر مطالب نوشته شده در کتاب را تفهیم، کتابی با موضوعی دیگر را انتخاب کند، دیگر مطالعه برایش حسنه نشده نخواهد بود.

بلکه چنان شیرین خواهد شد که به هیچ قیمتی این یار دیرینه را ترک نخواهد کرد. چرا، هرگاه کتابی را به دانش آموزی می دهیم، حتماً باید خلاصه ی آن را هم تحویل بگیریم. بگذاریم دانش آموز در گام های نخست، فقط کلمات و جملات را بخواند و تصویرهای زیبای کتاب را تماشا کند. در مراحل بعد خودش با تمام وجود آنچه را خوانده است درک خواهد کرد. بدون تردید از بیان مفاهیمی که آموخته است هیچ نرس یا دلهره ای نخواهد داشت و دیگر به رونویسی از متن کتاب روی نخواهد آورد.

بدین صورت است که او مطالعه ی روزانه را در برنامه ی کلاسی و حتی خانه ی خود می گنجاند، از جملات شیرین و جذاب بهره می برد. با کتاب انس می گیرد و با دستی پر به کلاس انشا می آید.

چند پیشنهاد

در پایان به چند روش ابتکاری در فعال کردن رنگ انشا می پردازیم:
۱. نوشتن انشاهای گروهی. این روش را می توان به دو طریق اجرا کرد:

الف) تکمیل و مرتب کردن جمله هایی که خود دانش آموزان می سازند. بدین ترتیب که جمله ی نخست را یک نفر روی تابلو می نویسد. بعد دیگران با جملات زیبای خود آن را تمام می کنند. البته می توان به طور غیرمستقیم به دانش آموزان آموخت که چگونه جملات تکراری را حذف کنند و تقدم و تأخر جملات را رعایت کنند. در پایان با کمک و همکاری فراگیران کار ویرایش و بازنویسی انشا به پایان می رسد. مسلماً در چنین کلاسی، هیچ کس را بیکار، خواب آلود و بیزار از انشا و نوشتن نخواهید یافت.

ب) در روش دوم، دانش آموزان را به گروه های ۲ یا ۳ نفره تقسیم می کنیم؛ به نحوی که حداقل یک نفر از اعضای گروه، ذوق بیش تری در نگارش داشته باشد. آن گاه هر سه نفر به مشورت هم و تبادل نظر با یکدیگر، جملات خود را مرتب می کنند و انشای کاملی می نویسند. برای ایجاد انگیزه ی بیش تر، حتی می توان

نمره ی انشا را به هر ۳ نفر به طور مساوی داد.
۲. خواندن جملات زیبا درباره ی موضوعات گوناگون و نوشتن آن ها روی تابلو. البته اگر انتخاب جملات با خود دانش آموزان باشد، نتیجه ی بهتری عاید خواهد شد.

۳. حفظ شعر. برای تلطیف روح شاگردان می توان آنان را وادار ساخت اشعاری از شعرای قدیم یا جدید حفظ کنند. مسلماً این اشعار نیز باید صد درصد توسط خود دانش آموز انتخاب شوند.



روبروی

* دبیر مدرسه راهنمایی شاهد، از شهرستان بیرجند.



در کلمات مشتق که یک جزء آن‌ها تکواژ آزاد و یک یا چند جزء آن‌ها وند است، اشتراک وندها موجب هم خانواده بودن نمی شود؛ مثلاً کلمات آتشین، سیمین، رنگین و زرین، به خاطر تکواژ اشتقاقی «ین» با هم، هم خانواده نیستند

هم خانواده در زبان فارسی و عربی

تیمور رضایی

اشاره

تقریباً تمام تمرینات اول کتاب فارسی سه پایه‌ی راهمایی با «هم خانواده» شروع می‌شوند. به این علت که «هم خانواده سازی» باعث افزایش گنجینه‌ی واژگان دانش‌آموزان، تقویت زبان‌آموزی و از همه مهم‌تر تقویت املا‌ی آنان می‌شود. به همین منظور، مولف این مقاله کوشیده است در این نوشته اصول و شرایط هم خانوادگی را در دو زبان فارسی و عربی برای همکاران توضیح دهد؛ اما ممکن است نخست این سؤال پیش آید که: چگونه لغات عربی را از لغات فارسی تشخیص دهیم؟ که به طور مختصر به این سؤال نیز پاسخ داده شده است.

رشد

روش شناخت کلمات عربی

۱. همان‌طور که چهار حرف «پ، چ، ژ، گ» در زبان عربی فصیح وجود ندارد، مخصوص زبان فارسی است. هشت حرف «ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق» هم به زبان عربی اختصاص دارد. و اگر واژه‌ای یکی از این هشت حرف را در خود داشته باشد،

عربی است. موارد استثنای بسیار کم است. فقط بین حرف «ق» و «ع» اختلاف وجود دارد. بعضی از واژه‌هایی که حرف «ق» دارند، ترکیبی تعدادی از لغاتی که حرف «ع» دارند، فارسی هستند. شاید شما حرف «ع» (همزه) و «د» را هم به حروف فوق اضافه کرد. باید توجه داشت که کلماتی همچون: امپراطور، طارمی، غلطک، بیض، صدق، خط فارسی و... در این فصل هستند که توجه می‌شود با آن‌ها مقابله نوشته شود.

۲. پیش‌تر کلمات عربی دارای وزن ثلاثی مجرد یا مرید هستند.
۳. بسیاری از اسم‌های عربی دارای جمع منکسرند. مانند: موج: امواج، درس: دروس، و ملت: ملل
۴. کلماتی که تشدید دارند، عموماً عربی هستند. کلماتی که بر وزن‌هایی همچون: تفعیل، متفعّل، فاعل و فاعیل هستند، همیشه



در کتاب‌های فارسی سه ساله‌ی راهنمایی، تقریباً همه‌ی کلمات فارسی که برای آن‌ها هم خانواده خواسته شده است، بن فعلی دارند

کلماتی که ریشه‌ی فعلی ندارند، با اضافه کردن وندها و نکواژهای آزاد به اول و آخر آن‌ها، هم خانواده می‌سازیم. مثل زمین: بی‌زمین، زمین‌خوار، زمینی، زمین‌دار و...

شرایط هم خانوادگی در زبان فارسی

۱. کلمه مشتق یا مرکب باشد. مشتق کلمه‌ای است که از یک نکواژ آزاد و دست‌کم یک وند اشتقاقی ساخته شده باشد؛ مثل: گفتار، گرما و لبه. مرکب آن است که از دو نکواژ آزاد یا بیش‌تر تشکیل شده باشد؛ مثل: کمربند، زیرزمین، و روان‌شناس. نکته‌ی مهم در مورد کلمات مرکب که غالباً از دو واژه‌ی معنی‌دار ساخته می‌شوند، این است که اگر یکی از کلمات ثابت بماند و کلمه‌ی دیگر تغییر کند، از آن‌جا که هر کدام از واژه‌ها مستقل و با معنی هستند، کلمه‌های

تشدید دارند و کلماتی چون: حد، مضرب، اهم، مستمر، منجر، مقر، معنی، سخی، مضار، متضاد، مواد و محک که همگی ریشه‌ی مضاعف دارند (به غیر از معنی و سخی)، در عربی با علامت تشدید و در فارسی بدون تشدید به کار می‌روند و در فارسی، در صورتی که بعد از آن‌ها مصوت بیاید، علامت تشدید می‌گیرند. کلمات فارسی مشدد محدودند. مثل: ابره، بره، دره، یکه، تکه، زرین، غرش، سکو، لکه، شلیک، بره، پله و خرم که گاهی بدون تشدید هم نوشته می‌شوند.

گاهی چند کلمه از یک ریشه ساخته شده‌اند، اما هیچ کدام با هم ارتباط معنایی ندارند؛ مثل: ابتهال (زاری کردن)، میاهله (به هم نفرین کردن) و بهلول (نیکوکار و خنده‌رو) که همگی از ریشه‌ی «بهل» گرفته شده‌اند

هم خانواده در زبان فارسی

زبان فارسی، زبانی ترکیبی و پیوندی و جزو زبان‌های هند و اروپایی است. در دوره‌ی راهنمایی، ملاک شناخت کلمه‌ی هم خانواده، اشتراك در بن فعل است. بدین معنی که کلمات مرکب و یا مشتقی که از یک مصدر گرفته شده‌اند، هر چند از نظر صوری و آوایی هماهنگی ندارند، هم خانواده محسوب می‌شوند. مانند سازش و ساختمان که هر دو از مصدر ساختن گرفته شده‌اند. در دستور ساختاری، اصل بن مضارع است، و بن ماضی از آن ساخته می‌شود و مصدر خود از مشتقات آن است.

در کتاب‌های فارسی سه ساله‌ی راهنمایی، تقریباً همه‌ی کلمات فارسی که برای آن‌ها هم خانواده خواسته شده است، بن فعلی دارند (در فارسی اول، کلمه‌ی «پاکیزه» بن فعلی ندارد). بنابراین، برای هم خانواده سازی کلمات فارسی، ابتدا مصدر کلمه‌ی خواسته شده را پیدا می‌کنیم. و با حذف علامت مصدر، بن ماضی آن به دست می‌آید. سپس با افزودن نکواژهای اشتقاقی، هم خانواده می‌سازیم. مثلاً برای کلمه‌ی «گویش»، مصدر آن گفتن است که خود یک هم خانواده محسوب می‌شود. حالا بن ماضی آن یعنی گفت، هم خانواده می‌سازیم: گفته، گفتار، گفت‌وگو، گفتمان، گفتنی و... و از بن مضارع آن: گویا، گوینده، گویان، گویشور و... اما در

مرکب ساخته شده، با هم، هم خانواده‌اند؛ مثلاً کلمات: آتش‌زا، آتش بازی، آتش نشانی، آتشیگاه، آتشین و آتش پرست، همگی با «آتش» هم خانواده‌اند، اما اگر از کلمه‌ی «آتش‌پاره» معنای کنایی آن یعنی «چابک و موزی» مدنظر باشد، با آتش هم خانواده نیست. کلمه‌ی مرکب «آتش پرست» هم با کلمات پرستش، پرستنده، پرستیدن و خودپرست، هم خانواده است. اما در کلمات مشتق که یک جزء آن‌ها نکواژ آزاد و یک یا چند جزء آن‌ها وند است، اشتراك وندها موجب هم خانواده بودن نمی‌شود؛ مثلاً کلمات آتشین، سیمین، رنگین و زرین، به خاطر نکواژ اشتقاقی «ین» با هم، هم خانواده نیستند. با توجه به این توضیح، هم خانواده سازی برای کلمات «سرگذشت»، «پی‌ریزی»، «دربرگیرنده» و «هم‌حسی» در فارسی سوم و «رهگذر» در فارسی اول، آسان‌تر می‌شود. واژه‌های «سرگذشت»، «پی‌ریزی» و «رهگذر» مرکب هستند. با توجه به این که در دوره‌ی راهنمایی، ملاک شناخت هم خانواده، اشتراك در بن فعل است، اصل را بر بن فعل می‌گذاریم (سرگذشت، گذشته، گذران / پی‌ریزی / پی‌ریختن / رهگذرنده، گذرگاه، گذرنده و...)؛ در کلمه‌ی هم‌حسی، «هم» پیشوند است (هم‌حسن، هم‌احساس) در کلمه‌ی «دربرگیرنده» نیز بن مضارع «گرفتن» ملاک است.

۲. جزئی از اجزای سازنده‌ی دو یا چند واژه با هم مشترک باشند

توضیحات

و این اشتراک باید هم صوری (شکل و ساخت ظاهری)، هم آوایی (تلفظی) هم املائی و هم معنایی باشد. مثلاً، کلمات کتاب و خراب از نظر صوری هجای دوم آن‌ها با آب تشابه دارد، اما با آب هم خانواده نیستند.

۳. واژه یا تکواژی که در دو کلمه تکرار می‌شود، معنای حقیقی، روشن، واضح و آشنای خود را داشته باشد و معنای کنایی و مجازی پیدا نکرده باشد. مثلاً، ترکیبات کنایی «دست نگاه داشتن» (حسب کردن) و «دست داشتن» (دخالت داشتن) با «دست» هم خانواده نیستند.

۴. در هم خانواده بودن، وضعیت امروزی واژه‌ها مورد نظر است، نه سابقه‌ی تاریخی آن‌ها. بسیاری از کلماتی که امروزه ساده به حساب می‌آیند، در گذشته مشتق یا مرکب بوده‌اند؛ مثل «سبب» (سبب + آب)، «بیهوده» (بی + هوده) «زمستان» (زم + ستان).

۵. هم خانواده‌گی در حوزه‌ی یک زبان معنا دارد و کلماتی که در دو زبان از لحاظ ظاهری مانند هم باشند، هم خانواده محسوب نمی‌شوند. مثل فروغ (فارسی) با فراغ (عربی)، انجام (فارسی) با نجوم (عربی) و شعال (فارسی) با شغل (عربی).

شرط اصلی هم خانواده بودن کلمات در عربی، یکی این است که ریشه‌ی آن‌ها (عمدتاً سه حرفی است) یکی باشد و ترتیب حروف هم در آن‌ها به هم نخورده باشد

قابل قبول نیست. یکی از راه‌های متداول و ساده برای هم خانواده سازی در کلمات عربی این است که سعی کنیم برای کلمه‌ی مورد نظر وزن‌های متعدد و مستعمل آن کلمه را مشخص کنیم؛ مثلاً برای کلمه‌ی «عدل»، باب افتعال (اعتدال)، اسم فاعل (معتدل)، باب تفاعل (تعادل) اسم فاعل آن (متعادل)، تفاعل (معادله)، و گاهی چند کلمه از یک ریشه ساخته شده‌اند. اما هیچ کدام با هم ارتباط معنایی ندارند؛ مثل انتها (زاری کردن)، مبالغه (به هم تفرین کردن) و بهلول (تیکو کار و خنده رو) که همگی از ریشه‌ی «بهل» گرفته شده‌اند.

بین برخی از کلمات هم خانواده‌ی عربی، به ظاهر ارتباط معنایی وجود ندارد و ما آن‌ها را هم ریشه به حساب می‌آوریم، اما اگر دقیق

برای دانش آموزان راهنمایی، باید ابتدا کلمات هم خانواده را مشخص کنیم و سپس کلمات هم ریشه را

بررسی شوند. متوجه ارتباط معنایی آن‌ها می‌شویم. مثلاً کلمات مجنون، جنان، جنین، جنه و جنان، به نوعی با کلمه‌ی پوشش و پوشیده، در ارتباط هستند. بنابراین، شرط اصلی هم خانواده بودن کلمات در عربی، یکی این است که ریشه‌ی آن‌ها (عمدتاً سه حرفی است) یکی باشد و ترتیب حروف هم در آن‌ها به هم نخورده باشد. مثلاً در علم و عمل و صفت و نصف، هر چند حروف مشترک دارند، ترتیب حروف آن‌ها به هم خورده است. البته برای ترتیب حروف، استثنا هم داریم و آن قلب مکانی است. بدین معنی که در تعداد کمی از کلمات، حروف جابه‌جا شده‌اند. مثلاً می‌گویند کلمه‌ی «جاه» با «وجه» هم خانواده است. یعنی جای فاء الفعل و عین الفعل عوض شده است وجه = جوه = جاه (بر وزن غفل). کلمات حادثی و وجد، طرب و فقر، تحبب و تحلبب و عربی و عبرتی (اهم قلب مکانی می‌دانند) هر چند این نظر مورد تأیید همه‌ی صرفیون نیست. در کلمات فارسی هم، واژه‌های هرگز و هگز، و کز و کز، و از این تنوع می‌دانند.

زیبوی

۱. قسم از معنای «هم خانواده‌ها» از آقای عمری، محبی رشت، آمل، همدان، تحصیلی، شادابی ۱۶

هم خانواده در زبان عربی

زبان عربی رباعی اشتقاقی و از خانواده‌ی زبان‌های سامی (آشوری، بابلی، عبری، آرامی، سریانی، عربی و حبشی) است. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که «هم خانواده» با «هم ریشه» فرق می‌کند. هم خانواده به کلماتی می‌گوییم که علاوه بر داشتن ریشه‌ی مشترک، ارتباط معنایی هم دارند. مانند «مخلوق، خالق و خلقت» که همگی از ریشه‌ی «خلق» هستند و در همه‌ی آن‌ها معنای کلمه‌ی «آفرینش و آفرینندگی» وجود دارد. اما کلمات، خلق، اخلاق و متخلق یا نه کلمه‌ی فوق فقط هم ریشه‌اند و هم خانواده نیستند. در دوره‌ی راهنمایی ما از روی تسامح همگی آن‌ها را هم خانواده می‌گوییم. برای دانش آموزان راهنمایی، باید ابتدا کلمات هم خانواده را مشخص کنیم، سپس کلمات هم ریشه را. در کنار آن هم می‌توانیم، مانند زبان فارسی، با اضافه کردن وند و تکواژ آزاد به ریشه هم خانواده بسازیم؛ مثلاً برای «نفس»، ابتدا انفس و تنفس را می‌گوییم، سپس نفس و نفیس را و بعد از آن‌ها نفس کش، نفس گیر و...

باید توجه داشت که برای هم خانواده‌ی کلمات عربی، غیر از جمع مکسر، هم خانواده سازی با علامت جمع مذکر و مؤنث ما

علی ایمانی از غندی

دستور در متن

اشاره

نیز صادق و گویاست. تجربه‌ی چند تن از همکاران رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گواه بر این مدعاست.

دستور در متن

با توجه به آن‌چه گفته شد، زبان به عنوان مجموعه‌ای منسجم مطرح است و «قواعد و دستور العمل‌ها» از اجزای آن محسوب می‌شوند. ما ابتدا جمله‌ای را می‌بینیم، می‌خوانیم و می‌شنویم، آن‌گاه خصوصیات هر کلمه را در آن جمله و نقش و وظیفه‌ای را که در جمله دارد مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهیم. یکی از اشکالات کتاب‌های درسی، خصوص کتاب‌های فارسی دوره‌ی راهنمایی، گنجاندن درس مستقلی تحت عنوان دستور در این کتاب‌هاست. اگر چنین مواردی از کتاب‌ها حذف شود و به شکل جزوه یا دستور العمل جداگانه‌ای فقط در اختیار همکاران رشته‌ی ادبیات قرار گیرد، نتایج بسیار مطلوبی خواهد داشت.

می‌توانیم در تدریس، حین خواندن یک درس، کلمه یا کلماتی را مشخص کنیم و ویژگی‌ها و خصوصیات نهاد را بیان داریم. آن‌گاه از دانش‌آموزان بخواهیم کلماتی را که چنین خصوصیات مشابهی دارند، مشخص سازند. سپس به آنان بگوییم که این کلمات در جمله دارای نقش نهاد هستند. بدین ترتیب، نهاد را تدریس کرده‌ایم. به قول معروف، با یک تیر دو نشان زده‌ایم.

در این باره از دانش‌آموزان نیز نظرخواهی شده است. اکثر آنان تدریس دستور به این شیوه را می‌پسندند. مزیت دیگر این روش، تکرار پذیری مفاهیم دستوری است که بارها و بارها در طول یک متن مورد بررسی قرار می‌گیرند و با تکرار ملکه‌ی ذهن دانش‌آموز می‌شوند.

نوشته، در عین اختصار، به نکته و موضوع مهمی اشاره می‌کند که جا دارد پیش از این مورد بحث، بررسی و کنکاش قرار گیرد. امیدواریم نویسنده‌ی محترم و دیگر دبیران و صاحب نظران در این باره بیش تر بنویسند و راهکارهای اجرایی آن را در اختیار کارشناسان و مؤلفان کتاب‌های درسی قرار دهند.

رشد

پیچیدگی دستور

اهمیت و ضرورت شناخت قواعد زبان بر اهالی هیچ زبانی پوشیده نیست. این قواعد که گرامر و دستور خوانده می‌شود. گاه برای کاربران یک زبان آن چنان پیچیده می‌نماید که در فهم و حتی کاربرد درست آن‌ها دچار مشکل می‌شوند. متأسفانه دستور زبان فارسی که در یادگیری این زبان نقش بسیار مهمی دارد و روند آن را تسریع می‌کند، چنان‌که باید و شاید، در مراکز تعلیم و تربیت، مخصوصاً مدرسه‌ها، درست آموخته نمی‌شود و اکثر فراگیران با آن درس مشکل دارند.

چه باید کرد؟

گروهی از علمای تعلیم و تربیت معتقدند که اتسان برای درک اشیا و مفاهیم، ابتدا کلیت آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، آن‌گاه، به سراغ اجزای آن می‌رود. به عبارت دیگر، درک و فهم کل مقدم بر درک اجزاست. برای مثال، ما ابتدا درخت را به صورت یک کل واحد می‌بینیم، سپس به شاخه‌ها و برگ‌های آن دقت می‌کنیم. این رابطه در مورد یادگیری دستور زبان فارسی و رابطه‌ی آن با خود زبان فارسی

پیرلر IEA

جعفر خرازی

أشاره

در مرداد ماه سال ۱۳۸۳، جشنواره‌ی الگوهای تدریس فعال
درسی فارسی در دوره‌ی راهنمایی (مرحله‌ی کشوری) به مدت سه
روز در محل اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد.

از ویژگی‌های این جشواره، حذف رقابت‌های کاذب و ارائه‌ی تحلیل در پایان هر چند جلسه تدریس توسط کمیته‌ی علمی به‌

در برخی از تدریس ها، تقویت مهارت خواندن در دانش آموزان به فراموشی منتهی شده بود؛ در حالی که این امر یکی از اساسی ترین هدف های زبان آموزی در این دوره محسوب می شد.

در آخرین روز جشنواره، مقاله حاضر تحلیلی از تدبیرهای انجام شده ارائه داد و به اهمیت مهارت خواندن و نقش آن در آموزش و همپسین منابع و یافته‌های ملی و بین‌المللی سواد خواندن در ایران اشاره کرد.

عزیز! بقالہ مالو نامہ تی پر لہر اُٹھا جو اھیلہ شہد

یوں ہی کہتے ہیں:

مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت مواد خام ناند، بر نافع‌انی پتکارنی
 دانی ای بی تی ای خواندن که در کتابخانه‌ی جهانی و مذهبی است
 که جهان کشور از مسر جهان در آن شهرت دارد. (چون بی ای بی
 مطالعه‌ی «الجمین بین المللی از شبانی پیشرفت تحقیقی» (۱۳۸۱)
 وابسته به سازمان یونسکو بر عهده دارد. این مطالعه در ۲۰۰۵
 انجام می‌شود. در مطالعه‌ی پریر ۲۰۰۶، دانش آموزان ایرانی در سطح
 کشور جهان، از جمله ایران، به رقابت پرداخته‌اند.

طول یادگیری های خود در سال های اول دبستان به دست می آورند. این توانایی در رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی کودکان نقش مؤثری دارد و اساس یادگیری آن ها در دیگر موضوع ها به حساب می آید.

«مهارت خواندن» کودکان را قادر می سازد که، در جامعه ی خویش به طور فعال و آگاهانه شرکت کنند. تعریف سواد خواندن براساس پرلز چنین است: توانایی فرد در ساخت معنا و درک مطلب و استفاده از شکل های متفاوت زبان نوشتاری مورد نیاز جامعه.

هدف از مطالعه ی پرلز، کمک به بهبود فرایند یاددهی-یادگیری در قلمرو «سواد خواندن» دانش آموزان است. به عبارت دیگر، هدف فراهم کردن اطلاعات لازم درباره ی پیشرفت سواد خواندن دانش آموزان در سطح بین المللی، تحت شرایط و امکانات خاص هر کشور است.

ابزارهای سنجش را سوالات چهارگزینه ای و تشریحی (از تعدادی کتابچه حاوی مطالب خواندنی در شکل داستان، مقاله، شرح حال) و پرسش نامه ها (پرسش نامه ی دانش آموز، اولیا، مدرسه و معلم) تشکیل می دهند.

از طریق داده های به دست آمده از مجموعه ی این پرسش نامه ها، چگونگی سازماندهی آموزش خواندن در سنین کودکی، روش ها و فعالیت های آموزشی معلمان، منابع و امکانات و شرایط مدرسه ای، علاقه ها، عادت ها و نگرش های خواندن دانش آموزان هر کشور در مقایسه با دانش آموزان کشورهای دیگر مشخص می شود.

پیشنهادهای کاربردی برخاسته از نتایج مطالعه ی پرلز ۲۰۰۱ (مربوط به فعالیت های مدرسه) از این قرارند:

۱. مدیران مدرسه ها و مسؤولان گروه های آموزشی درس فارسی، بررسی کنند و ببینند که معلمان به منظور تقویت سواد خواندن در دانش آموزان چه اندازه از منابع و امکانات آموزشی و کمک آموزشی موجود استفاده می کنند؛ امکاناتی از قبیل:

- کتاب های درسی

- کتاب های کار و تمرین یا برگه های کار (پلی کپی)

- روزنامه ها و مجلات مخصوص کودکان

- نرم افزارهای رایانه ای در زمینه ی آموزش خواندن به کودکان

- کتاب های متنوع کودکان مانند مجموعه داستان ها

۲. معلمانی که به آموزش خواندن و سایر فعالیت های مربوطه به آموزش خواندن می پردازند، هرچند وقت یک بار دانش آموزان را مکلف به خواندن مطالب زیر کنند:

- حکایت ها و افسانه ها

- داستان (رمان)

- شعر و نمایش نامه

همچنین دانش آموزان را به گرفتن کتاب از کتابخانه و ارائه ی

خلاصه ی آن در کلاس درس تشویق کنند.

۳. برای ارتقای سواد الکترونیکی و توسعه ی فرهنگ آی تی (IT)، بهتر است که معلمان هرچند وقت یک بار از دانش آموزان بخواهند، با استفاده از رایانه کارهای زیر را انجام دهند:

الف) داستان ها یا مطالبی را از روی صفحه ی نمایش رایانه بخوانند.

ب) با استفاده از نرم افزارهای آموزشی مناسب، مهارت ها و روش های خواندن خود را بهبود بخشند.

۴. معلمانی که به آموزش و یا سایر فعالیت های مربوط به آموزش خواندن می پردازند، هرچند وقت یک بار کارهای زیر را انجام دهند: الف) راهبردهای متفاوت خواندن را به دانش آموزان یاد دهند (مثل سطحی خواندن، مرور و ...)

ب) راهبردهای رمزگشایی صداها و کلمه ها را به دانش آموزان یاد دهند.

پ) لغت های تازه را به طور نظام مند به دانش آموزان بیاموزند. ت) به دانش آموزان فرصت دهند که کتاب هایی را به انتخاب خودشان بخوانند.

ث) از دانش آموزان بخواهند، مطلبی را با صدای بلند برای تمام کلاس بخوانند.

۵. معلمان هرچند وقت یک بار از دانش آموزان بخواهند که کارهای زیر را برای کمک به بهبود روش ها و مهارت های درک مطلب خود انجام دهند:

الف) پیام اصلی متن هایی را که می خوانند، مشخص کنند.

ب) براساس متن خوانده شده به تعمیم و نتیجه گیری پردازند.

پ) متن خوانده شده را با تجربیات شخصی خود مقایسه کنند.

امید است همه ی دست اندرکاران آموزش، به ویژه معلمان گرامی، برای ارتقای سطح سواد خواندن دانش آموزان تلاش کنند تا در سال ۲۰۰۶ شاهد پیشرفت و بهبود سواد خواندن در کشور عزیزمان ایران باشیم.

منبع

در تهیه ی این مقاله از جزوه ی پژوهشکده ی تعلیم و تربیت بهره برده ام. برای به دست آوردن اطلاعات بیش تر در این زمینه، می توان با مرکز ملی مطالعه ی پرلز واقع در پژوهشکده ی تعلیم و تربیت به آدرس زیر تماس گرفت:

e-mail: PIRLS iernr.org

PIRLS.be.iernr.org

PIRLS.be.Eud

پست الکترونیکی:

سایت پژوهشکده:

سایت بین المللی:

نویسنده

1. Progress in International Reading Literacy study (PIRLS)



پرنز IEA

جعفر خرازی

نگاهی به نتایج و یافته‌های ملی و بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن در «پرنز ۲۰۰۱»

اشاره

در مرداد ماه سال ۱۳۸۳، جشنواره‌ی الگوهای تدریس فعال درس فارسی در دوره‌ی راهنمایی (مرحله‌ی کشوری)، به مدت سه روز در محل اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد. از ویژگی‌های این جشنواره، حذف رقابت‌های کاذب و ارائه‌ی تحلیل در پایان هر چند جلسه تدریس توسط کمیته‌ی علمی بود. در برخی از تدریس‌ها، «تقویت مهارت خواندن در دانش‌آموزان» به فراموشی سپرده شده بود؛ در حالی که این امر یکی از اساسی‌ترین هدف‌های زبان‌آموزی در این دوره محسوب می‌شد.

در آخرین روز جشنواره، مقاله حاضر تحلیلی از تدریس‌های انجام شده ارائه داد و به اهمیت مهارت خواندن و نقش آن در آموزش و همچنین نتایج و یافته‌های ملی و بین‌المللی سواد خواندن در «پرنز ۲۰۰۱» اشاره کرد.

در این مقاله با برنامه‌ی پرنز آشنا خواهید شد.

پرنز چیست؟

مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن، برنامه‌ای ابتکاری برای ارزیابی توانایی خواندن کودکان در پایه‌ی چهارم ابتدایی است که جهان کشور از سراسر جهان در آن شرکت دارند. این مطالعه (IEA) مقصد دارد تا انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IIA) وابسته به سازمان یونسکو بر عهده دارد. این مطالعه هر ۵ سال یکبار انجام می‌شود. در مقاله‌ی پرنز ۲۰۰۱، دانش‌آموزان ایرانی در سطح کشور جهان، از جمله ایران، به رقابت پرداختند.

سواد خواندن یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که دانش‌آموزان باید

طول یادگیری های خود در سال های اول دبستان به دست می آورند. این توانایی در رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی کودکان نقش مؤثری دارد و اساس یادگیری آن ها در دیگر موضوع ها به حساب می آید.

«مهارت خواندن» کودکان را قادر می سازد که، در جامعه ی خویش به طور فعال و آگاهانه شرکت کنند. تعریف سواد خواندن براساس پرلز چنین است: توانایی فرد در ساخت معنا و درک مطلب و استفاده از شکل های متفاوت زبان نوشتاری مورد نیاز جامعه.

هدف از مطالعه ی پرلز، کمک به بهبود فرایند یاددهی-یادگیری در قلمرو «سواد خواندن» دانش آموزان است. به عبارت دیگر، هدف فراهم کردن اطلاعات لازم درباره ی پیشرفت سواد خواندن دانش آموزان در سطح بین المللی، تحت شرایط و امکانات خاص هر کشور است.

ابزارهای سنجش را سوالات چهارگزینه ای و تشریحی (از تعدادی کتابچه حاوی مطالب خواندنی در شکل داستان، مقاله، شرح حال) و پرسش نامه ها (پرسش نامه ی دانش آموز، اولیا، مدرسه و معلم) تشکیل می دهند.

از طریق داده های به دست آمده از مجموعه ی این پرسش نامه ها، چگونگی سازماندهی آموزش خواندن در سنین کودکی، روش ها و فعالیت های آموزشی معلمان، منابع و امکانات و شرایط مدرسه ای، علاقه ها، عادت ها و نگرش های خواندن دانش آموزان هر کشور در مقایسه با دانش آموزان کشورهای دیگر مشخص می شود.

پیشنهادهای کاربردی برخاسته از نتایج مطالعه ی پرلز ۲۰۰۱ (مربوط به فعالیت های مدرسه) از این قرارند:

۱. مدیران مدرسه ها و مسؤولان گروه های آموزشی درس فارسی، بررسی کنند و ببینند که معلمان به منظور تقویت سواد خواندن در دانش آموزان چه اندازه از منابع و امکانات آموزشی و کمک آموزشی موجود استفاده می کنند؛ امکاناتی از قبیل:

- کتاب های درسی

- کتاب های کار و تمرین یا برگه های کار (پلی کپی)

- روزنامه ها و مجلات مخصوص کودکان

- نرم افزارهای رایانه ای در زمینه ی آموزش خواندن به کودکان

- کتاب های متنوع کودکان مانند مجموعه داستان ها

۲. معلمانی که به آموزش خواندن و سایر فعالیت های مربوطه به آموزش خواندن می پردازند، هرچند وقت یک بار دانش آموزان را مکلف به خواندن مطالب زیر کنند:

- حکایت ها و افسانه ها

- داستان (رمان)

- شعر و نمایش نامه

همچنین دانش آموزان را به گرفتن کتاب از کتابخانه و ارائه ی

خلاصه ی آن در کلاس درس تشویق کنند.

۳. برای ارتقای سواد الکترونیکی و توسعه ی فرهنگ آی تی (IT)، بهتر است که معلمان هرچند وقت یک بار از دانش آموزان بخواهند، با استفاده از رایانه کارهای زیر را انجام دهند:

الف) داستان ها یا مطالبی را از روی صفحه ی نمایش رایانه بخوانند.

ب) با استفاده از نرم افزارهای آموزشی مناسب، مهارت ها و روش های خواندن خود را بهبود بخشند.

۴. معلمانی که به آموزش و یا سایر فعالیت های مربوط به آموزش خواندن می پردازند، هرچند وقت یک بار کارهای زیر را انجام دهند: الف) راهبردهای متفاوت خواندن را به دانش آموزان یاد دهند (مثل سطحی خواندن، مرور و ...)

ب) راهبردهای رمزگشایی صداها و کلمه ها را به دانش آموزان یاد دهند.

پ) لغت های تازه را به طور نظام مند به دانش آموزان بیاموزند. ت) به دانش آموزان فرصت دهند که کتاب هایی را به انتخاب خودشان بخوانند.

ث) از دانش آموزان بخواهند، مطلبی را با صدای بلند برای تمام کلاس بخوانند.

۵. معلمان هرچند وقت یک بار از دانش آموزان بخواهند که کارهای زیر را برای کمک به بهبود روش ها و مهارت های درک مطلب خود انجام دهند:

الف) پیام اصلی متن هایی را که می خوانند، مشخص کنند.

ب) براساس متن خوانده شده به تعمیم و نتیجه گیری پردازند.

پ) متن خوانده شده را با تجربیات شخصی خود مقایسه کنند.

امید است همه ی دست اندرکاران آموزش، به ویژه معلمان گرامی، برای ارتقای سطح سواد خواندن دانش آموزان تلاش کنند تا در سال ۲۰۰۶ شاهد پیشرفت و بهبود سواد خواندن در کشور عزیزمان ایران باشیم.

منبع

در تهیه ی این مقاله از جزوه ی پژوهشکده ی تعلیم و تربیت بهره برده ام. برای به دست آوردن اطلاعات بیش تر در این زمینه، می توان با مرکز ملی مطالعه ی پرلز واقع در پژوهشکده ی تعلیم و تربیت به آدرس زیر تماس گرفت:

e-mail: PIRLS iernr.org

PIRLS.be.iernr.org

PIRLS.be.Eud

پست الکترونیکی:

سایت پژوهشکده:

سایت بین المللی:

نویسنده

1. Progress in International Reading Literacy study (PIRLS)

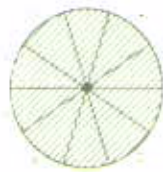
تدریس ریاضی با روش شهودی - تجربی (گزارش یک مشاهده)

میرزا جلیلی

قسمت دوم

مساحت دایره

معلوم تصور کنید که از کیفیت خود بیرون آوزد و روی قسمتی از
تخته سیاه بنشیند و به سمت دیگر تخته، تا گنج شکل آن‌ها را رسم
کند.



کلاس را به این دو بخش تقسیم کرد که زاویه بین دو خط عمود ۹۰ درجه باشد. سپس معنی کردند که نشان داده شد. در تمام
تخته سیاه و سقف کلاس، دو خط عمود بر هم را کشید و بعد چند شکل بر روی تخته کشید و از دانش آموزان خواست
خط‌های عمود بر هم را در آن‌ها مشخص کند.



بچه‌ها متوجه می‌شدند که شکل طرف راست تقریباً یک مستطیل
است. اگر تقسیمات دایره را به ۲۰۰ قسمت افزایش دهیم، شکل
حالت مستطیلی خود را بیشتر نشان می‌دهد. طول این شکل نصف
محیط دایره و عرض آن برابر شعاع دایره است. مساحت آن هم برابر
مساحت دایره است؛ پس می‌توانیم بگوییم:

شعاع $\times$ نصف محیط دایره = مساحت مستطیل = مساحت دایره

$$\text{شعاع} \times \frac{\text{محیط}}{2}$$

$$\text{شعاع} \times \frac{2\pi \times \text{شعاع}}{2}$$

$$\text{شعاع} \times \pi \times \text{شعاع}$$

$$\pi \times \text{شعاع} \times \text{شعاع}$$

$$\pi \times \text{مربع شعاع}$$

پس:

$$\pi \times \text{مربع شعاع} = \text{مساحت دایره}$$

تمرین: محیط دایره را به ۲۰۰ قسمت مساوی تقسیم کنید و مساحت
دایره را حساب کنید.

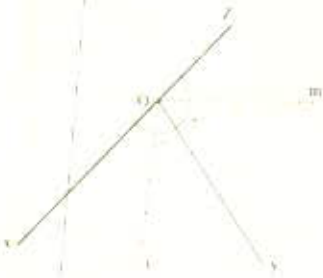
جلسه سوم: دو خط عمود بر هم

دو خط عمود بر هم را کشید و دو خط غیر عمود بر هم
(شکل ۱) و دو خط عمود بر هم را کشید.

به کودکان کمک بچه‌ها تعریف و یاد آوری کردند و روی تخته نوشتند
دو خط را بر هم عمود گویند، اگر گاه هم دیگر را قطع کنند و
زاویه بین آن‌ها ۹۰ درجه باشد.
پس اضافه کرد: موازی‌های زیر در هندسه، به کمک تعریف
مربوط به می‌شوند:
تعامل: عمود، نصف پاره خط، تقاطع، میانه نقطه از خط،
عمود و میل. اگر دو خط متقاطع عمود بر هم باشند، است به هم
میل. پس می‌توانیم بگوییم:
میل: عمود از بیرون خط (D) دو خط عمود و پس بر آن رسم
کرد.



بعد مثالی را روی تخته سیاه کشید و آن بچه‌ها جواب دادند
دور خود بکشید و ارتفاع را بر این‌ها A، B و C آن را رسم کنید.



$$\angle 1 = \frac{1}{2} xoy \quad (1)$$

$$\angle 2 = \frac{1}{2} yoz \quad (2)$$

اگر ضریفین رابطه های (۱) و (۲) را جمع کنیم، خواهیم داشت:

$$\angle 1 + \angle 2 = \frac{1}{2} xoy + \frac{1}{2} yoz$$

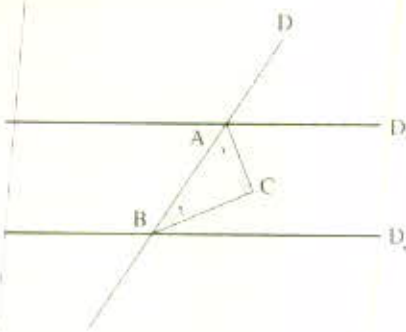
طبق قانون توزیع پذیری داریم:

$$\angle 1 + \angle 2 = \frac{1}{2} (xoy + yoz)$$

$$\angle 1 + \angle 2 = \frac{1}{2} \times 180^\circ = 90^\circ$$

مثال ۲:

شکل زیر را روی تخته سیاه کشید و ادامه داد: در اینجا دو خط موازی و یک خط مورب نسبت به آن‌ها رسم شده است. نیمسازهای زاویه های D, AB و ABD را هم کشیده ایم. C هم نقطه تلاقی آن‌هاست، چرا $\angle C = 90^\circ$ ؟

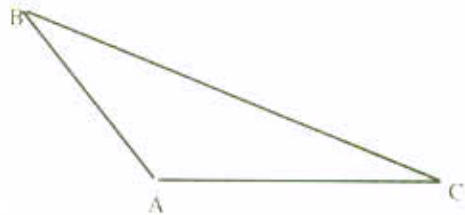


حل:

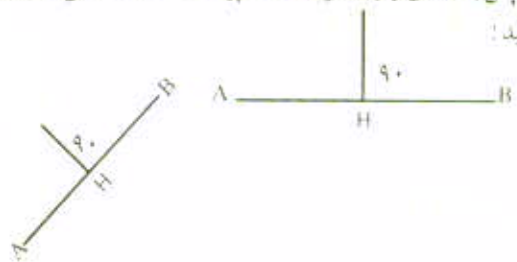
قبلاً خوانده اید که دو زاویه D, AB و ABD که بین دو خط موازی و در یک طرف خط مورب قرار دارند، متقابل داخلی خوانده می شوند و مجموع آن‌ها برابر 180° است و چون نیمسازهای این دو زاویه را رسم کنیم، خواهیم داشت:

$$\angle 1 = \frac{1}{2} D, AB \quad (1)$$

$$\angle 2 = \frac{1}{2} ABD \quad (2)$$



این کار توسط بچه ها انجام شد و روی تخته نیز نشان داده شد. دیر سپس به معنای واژه عمود منصف پرداخت. ابتدا شکل های زیر را کشید:



آن گاه نتیجه گرفت که همیشه عمود منصف در ارتباط با یک پاره خط مطرح می شود.



سپس از بچه ها خواست عمود منصف های سه ضلع مثلث ABC در شکل (۱) را رسم کنند و ادامه داد:

در هندسه هر جا بخواهیم ثابت کنیم دو خط بر هم عمودند (یا متعامدند)، باید ثابت کنیم زاویه بین آن‌ها 90° درجه است.

بعد به حل و بحث دو مثال زیر پرداخت.

مثال ۱: ثابت کنید نیمسازهای دو زاویه داخلی و خارجی بر هم عمودند.

حل: ابتدا شکل زیر را روی تخته سیاه کشید و گفت:



همان طور که خوانده اید، دو زاویه xoy و yoz نسبت به هم داخلی و خارجی هستند. oy یک ضلع زاویه خارجی است و ضلع دیگرش از امتداد دادن ox به دست آمده است. قبلاً خوانده اید که: مجموع دو زاویه داخلی و خارجی برابر 180° درجه است، یعنی $\angle xoy + \angle yoz = 180^\circ$ آن گاه نیمسازها را رسم کرد و نوشت:

طرفین دو رابطه (۱) و (۲) را با هم جمع می‌کنیم:

$$\angle 1 + \angle 2 = \frac{1}{2}(D, AB + ABD)$$

$$\angle 1 + \angle 2 = \frac{1}{2} \times 180^\circ = 90^\circ$$

چون مجموع زاویه‌های داخلی مثلث برابر 180° است، وقتی $\angle 1 + \angle 2 = 90^\circ$ باشد، زاویه C نیز برابر 90° درجه می‌شود و حکم ثابت است.

جلسه چهارم، کلاسی دیگر، اعداد اول

معلم ابتدا با کمک دانش آموزان مفاهیم مهم زیر را یادآوری کرد:

۱. مجموعه اعداد زوج، فرد و طبیعی:

$$E = \{2, 4, 6, 8, \dots\} = \text{مجموعه اعداد زوج}$$

$$O = \{1, 3, 5, 7, \dots\} = \text{مجموعه اعداد فرد}$$

$$N = \{1, 2, 3, 4, 5, \dots\} = \text{مجموعه اعداد طبیعی}$$

۲. قانون بخش پذیری بر ۲، ۳، ۴، ۵ و ۹

۳. مفهوم مقسوم علیه را به کمک تقسیم‌های زیر

$$\begin{array}{r} 18 \div 9 = 2 \\ 15 \div 3 = 5 \\ 12 \div 4 = 3 \\ 6 \div 3 = 2 \end{array}$$

۴. امتحان تقسیم

معلم سپس برای تقسیم‌های فوق تساوی‌های زیر را نوشت:

$$6 = 2 \times 3 \quad 12 = 3 \times 4 \quad 15 = 5 \times 3$$

و اضافه کرد:

«در تساوی $15 = 5 \times 3$ می‌گوییم:

عدد ۳ یک مقسوم علیه ۱۵ است؛

عدد ۵ نیز یک مقسوم علیه دیگر ۱۵ است؛

دو عدد ۳ و ۵ مقسوم علیه‌های متمایز ۱۵ هستند.

وقتی می‌گوییم ۳ و ۵ متمایزند، یعنی $3 \neq 5$

بعد به دو مطلب زیر اشاره کرد:

$$1 \mid 15 \quad 15 \div 1 = 15$$

۱. ۱ مقسوم علیه هر عدد است؛

$$15 \mid 15 \quad 15 \div 15 = 1$$

۲. هر عدد مقسوم علیه خودش است؛

سؤال. حالا بگویید عدد ۱۵ دارای چند مقسوم علیه متمایز است؟

جواب. چهار تا: ۱، ۳، ۵ و ۱۵.

اعداد اول

معلم کارت‌های بسیاری را که روی هر کدام اعدادی نوشته

شده بود، از کیف خود بیرون آورد و بین بچه‌ها توزیع کرد:

$$\begin{array}{c} 21, 23, 27 \\ 2, 3, 5, 7 \\ 11, 13, 17, 19 \\ 23, 29 \end{array}$$

از هر رنگ کارت دو عدد وجود داشت. دانش آموزان در دو

ستون ۱۵ تفری نشسته بودند و دبیر به هر ستون، از هر کارت یک

عدد داد و گفت روی این کارت‌ها عددهای اول نوشته شده است.

روی این عددها کاملاً توجه کنید. بعد از ۵ دقیقه سؤالاتی را مطرح

می‌کنم. ۵ دقیقه که تمام شد، گفت: «آیا همه اعداد اول فرد هستند؟»

یکی از دانش آموزان گفت: «روی کارت من عدد ۲ وجود دارد»

که اول است، اما فرد نیست.

«بله درست است. عدد ۲ تنها عدد زوج اول است»

سپس از دانش آموزانی که کارت سفید داشتند، خواست عددهای

روی کارت را بخوانند و او روی تخته سیاه بنویسد. نوشت:

$$2, 3, 5, 7$$

بعد گفت: «این‌ها اعداد اول یک رقمی

هستند که عدد زوج ۲ هم در میان آن‌هاست. حالا ببینم فرق این‌ها

با عددهای ۱۲، ۱۵ و ۱۸ که قبلاً بررسی

کردیم چیست؟ (هنوز تقسیم‌های بالای صفحه ۱۲ روی تخته سیاه

بود).

«حالا برای هر یک از عددهای اول یک

رقمی نیز تقسیمی مثل آن تقسیم‌ها بنویسید»

یکی گفت:

$$7 \mid 7 = 1$$

دبیر گفت: «این‌ها تقسیم‌های $18 \div 3 = 6$ و $12 \div 3 = 4$ فرق دارند.

شما، خود عدد ۲ را بنویسید. حالا گوش کنید. تقسیمی بنویسید

که مقسوم علیه آن یک یا خود عدد باشد؟»

باز بچه‌ها مشغول شدند. بعد از مدتی کلاس و دبیر به این نتیجه

رسیدند که:

برای عددهای ۲، ۳، ۵ و ۷ مقسوم علیه‌های غیر از یک و خود

آن‌ها وجود ندارد.

$$\begin{array}{c} 5 \mid 5 = 1 \\ 7 \mid 7 = 1 \\ 11 \mid 11 = 1 \\ 13 \mid 13 = 1 \\ 17 \mid 17 = 1 \\ 19 \mid 19 = 1 \end{array}$$

اعداد روی کارت‌های صورتی هم همین طور بود. اما این‌ها

دورقمی هستند و بین ۱۰ و ۲۰ قرار دارند.

$$\begin{array}{c} 11 \mid 11 = 1 \\ 13 \mid 13 = 1 \\ 17 \mid 17 = 1 \\ 19 \mid 19 = 1 \end{array}$$

همان طور که گفتیم هر یک از عددهای روی این ۱۵ کارت عدد

$$\begin{array}{r} 101 \overline{) 11} \\ 9 \\ \hline 2 \text{ مانده} \end{array}$$

چون خارج قسمت (یعنی ۹) کوچک تر از مقسوم علیه (یعنی ۱۱) است و مانده نیز صفر نشده است، حکم می کنیم که عدد ۱۰۱ اول است. و این دستور العمل تعیین اول بودن یک عدد است.

حالا عددهای روی کارت ها را به ترتیب در دفترتان یادداشت کنید و تعیین کنید که آیا عددهای ۷۲۱ و ۹۳۷ اول هستند یا نه؟

نتیجه این بحث

اکنون که به پایان این بحث رسیدیم لازم است شیوه تدریس ریاضی در مدارس انگلستان را با شیوه تدریس در مدارس خودمان مقایسه کنیم.

در تدریس های فوق نکات زیر قابل تأمل است:

۱. درس کاملاً با شکل و شهود ارائه می شود.
۲. دانش آموزان کلاس در یادگیری شرکت می کنند.
۳. دبیر از ارائه تعریف های سریع و قسالبی پرهیز می کند و اجازه می دهد مفاهیم جدید توسط خود دانش آموزان کشف شوند.
۴. هر جا معلم به مطلبی از درس گذشته برمی خورد، اگر چه درس روز قبل باشد، درباره آن توضیح مختصری می دهد.
۵. برخلاف سنت تدریس خودمان، «با مطلبی مطرح نمی شود، یا اگر مطرح شد، کامل و تمام ارائه می شود».
۶. در تدریس مطالب جدید، از طرح همه آریزه کاری ها خودداری می کنند و قسمتی از آن ها را برای ترم بعد می گذارند. همچنین وسط تدریس خطوط موازی، موضوع خطوط عمود بر هم را مطرح می کنند و آن ها را به صورت مخلوط ارائه می دهند و معتقدند که این شیوه تنوع بیش تری دارد.
۷. سعی بر این است که مفاهیم اولیه و مقدماتی که پایه و اساس ریاضی را تشکیل می دهند، برای دانش آموزان کاملاً مشهود و ملموس شوند.

اگر دبیری در کشور خودمان بخواهد این مطلب را تدریس کند، با توجه به این پیش فرض که بچه ها مطالب را قبلاً کم و بیش خوانده اند و موضوع ساده و پیش پا افتاده است و این که مطالب مهم تری در پیش است، و نیز دغدغه تدریس $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{3}$ مطالب کتاب برای ثلث اول، مطالب فوق را در یک جلسه و یا چند تعریف، سریع تمام می کند.

تعریف ۱: دو نیم خط که نقطه شروع مشترکی داشته باشند، یک زاویه را تشکیل می دهند.

تعریف ۲: نیمساز خطی است که از رأس زاویه می گذرد و آن را نصف می کند.

اول است و همه کارت ها شامل عددهای اول بین ۱ تا ۵۰ هستند.

به اعداد اول گاهی عامل های اول هم می گویند.

فکر کنید و عبارتی بگویید که تعریف عدد اول باشد.

کلاس به کمک معلم به تعریف زیر رسید:

هر عدد طبیعی بزرگ تر از یک اول است، هر گاه تنها بر خودش و یک بخش پذیر باشد.

سپس تقسیم های زیر را روی تخته میاه نوشت:

$$\begin{array}{r} 23 \overline{) 1} \\ 23 \\ \hline 0 \end{array} \quad \begin{array}{r} 23 \overline{) 23} \\ 23 \\ \hline 0 \end{array}$$

و تساوی تقسیم را کامل کرد:

$$23 = 1 \times 23$$

آن گاه تعریف نهایی زیر را ارائه داد:

هر عدد طبیعی بزرگ تر از یک اول است، هر گاه تنها دارای دو مقسوم علیه متمایز باشد.

سؤال:

آیا عدد ۱۰۱ عدد اول است؟

آیا عدد ۱۰۱ بر ۲ بخش پذیر است؟

نه!

بر ۳ چه طور؟

نه!

بر ۵ چه طور؟

نه!

بر ۷ چه طور؟

و نوشت:

$$\begin{array}{r} 101 \overline{) 7} \\ 31 \\ \hline 14 \\ 3 \text{ مانده} \end{array}$$

پس جواب در مورد ۷، هم منفی است!

بر ۱۱ چه طور؟

$$\begin{array}{r} 101 \overline{) 11} \\ 9 \\ \hline 2 \text{ مانده} \end{array}$$

باز جواب منفی است! در این جا معلم پس از مکثی کوتاه سؤال کرد: «آیا ۱۰۱ اول است؟»

بله! چون عدد ۱۰۱ را به ترتیب بر اعداد اول ۲، ۳، ۵، ۷...

تقسیم کردیم؛ مانده هیچ کدام از تقسیم ها صفر نبود. همین طور

ادامه دادیم تا جایی که خارج قسمت کوچک تر از مقسوم علیه شد و

باز هم مانده صفر نشد. در آخرین تقسیم، یعنی:

طرح یک مسأله‌ی ریاضی

حسین نوریانی*

طرح یک نمونه از مسائل مطرح شده در کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی که برای حل آن‌ها نظرهای متفاوتی وجود دارد

مسأله

دمای هوای استهبان ۴ درجه زیر صفر، دمای هوای اردبیل ۹ درجه زیر صفر است.

الف) هوای اردبیل چند درجه از هوای استهبان سردتر است؟

ب) دمای استهبان چند درجه از هوای اردبیل گرم‌تر است؟

پ) اختلاف دمای هوای دو شهر چند درجه است؟

در هر یک از سؤال‌های مطرح شده، اختلاف بین دمای دو شهر،

یعنی ۶ و ۹، مورد نظر است و پاسخ درست آن ۳ است. البته

نمود یک کد ۳ - ۳ باشد، چون هدف قدر مطلق جواب است.

یکی از اهداف در حل مسأله، رسم شکی نیست. توجه کنید



با توجه به شکل، اختلاف دمای دو شهر ۳ درجه است. روی

محور، استهبان مثبت است اردبیل است، یعنی ۳ درجه گرم‌تر و

اردبیل که مثبت چپ قرار دارد، ۳ درجه سردتر است.

در این کتاب، اختلاف دو عدد، از عمل تفریق هم استفاده

می‌شود. در این حالت از دو عدد ۹ و ۴، (۹) - (۴) = ۵

می‌توان استفاده کرد. این روش در کتاب معلم قبلی نیز آمده است و در حواص آن، علامت مثبت یا منفی نقشی ندارد.

$$\begin{array}{r} ۹ - ۴ = ۵ \\ ۹ - ۴ = ۵ \end{array}$$

این مطلب را با یک مثال روشن‌تر می‌کنیم.

مثال: احمد ۴ سال و حسین ۹ سال دارد. اگر از دانش‌آموزان

پرسید:

۱. احمد چند سال از حسین کم‌تر است؟

۲. حسین چند سال از احمد بزرگ‌تر است؟

۳. اختلاف سن احمد و حسین چند سال است؟

در همه حال پاسخ ۵ سال است. سن هر کودک ۴ یا ۹ سال

شماره اول از دمای هوای قدر مطلق جواب مشخص می‌دهد، بنابراین

باید به فکر بزرگ‌تر و کوچک‌تر بودن آن‌ها خواست که جمع جواب

نقشه را قوی‌تر کند.

یادآوری و تصحیح

مسأله‌ای در صفحه‌ی ۳۶ کتاب ریاضی پایه‌ی اول راهنمایی آمده

است. در صفحه‌ی ۹۶ رشد آموزش راهنمایی تخصصی، آمده‌ی

۳۷، غلط حل شده و بعضی از همکاران را دچار اشتباه پیشرفت و



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط اشتراک



به ازای هر عنوان مجله درخواستی، واریز مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۱ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک الزامی است.

• مجله درخواستی:

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد: • تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

کوچه:

پلاک: • کدپستی:

• مبلغ واریز شده:

• شماره و تاریخ رسید بانکی:

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

نشانی اینترنتی: www.roshdmag.org

پست الکترونیک: info@roshdmag.org

تلفن امور مشترکین: ۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۳۳۶۶۵۶

- لطفاً مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. (هزینه برگشت مجله در صورت کامل نبودن نشانی، به عهده مشترک است).
- ارسال اصل رسید بانکی ضروری است.
- مبنای شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست است.
- برای هر عنوان مجله، فرم جداگانه تکمیل شود (تصویر فرم نیز مورد قبول است).

تردید کرده است. در این رابطه وظیفه خود دیدم، آن را با مثال و توضیح کافی حل کنم و از دفتر مجله نیز درخواست می کنم که این نوشته را چاپ کند.

مسأله: احمد و حسین برنامه ای مرتب برای ورزش دارند. احمد هر ۴ روز یک بار به زمین ورزش می رود و حسین هر ۶ روز یک بار. آن ها این برنامه را از روز ۳۱ شهریورماه شروع کرده اند (یعنی اولین روز ورزش آن ها ۳۱ شهریورماه است). تعیین کنید که آن ها در چه روزهایی از مهرماه، یکدیگر را در زمین ورزش ملاقات می کنند.

به حل مسأله با مثال و توضیح کافی توجه کنید:

من و آقای ۸ امرو (شنبه) با هم هستیم. با هم وعده می کنیم که پنج روز دیگر، همین جا همدیگر را ملاقات کنیم. شمارش روزها از روز یکشنبه آغاز می شود، نه شنبه. اولین روز بعد از ملاقات اول، یکشنبه است. روز دوم دوشنبه، سوم سه شنبه، چهارم چهارشنبه و پنجم پنجشنبه است. جواب این وعده و ملاقات، پنجمین روز، یعنی پنجشنبه است.

بنابراین برای تعیین روزهای ملاقات احمد و حسین در میدان ورزش، ۳۱ شهریور به حساب نمی آید. در واقع ۳۱ شهریور نقش روز صفر را دارد. (صفر هم مضرب ۴ و هم مضرب ۶ است). چون مضرب عددهای طبیعی را می نویسیم از صفر صرف نظر می کنیم. روزهایی از مهرماه که احمد به میدان ورزش می رود:

۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸

روزهایی از مهرماه که حسین به میدان ورزش می رود:

۶، ۱۲، ۱۸، ۲۴، ۳۰

روش دیگر

$$|9-6| = 3 \Rightarrow 3 \times 6 = 18 \Rightarrow 18 \div 6 = 3$$

۱۲ مهر اولین ملاقات بعد از ۳۱ شهریور است.

و ۲۴ مهر دومین ملاقات است.

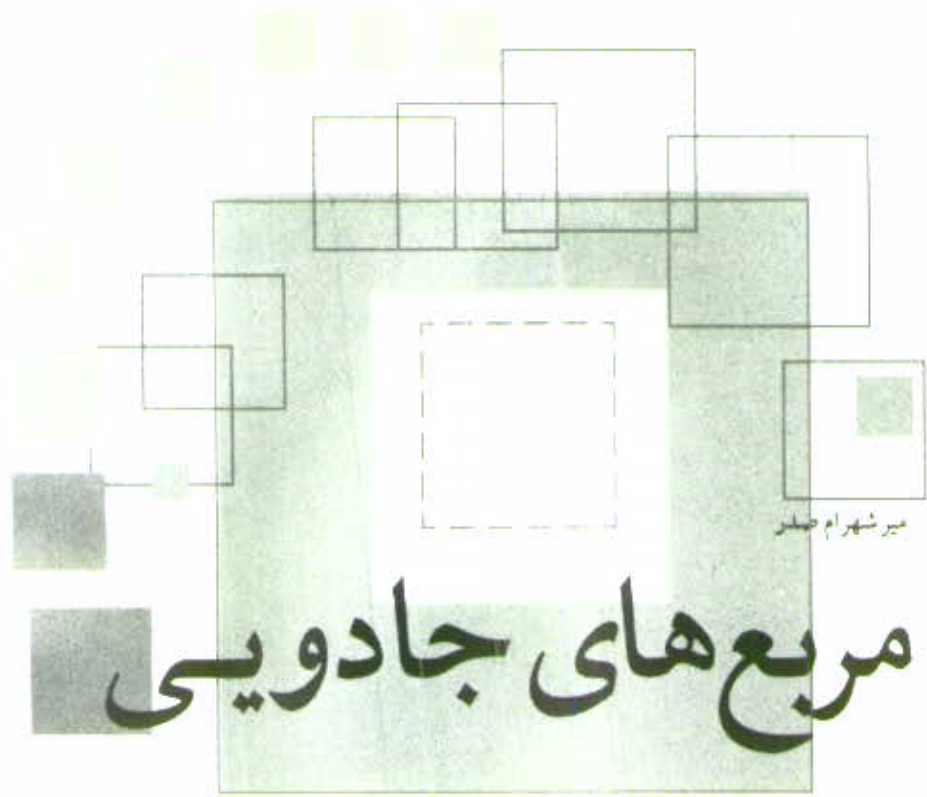
$$12 \times 2 = 24$$

بنابراین، احمد و حسین در روزهای ۱۲ و ۲۴ مهرماه همدیگر را در میدان ورزش ملاقات می کنند. حل این تمرین در ارتباط با مضرب های مشترک دو عدد است که البته در این جا دو عدد کم تر از ۳۰ هستند.

در شماره ی ۳۷ مجله ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، جواب ها ۱۱ و ۲۳ مهر آمده که نادرست است.

فرهنگ نویس

• دبیر و عضو گروه ریاضی دوره راهنمایی استان اصفهان.



مربع‌های جادویی

ما دقت به اعدادی که روی سطرها، ستون‌ها و قطر اصلی و فرعی این مربع وجود دارند، ملاحظه می‌کنیم که مجموع آن‌ها برابر ۱۵ است. آیا راستگی یا رمزی بین این اعداد وجود دارد؟ آیا این اعداد ویژگی‌های خاصی دارند؟ با کمی دقت، ملاحظه می‌کنیم که عدد وسط جدول یعنی ۵، یک سوم عدد ۱۵ است. آیا شصت و بیگی دیگری را می‌بینید؟ اگر به هر عدد این جدول دو واحد اضافه کنیم، به ۷، یک مربع جادویی به صورت زیر به دست می‌آید که مجموع عددهای روی سطرها، ستون‌ها و قطرهای آن برابر ۲۱ است.

۶	۱۱	۴
۵	۷	۹
۱۰	۳	۸

در این مربع نیز عدد وسط جدول، یعنی ۷، یک سوم عدد ۲۱ است و مجموع عددهای سطرها، ستون‌ها و قطرهای مضرب عدد ۳ هستند. یعنی در مربع جادویی، همواره عددی که از مجموع عددهای سطرها یا ستون‌ها یا قطرها به دست می‌آید، بر ۳ بخش پذیر است. چنانچه هر عدد دلخواه دیگری را با اعداد مربع جادویی امپراتور یو جمع یا تفریق کنیم، یک مربع جادویی دیگر به دست می‌آید. این کار را برای چند عدد متفاوت امتحان کنید. اگر همه‌ی اعداد مربع جادویی را از اعدادی ثابت بشماریم، مربع جادویی دیگری حاصل می‌شود.

بر اساس یک افسانه‌ی قدیمی، روزی یو امپراتور چس در رودخانه‌ای مشغول آب‌تنی بود. ناگهان لاک‌پشت عجیبی توجه او را جلب کرد که روی لاکش یک مربع 3×3 با اعداد خاصی نوشته شده بود. این مربع چه معنایی داشت؟ آیا مربع و اعدادش برای امپراتور، خوش‌اقبالی به ارمغان می‌آورد؟ وقتی امپراتور اعداد جدول را به صورت سطر-ستونی یا قطری (فرعی و اصلی) جمع کرد، در هر صورت به عدد ۱۵ رسید. به همین خاطر تصور کرد که این مربع حتماً قدرتی جادویی دارد و به رو به رو شدن با آن را مبارک دانست. سپس دستور داد که چنین مربعی را همه جارسم کنند. بدین ترتیب بود که مربع‌های جادویی میان مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند. از آن زمان تا روزگار کنونی، این گونه مربع‌ها مورد توجه مردم قرار گرفته‌اند و بعضی‌ها به دنبال روشی برای ساختن نمونه‌های دیگری از آن‌ها برآمده‌اند. مربع جادویی که امپراتوری یو روی پشت لاک‌پشت دیده بود، به صورت زیر است:

۴	۹	۲	→ ۱۵
۳	۵	۷	→ ۱۵
۸	۱	۶	→ ۱۵
۱۵	↓	↓	← ۱۵
	۱۵	۱۵	۱۵



اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان مربع‌های جادویی دیگری ساخت؟ متخصصان بازی با حروف و اعداد در شاخه‌ی ریاضیات تفریحی، در این زمینه تلاش‌های فراوان کرده‌اند. در زیر به دو نمونه‌ی کلی از مربع‌های جادویی اشاره می‌کنیم:

۱. برای سه عدد حقیقی a و b و c می‌توان مربعی جادویی به صورت زیر نوشت:

$a+b$	$a-b-c$	$a+c$
$a-b+c$	a	$a+b-c$
$a-c$	$a+b+c$	$a-b$

مربع جادویی ۱

همان‌طور که می‌بینید، مجموع عددهای سطرها، ستون‌ها و قطر‌ها در این مربع جادویی برابر با $3a$ و عدد وسط جدول، یعنی a ، یک سوم $3a$ است.

در صورتی که تاریخ تولد شخصی به صورت $a/b/c$ باشد، یعنی در روز c ماه b سال a متولد شده باشد، با توجه به جدول مربع جادویی ۱، می‌توان یک مربع جادویی متناظر با تاریخ تولد آن شخص نوشت.

برای مثال، فرض کنید تاریخ تولد دختری به نام سوگند، $81/11/29$ باشد، بنابراین به ازای $a=81$ و $b=11$ و $c=29$ می‌توان مربع جادویی زیر را متناظر با تاریخ تولد سوگند نوشت:

$81+11$	$81-11-29$	$81+29$
$81-11+29$	81	$81+11-29$
$81-29$	$81+11+29$	$81-11$

با انجام عملیات جدول بالا خواهیم داشت:

92	41	110
99	81	63
52	121	70

حاصل جمع عددهای سطرها، ستون‌ها و قطر‌های مربع جادویی

سوگند، برابر با 243 است که 243 مضرب 3 و عدد وسط جدول، یعنی 81 ، یک سوم عدد 243 است.

اکنون شما با داشتن مربع جادویی ۱ و تاریخ تولد هر شخص دیگری، می‌توانید یک مربع جادویی بنویسید.

۲. برای سه عدد حقیقی a و b و c ، مربع جادویی دیگری نیز به صورت زیر می‌توان نوشت:

$2a+b+c$	c	$a+2b+c$
$2b+c$	$a+b+c$	$c+2a$
$a+c$	$2a+2b+c$	$b+c$

(مربع جادویی ۲)

چنانچه ملاحظه می‌کنید، مجموع عددهای سطرها، ستون‌ها و قطر‌ها در این مربع برابر با $3(a+b+c)$ و عدد وسط جدول یعنی $(a+b+c)$ یک سوم آن است.

آیا شما نیز می‌توانید مربع‌های جادویی 3×3 دیگری در حالت کلی بنویسید؟

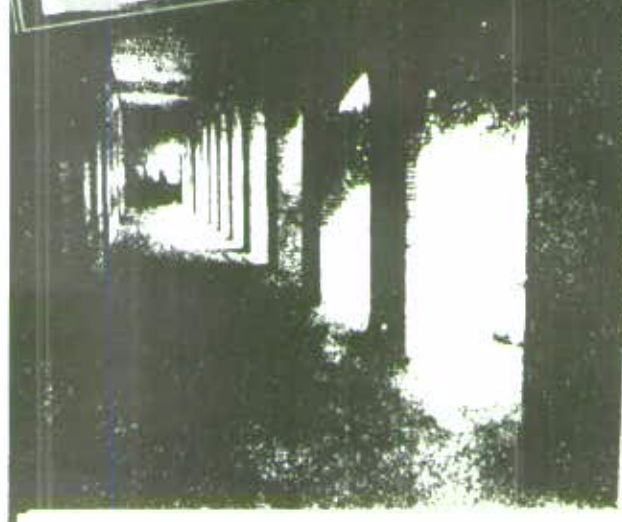
در زیر نمونه‌ای از مربع‌های جادویی 4×4 را آورده‌ایم.

۱۶	۳	۲	۱۳
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

آیا این مربع جادویی ویژگی خاصی دارد؟
آیا می‌توانید مانند مربع‌های جادویی 3×3 ، یک مربع جادویی 4×4 در حالت کلی بنویسید؟

فرهنگ شهرهای ایران را بشناسیم (۴)

بوشهر



گیرشمن فراسوی در پژوهش های خود راه ده است که «ایام گیل» (حاجت‌آباد اسکندر مقدونی) ۹۱ شهر در ساحل جنوبی فارس است و در آن حمله است، الطاقیه در پارس است و شهر امروزی که حاجت‌آباد شهری اعلامی شد.

در کتاب تاریخی اردشیر بابکان نیز آمده است که بوشهر اردشیر بابکان به این اسم نامیده است. «چونش دریا به چشم دیده» (اردشیر بابکان به زبان سپاسداری انگردد و بدان حدود سرزمین بوشهر اردشیر شهری که آزادی یافت است) نام نهاد.

ناگفته نماند که بوشهر قدیم به واسطه‌ی حدود ۱۰ کیلومتر و بوشهر کنونی واقع بوده و ریزه اردشیر و ریشهر نام داشته است.

در قرن جدید، بوشهر با فرمان نادرشاه افشار اهمیت یافت و برای مقابله با تیر و های مهاجم خارجی، در این شهر کارخانه‌ی کشتی سازی بنا کرد تا نیروی دریایی خود را تجهیز کند؛ اقدامی که تا مرگ نادر باقی ماند. اما در تحولات دو قرن اخیر، بوشهر نقش ویژه‌ای پیدا کرد. این شهر در اواخر عهد قاجار شاهد دو واقعه، یکی سیاسی و دیگری فرهنگی، بود که هر دو تأثیری تعیین کننده بر تاریخ و فرهنگ این منطقه گذاشتند و بر تاریخ و فرهنگ کل ایران نیز بی تأثیر نبودند. واقعه‌ی سیاسی، قیام تنگستانی‌ها، به قیادت رئیس علی دلواری، در مقابل اشغالگران انگلیسی بود که در اولین جنگ اول جهانی به وقوع پیوست و واقعه‌ی فرهنگی، که سال‌ها پیش از قیام تنگستانی‌ها روی داده، تأسیس مدرسه‌ی سعادت به در اولی بنا مقاومت و سلحشوری و دفاع از کینان دین و وطن را در

اشاره

در تنظیم این مقاله، علاوه بر استفاده از مطالب ارزشمندی آقای دکتر عبدالکریم مشایخی، رئیس محترم بنیاد ایران‌شناسی شعبه‌ی بوشهر، که جا دارد همین‌جا از ایشان تشکر کنیم، از منابع زیر نیز استفاده شده است:

۱. نگاهی به تاریخچه‌ی مدرسه‌ی سعادت - احمد دشتی، بوشهر، ۱۳۷۸.
۲. مدرسه‌ی سعادت بوشهر از چند زاویه، گردآوری و تدوین عبدالکریم مشایخی، بوشهر، ۱۳۷۸.
۳. آیت الله سید عبدالله مجتهدیلادی از نگاه اسناد و تصاویر، به کوشش عبدالکریم مشایخی (۱۳۸۲).
۴. فرهنگ‌نامه‌ی بوشهر، دکتر سیدجعفر حمیدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

رشد

بوشهر و مناطق پیرامون آن، یکی از خاستگاه‌های تمدن ایران باستان است و قدمت آن به زمان‌های باستانی بازمی‌گردد و در اغلب ده‌دهی تاریخی محل عبور بندر و سجد و اسلام بوده است. رومان

مردم این منطقه را ور کرد و دومی، یعنی مدرسه‌ی سعادت، به پندایش علم و آگاهی و رشد فرهنگ انجامید و توانست تا به امروز ده‌ها و بلکه صدها چهره‌ی برجسته‌ی علمی و فرهنگی فرهیخته در زمینه‌های گوناگون پرورش دهد و بوشهر را به تدریج به یک «فرهنگ‌شهر» تبدیل کند. لازم به ذکر است که به کوشش مدیر لایق و فعلی دبیرستان سعادت، آقای «پوری»، در طبقه سوم ساختمان نوساز این مدرسه موزه‌ای تأسیس شده که تاریخ یکصدساله‌ی مدرسه را در خود جای داده است.

در ادامه با تعدادی از چهره‌های برجسته‌ی این شهرستان آشنا



می‌شویم.

احمدخان دریابیگی، مؤسس مدرسه‌ی سعادت

از دانش‌آموختگان مدرسه‌ی دارالفنون تهران بود و در رشته‌ی مهندسی و فن نظام فارغ‌التحصیل شده بود. وی در سال ۱۳۱۴ قمری ده سال قبل از تأسیس مشروطیت در ایران -از طرف حکومت مرکزی به حکمرانی بنادر جنوب که مرکز آن‌ها بوشهر بود منصوب شد. اقدام فرهنگی مهم او تأسیس مدرسه‌ی سعادت در بوشهر بود. این مدرسه که اکنون بیش از ۱۱۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد و منشأ خدمات فرهنگی و تربیتی بسیاری بوده، بازسازی شده و همچنان دایر است. احمدخان دریابیگی در سال ۱۳۳۹ قمری برابر با سال ۱۲۹۸ شمسی در خرمشهر درگذشت.

شیخ محمدحسین سعادت، اولین مدیر مدرسه‌ی سعادت

در سال ۱۲۸۲ قمری در



نجف اشرف متولد شد. پدران او اصلاً اهل شبانکاره از شهرهای استان بوشهر و اغلب مردانی با دیانت، خدمتگزار و روحانی بودند. شیخ محمدحسین پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی علوم دینی در نجف، به شیراز آمد و در مدرسه‌ای در مجاورت بقعه‌ی حضرت سیدمیر محمد به تحصیل و تدریس مشغول شد. چند سال

بعد به تهران رفت و چنان‌که گفته‌اند، در دارالفنون به تدریس پرداخت. هنگامی که احمدخان دریابیگی مدرسه‌ی سعادت را تأسیس کرد، از تهران خواست برای او معلمی یا سواد بفرستد. وزیر علوم وقت، شیخ محمدحسین را که خود از اهالی منطقه و واحد همه‌ی شرایط علمی بود به بوشهر اعزام کرد. محمدحسین در راه بوشهر، برادر خود شیخ عبدالکریم سعادت را نیز که در شیراز بود، با خود همراه کرد و هر دو به بوشهر آمدند. در سال ۱۳۱۷ (زمان مظفرالدین‌شاه) برادر بزرگ‌تر مدیریت و برادر دیگر معاونت یا نظامات مدرسه را بر عهده گرفتند. محمدحسین بعدها به نمایندگی مردم لارستان در مجلس شورای ملی انتخاب شد، سپس به ریاست مدرسه‌ی شعاغیه‌ی شیراز رسید و سرانجام در سال ۱۳۱۴ شمسی در شیراز بدرود حیات گفت.

صادق چوبک، نویسنده

در سال ۱۲۹۵ شمسی در



بوشهر متولد شد. در مدرسه‌ی سعادت تحصیل کرد و سپس در تهران از کالج آمریکایی (دبیرستان الیور کنولی) دیپلم ادبی گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. چوبک در سال ۱۳۲۴ ش مجموعه داستان «خیمه‌شب‌بازی» و در سال ۱۳۲۸ داستان «انتری که لوطی‌اش مرده بود» را به چاپ رساند. وی

بعداً به استخدام شرکت نفت درآمد و در سال ۱۳۳۸ داستان بلند «تنگسیر» را نوشت. آثار دیگر او عبارتند از: روز اول قبر، چراغ آخر، سنگ صبور و مهپاره. مهپاره ترجمه‌ی یک قصه‌ی هندی است. صادق چوبک در سال ۱۳۷۷ درگذشت.

سید محمدحسن نبوی، چهره‌ی فرهنگی و انقلابی

در سال ۱۳۰۳ شمسی در روستای چاوشی بوشهر متولد شد.



در مدرسه‌ی سعادت تحصیل کرد و سپس به نجف رفت. پس از پنج سال تحصیل در زمینه‌ی ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول، به ایران بازگشت و در قم به تحصیل خود ادامه داد و حجت الاسلام شد. سپس به دانشکده‌ی الهیات تهران (معقول و منقول) رفت و مدرک کارشناسی گرفت. بعد از آن، به بوشهر آمد و در مدرسه‌های این شهر



به تدریس پرداخت پس از انقلاب اسلامی. وی به مدیریت علمی آموزش و پرورش بو شهر رسید و در همین سال به نمایندگی مجلس خبرگان به انتخاب شد. در سال ۱۳۶۰ به بعد پس از فاجعه‌ی هفتم تیرا به عنوان نماینده‌ی مردم بو شهر و گناوه در مجلس شورای اسلامی سه دوره خدمت کرد. وی در سال‌های آخر عمر ریاست امریکا بو شهر شناسی را بر عهده داشت. حجة الاسلام نبوی در سال درگذشت.

منوچهر آتشی،
شاعر و نویسنده
در سال
۱۳۱۰ شمسی.



رئیس علمی شورای فرهنگی شهرستان سیسده نقش ارزنده‌ای در این مبارزات ایفا کرد. سید عبدالله به تحف می‌باشد. در ده سالگی به شهر آمد و در ۱۲ سالگی در همین شهر با پدرش به عقد رسید. سید جمال الدین اسدآبادی که در هفتاد و نه سالگی به بو شهر آمد و در چندین سال در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۰ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۰ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.

سید عبدالله به تحف می‌باشد. در ده سالگی به شهر آمد و در ۱۲ سالگی در همین شهر با پدرش به عقد رسید. سید جمال الدین اسدآبادی که در هفتاد و نه سالگی به بو شهر آمد و در چندین سال در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۰ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.

انگلیسی و طراح تیرا و از او به تدریس می‌باشد. به تدریس علمی شورای و عدای دیگر. میزان آن چنان بود که در آنجا به تدریس می‌باشد. به تدریس علمی شورای و عدای دیگر. میزان آن چنان بود که در آنجا به تدریس می‌باشد. به تدریس علمی شورای و عدای دیگر. میزان آن چنان بود که در آنجا به تدریس می‌باشد.

عبدالحسین شریقیان، مترجم
در سال ۱۳۰۵ در بو شهر متولد شد. پدرش باخان بود. وی در ده سالگی به بو شهر آمد و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.

تقریباً در همین امر باعث شد که در ده سالگی به بو شهر آمد و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.

مترجم از آثار و محققان علمی. چهاردهم از مجموعه‌ی «در باره‌ی بو شهر» و از او در سال ۱۳۰۵ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.



سید عبدالله مجتهد بلادی، پیشوای روحانی از خانواده‌های بلادی است که در اصل از بحرین به ایران آمده‌اند و از میان آنان علمای مجتهدان و چهره‌های برجسته‌ای به حساب می‌آید. سید عبدالله مجتهد بلادی هم‌زمان به تدریس و تحقیق پرداخت.



در ده سالگی به بو شهر آمد و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی به بو شهر رسید و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت.

مؤام)، «آفره‌ی ماه» (از جک لندن)، «حیران خام» (از داستایووسکی)، «دمیان» (از هرمان هسه)، «ایزابل» (از آندره ژید)، و «دوست مشترک ما» (از چارلز دیکنز).

محمدحسین رکن زاده‌ی آدمیت، بازرگان، ادیب و نویسنده

محمدحسین رکن زاده‌ی آدمیت، فرزند رکن التجار شیرازی، در سال ۱۲۷۶ شمسی در یوشهر متولد شد. در مدرسه‌ی سعادت تحصیل کرد و زبان‌های انگلیسی و عربی را فرا گرفت. چندی در اهواز آموزگاری کرد و بعد به کار در تجارت خانه‌ای در یوشهر مشغول شد. آدمیت مردی علم‌دوست و روشنفروش بود. از این رو همواره در حال مطالعه و تحقیق بود. وی در سی سالگی به هندوستان رفت و پس از گشتی در این کشور پنهانور به تهران بازگشت و مقیم این شهر شد. در تهران چندی مدیریت روزنامه‌ی ایران آزاد را به عهده گرفت و در سال ۱۳۰۸ کتابخانه‌ی آدمیت را در تهران تأسیس کرد. وی که تجارت و تحصیل را با هم توأم کرده بود در سال ۱۳۳۳ به کتابخانه مجلس شورای ملی انتقال یافت و به نوشتن فهرست کتب خطی مشغول



شد و سرانجام در سال ۱۳۵۶، در سن ۸۰ سالگی درگذشت. تألیفات ارزنده‌ای از وی باقی است از آن جمله: دانشمندان و سخن سرایان فارس، در ۵ مجلد، دلیران تگستانی، اغلاط مشهوره، دیوان اشعار، فارس و جنگ بین الملل اول.

نجف دریابندری، نویسنده، مترجم

نجف دریابندری فرزند ناخدا خلف یوشهری، در سال ۱۳۰۸ در آبادان به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در این شهر به پایان رساند و به مدت پنج سال در شرکت نفت کار کرد و سپس به تهران آمد. در تهران به شرکت انتشارات فرانکلین پیوست و به عنوان مترجم مشغول کار شد.

دریابندری به سبب تسلط بر زبان انگلیسی و اشتیاق به مطالعه از مترجمان و نویسندگان معتبر، پرکار و فعال کشور به شمار می‌رود و چهره‌ای شناخته شده است. ده‌ها کتاب ترجمه و تعدادی نیز تألیف کرده است. از ترجمه‌های او: سرگذشت هاکلبری فین (مارک تواین)، قدرت (برتراند راسل)، تاریخ فلسفه‌ی غرب (برتراند راسل)، پیرمرد و دریا (ژانست همیگونی)، چنین کنند بزرگان (ویل کالین)، تاریخ سینما (آرتور نایت)، پیامبر و دیوانه (جبران خلیل جبران) و از تألیفات او: در عین حال، درد

بی‌خوابی، افسانه‌ی اسطوره و نیز کتاب مستطاب آشپزی (با همکاری همسرش فهیمه راستکار).



قاسم، یاخسینی؛ نویسنده و پژوهشگر

سید قاسم فرزند سیدهاشم، متولد ۱۳۴۴ در یوشهر است. وی از ۱۲ سالگی به مطالعه‌ی کتب تاریخی و تحقیقی علاقمند بوده و تاکنون علاوه بر مقالات بسیاری که در مطبوعات کشور انتشار داده کتاب‌هایی نیز تألیف کرده است. آثار او عبارات است از:

مقدمه‌ای بر کتاب عزاداری‌های نامشروع (نوشته علامه محسن امین)، پیشگامان مبارزه با بریتانیا در جنوب ایران، نگاهی به مبارزات و اندیشه‌های آیت الله سیدعبدالله بلادی، مجاهدین خلیق از درون، میرمشتا رویاروی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در





- زابر خضر خال، مسعود، بهرام، سلامه، مهنا، محمدعلی
- سیدمرتضی مجتهد اهرمی، احمد اهدی، ارواحی، حسین، حسین
- محمود نصرت

- علی باباجاهی، شاعر، معاصر
- سیدمحمد رضا مساوات، پیرزجانی، نورانی، نگار، غلام، علی، علی
- محمدباقر خان تلگشانی، علی، و مهدی زورنگی، کی، علی
- سیدمحمد مهدی جعفری، سیدمحمد، سیدمحمد، سیدمحمد، سیدمحمد
- انقلاب اسلامی، و استاد دانشگاه، استاد
- میرزا جعفر خان حقایق نگار، خورموجی، شاد، آقا، استاد
- تاریخ، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی
- دکتر سیدجعفر حمیدی، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد، استاد
- کتاب، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه، و کتابخانه
- علی دشتی، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد، و استاد



- حاج فاضل، تاریخ، مطبوعات، به شهر
- در پایان به انسانی شخصیت‌های دیگری که متعلق به شایع است
- آن‌ها در این مختصر نتوانیم اشاره‌ای می‌کنیم
- سید موسی ابیطحی (ارواحی و موسی) مدرسه‌ای هستند که
- خورموج
- حبیب احمدزاده، قصه‌نویس و محقق
- شیخ عبدالحسین اعظمی، ارواحی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی، علی

مدرسه سجاد پونه
۵۲

علل گرایش نوجوانان به مواد مخدر

رضا عبدالرحمانی قسمت دوم

نظریه کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی که ادامه فرایند جامعه پذیری است، مبنی بر این پیش فرض است که انسان اساساً گرایش به ناهنجاری دارد تا هموایی. کنترل اجتماعی سازوکاری است که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می برد. نظریه پردازان کنترل بر این باورند که مردم، در صورتی با هنجارها هموایی می کنند که جامعه قادر باشد رفتار افراد را کنترل کند و اگر چنین نباشد، هموایی بسیار اندکی به وجود خواهد آمد.

آن هادر پاسخ به این پرسش که: چرا همه کسانی که دچار تنش روانی می شوند و زیر فشار ساختار اجتماعی قرار می گیرند، دست به کجروی نمی زنند؟ توجه افراد را به چگونگی تضعیف کنترل های اجتماعی و تضعیف حفاظت کننده های درونی معطوف می دارند. تراویش هرشی چهار عنصر را در کنترل اجتماعی مؤثر می داند: علاقه (یا

معمولاً نظام نظارتی جامعه انجام برخی اعمال را انحرافی می داند و بر آن برچسب انحراف می زند، بدین ترتیب با زدن برچسب بیگانگی و انحراف به افراد، آن ها را به سوی انجام اعمال ناهنجار دیگر سوق می دهد. وقتی انحرافات شخص توسط خانواده، مدرسه، پلیس و دستگاه قضایی آشکار می شود، فرایندی رخ داده است که هارولد گارفینگل آن را مراسم بی آبرو کردن شخص می نامد. در این مراسم، شخص محکوم به عمل انحرافی را سرزنش و گاه مجازات می کنند و او مجبور می شود به برتری اخلاقی محکوم کنندگان خود اعتراف کند. از همه بدتر این که شخص برچسب بدکاره، کلاهبردار و معتاد می خورد و از آن پس با او متناسب با همان برچسب ها رفتار می شود. در نتیجه پس از مدتی، به دلیل شرایط نامناسب برای سازگاری مجدد وی با گروه های اجتماعی و آسیب دیدن ارتباطات اجتماعی او، برچسب های فوق پذیرفته می شوند و شخص به انحرافات بعدی خود ادامه می دهد.

ارتباط مهم با اشخاص معین)، تعهد (ایجاد تعهد در فرد نسبت به جامعه از طریق تحصیل، تشکیل خانواده، اشتغال و روابط دوستی)، گرفتاری و مشارکت (مشارکت در تصمیم گیری ها و مشغول داشتن فرد در جامعه) و بالاخره ایمان (تقویت ایمان و حس وفاداری به ارزش ها و هنجارهای جامعه در فرد).

هر کسی تعامل پایدار و دایم خاصه موافق هنجارها، قواعد اجتماعی را نشانه ای بر پیوستگی فرد با خانواده یا جامعه می داند. چنانچه تعامل فرزند با والدین یا دانش آموز با مدرسه به گونه ای باشد که فرد خود را فردی شایسته و دانش آموز خود را فردی ممتاز حس کند، بهل او به رعایت هنجارها پیش تر می شود. بک عمل خلاف، موافقت اخلاقی یا مزایای گسب نمیده را به خطر می اندازد.

عامل دیگری که به پیوند فرد با جامعه کمک می کند، بر گردن اوقات فراغت او یا فعالیت های مورد تأیید جامعه و گردش فرصت های دیگر او برای اقدام به فعالیت های خلاف هنجارهاست. کنترل اجتماعی که از طریق فشار اجتماعی کردن، تأثیر گروه های حسین و ثانویه، زور و دو شنبه افغان و اجبار صورت می گیرد، بر اساس شواهد مبنای و مکانی متفاوت است.

نظریه آلبرت کوهرن

کوهرن مشاهده کرد وقتی است که درباره آن وده های دارای اخلاقی حیوانی شهرهای بزرگ مطالعه کرده و از این طریق به نتایج مهمی چون: «در سرگسلاان پی برده است. او به تشریح تفاوت های جامعه استبداد و روان شایمان به مطالعه تجربی های خود، تا او نوجوانان ایدراخته و سعی کرده است علل اجتماعی و روانی حلی گرایش آن به پرهیزی را توضیح دهد. وی پرهیزی های پرهیزی سی را با پرهیزی های سرگسلاان یکسان نمی داند و بر این باور است که پرهیزی را ادامه پرهیزی جوانان نمی شناسد. او بر این باور است که حرایم جوانان و نوجوانان از سه جنبه تجربی بودن، توانمندی و جنبه جدی و حشم و نفی هنجارهای اجتماعی، با جدایم سرگسلاان متفاوت است. وی در خصوص غیرمادی بودن رفتار نوجوانان و سرگسلاان بر این باور است که اگر آن ها چیزی را می درند به نفس آن حس گری نمی خورند. آن ها می درند، مضرفه می درند و به آن وسیله خود را به آن وسیله می درند و به آن وسیله می درند و به آن وسیله می درند.

به همین خاطر دزدی برای آن ها، به معنی رسیدن به یک هدف و در نتیجه، رفتاری منطقی و سودمند است.

اما نوجوانان و جوانان این چنین نیستند، برای آن ها دزدی جدای از جنبه اقتصادی (سود و درآمد)، نشانه افتخار، مردانگی و به همین ترتیب حسیت نفس است. دزدی برای آن ها به معنی رسیدن به یک هدف و در نتیجه، رفتاری منطقی و سودمند است.

غلبه فعالیت های این گروه انسانی به گونه ای است که به هنجارهای جامعه متفاوت است. دلبستگی دانش و تحقیق، غلبه از مدرسه، حس و جوی لذت های لذت و هیجان نگیرد. شوق در فکر حضور و زمان بودن، به خود داری از استقلال گروهی و مقاومت در برابر فشارهای خانواده و مدرسه، راحت و بهنگی های بهنگی جوانان [نوجوانان] هستند.

۶. نتیجه گیری

درخصوص علل گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر، به وجه به مطالب یادشده و برخی عوامل روان شناختی، نظیر میزان حساسیت، عزت نفس، تنهایی و ابرار وجود، می توان به تأثیر این عوامل اشاره کرد.

الف) خانواده

خانواده اولین محیطی است که کودک قبل و بعد از تولد در آن جامعه پذیر می شود. خانواده به عنوان یکی از گروه های حمایتی بهترین در موارد زیر بر گرایش یا عدم گرایش فرزندان به مواد مخدر تأثیر می گذارد.

در امتداد آن چند مورد از اعضای خانواده والدین یا همسران آن به مواد مخدر:

- فقر مادی و فرهنگی خانواده و بهر عکس رفاه بیش از حد.
- شیوه والدین یا یکدیگر.
- فاصله مخرج میان سالی ها و علوم دین منطقی و آگاهانه و غیره.
- نامحبت گیری پیش از حد، بدرفتاری و ناهنجاری های خانوادگی.
- حسادت و انانیت.
- سرسخت و جنگمندی و بهر عکس فقر مادی و فرهنگی.

- اشتغال به کار هر دو یا یکی از والدین؛
- تعداد فرزندان و ترکیب سنی و جنسی آن‌ها؛
- فقدان یکی از والدین (مرگ، غیبت، طلاق)، به ویژه پدر؛
- جایگاه و منزلت اجتماعی خانواده؛
- میزان علقه و وابستگی نوجوان نسبت به خانواده؛
- میزان تحصیلات پدر و مادر.

ب) مدرسه

مدرسه نیز یکی از نخستین محیط‌های اجتماعی است که کودک بعد از خانواده وارد آن می‌شود و اهمیت مراعاتی در جامعه‌پذیری و نظارت اجتماعی دارد. وقتی مدرسه محلی برای تحصیل علم، گذراندن لذت بخش اوقات فراغت، جامعه‌پذیری و تقویت روابط عاطفی میان دانش‌آموز و معلمان باشد، جامعه‌پذیری راحت‌تر می‌شود و کنترل اجتماعی مشروطیت بیش‌تر می‌یابد. روابط گرم و صمیمانه میان معلم و دانش‌آموز، آگاهی معلم از وضعیت زندگی خصوصی دانش‌آموز و ارتباط او با والدین دانش‌آموز و تعامل مداوم با آن‌ها، گرایش به اعمال ناهنجار در نوجوانان دانش‌آموز را کاهش می‌دهد. به گفته برخی از کارشناسان، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مدرسه در این زمینه، آموزش و آشناساختن دانش‌آموزان با پدیده مصرف‌مواد مخدر است که هم‌اینک در بسیاری از کشورهای جهان، نظیر: کانادا، آمریکا، انگلستان، استرالیا و هلند به اجرا درمی‌آید. این که واقعاً آموزش دانش‌آموزان در مدرسه تا چه اندازه در گرایش یا عدم گرایش آن‌ها به مواد مخدر مؤثر است، پرسشی است که برای یافتن پاسخ آن لاقفل در کشور ما تحقیق و بررسی لازم دارد. اما نتایج برخی از پژوهش‌ها و تجربه‌های عملی در برخی از کشورهای حاکی از آن است که وقتی مسائلی نظیر اعتیاد و آیدز در کلاس‌های درس، بحث و بررسی می‌شوند، دانش‌آموزان ضمن آشنایی با این موارد، به عواقب و آثار سوء مصرف مواد مخدر و نیز مبتلاشدن به آیدز پی می‌برند. دانش‌آموزان ایرانی تا پیش از پایان تحصیلات، در مدرسه اطلاعات اندکی درباره مواد مخدر به دست می‌آورند. بنابه مسائلی (مصلحت‌هایی) فرهنگی، در کشور ما بسیاری از موضوعات و مشکلات (پدیده‌هایی) که دانش‌آموزان باید در مدرسه درباره آن‌ها آموزش ببینند و در مورد آن‌ها تفکر، تعمق و حتی انتقاد کنند و به

راه حل‌های آن‌ها بیاندیشند، از دید برنامه‌ریزان آموزش مخفی می‌ماند یا به دلایلی این گونه آموزش‌ها غیر ضروری پنداشته می‌شود. یکی از دلایل مخفی‌کاری‌ها، این باور است که هرچه موضوعات حساسیت برانگیز نظیر امور جنسی، مصرف مواد مخدر و روابط پیش از ازدواج و مانند اینها پنهان به‌اندازه‌تر است تا آشکار شوند؛ زیرا آشکار شدن آن‌ها پیامدهای منفی بیش‌تری خواهد داشت. بدین ترتیب براساس این رویکرد، پنهان‌ماندن این موضوعات و آگاه‌نشدن دانش‌آموزان از آن‌ها برابر است با عدم گرایش یا گرایش اندک آن‌ها به مواد مخدر، برعکس، آشناسیدن آن‌ها و شفاف‌شدن پدیده‌های مذکور، مساوی است با افزایش گرایش به آن‌ها.

نتایج حاصل از این رویکرد (پنهان‌کاری)، دانش‌آموزان را از کسب اطلاعات در مورد چنین مسائلی و اندیشیدن درباره آن‌ها باز می‌دارد. تحقیقات و آمارها در کشور ما حاکی از افزایش روزافزون تعداد استفاده‌کنندگان از مواد مخدر در میان دانش‌آموزان، کاهش سن اعتیاد و نیز شکست راهبردهای مسلط (آموزش‌ندادن به دانش‌آموزان به واسطه مخفی‌کاری) درخصوص پیش‌گیری و مبارزه با اعتیاد است. بدین ترتیب مطالعه، تفکر و اندیشه برای رسیدن به نگرشی جدید به موضوع استعمال مواد مخدر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ج) سایر عوامل اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی دیگری نیز هستند که می‌توانند ارتباط معناداری با مصرف مواد مخدر داشته باشند. از جمله: مهاجرت متوالی دانش‌آموزان از محلی به محل دیگر یا از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر، شرایط اجتماعی و محیط زندگی نوجوان، نوع مسکن، دوستان مدرسه و محل زندگی، رسانه‌های گروهی، کمبود امکانات تفریحی، ورزش‌ها و نوع گذران اوقات فراغت، میزان دسترسی به مواد مخدر در مدرسه و محل زندگی، نسبت تجانس جمعیت، جنسیت نوجوان، میزان نظارت و کنترل اجتماعی، خوردن برچسب انحراف از سوی دوستان، خانواده و مدرسه و خودپنداره دانش‌آموز در گروه.

منابع مقاله در دفتر مجله موجود است.

خلفای بنی عباس از آغاز تا پایان

۱	السفاح	۱۳۲ هـ / ۷۵۰ م.
۲	المنصور	۱۳۶ هـ / ۷۵۴ م.
۳	المهدی	۱۵۸ هـ / ۷۷۵ م.
۴	الهادی	۱۶۹ هـ / ۷۸۵ م.
۵	هارون الرشید	۱۷۰ هـ / ۷۸۶ م.
۶	الامین	۱۹۳ هـ / ۸۰۹ م.
۷	المأمون	۱۹۸ هـ / ۸۱۳ م.
۸	المعتصم	۲۱۸ هـ / ۸۳۳ م.
۹	الواثق	۲۲۷ هـ / ۸۴۲ م.
۱۰	المستکمل	۲۳۲ هـ / ۸۴۷ م.
۱۱	المستصر	۲۴۷ هـ / ۸۶۱ م.
۱۲	المستعین	۲۴۸ هـ / ۸۶۲ م.
۱۳	المعتز	۲۵۲ هـ / ۸۶۶ م.
۱۴	المهتدی	۲۵۵ هـ / ۸۶۹ م.
۱۵	المعتمد	۲۵۶ هـ / ۸۷۰ م.
۱۶	المعتضد	۲۷۹ هـ / ۸۹۲ م.
۱۷	المکتفی	۲۸۹ هـ / ۹۰۲ م.
۱۸	المقتدر	۲۹۵ هـ / ۹۰۸ م.
۱۹	القاهر	۳۲۰ هـ / ۹۳۲ م.
۲۰	الراضی	۳۲۲ هـ / ۹۳۴ م.
۲۱	المتقی	۳۲۹ هـ / ۹۴۰ م.
۲۲	المستکفی	۳۳۳ هـ / ۹۴۴ م.
۲۳	المطیع	۳۳۴ هـ / ۹۴۶ م.
۲۴	الطائع	۳۶۳ هـ / ۹۷۴ م.
۲۵	القادر	۳۸۱ هـ / ۹۹۱ م.
۲۶	القائم	۴۲۲ هـ / ۱۰۳۱ م.
۲۷	المقتدی	۴۶۷ هـ / ۱۰۷۵ م.
۲۸	المستظهر	۴۸۷ هـ / ۱۰۹۴ م.
۲۹	المسترشد	۵۱۲ هـ / ۱۱۱۸ م.
۳۰	الراشد	۵۲۹ هـ / ۱۱۳۵ م.
۳۱	المقتفی	۵۳۰ هـ / ۱۱۳۶ م.
۳۲	المستجد	۵۵۵ هـ / ۱۱۶۰ م.
۳۳	المستضی *	۵۶۶ هـ / ۱۱۷۰ م.
۳۴	الناصر	۵۷۵ هـ / ۱۱۸۰ م.
۳۵	الظاهر	۶۲۲ هـ / ۱۲۲۵ م.
۳۶	المستصر	۶۲۳ هـ / ۱۲۲۶ م.
۳۷	المستعصم	۶۴۰-۶۵۶ هـ / ۱۲۴۲ م.
		۱۲۵۸ هـ / م.

عصر غیبت مذهب شیعه شکل کامل خود را پیدا کرد که می آمد آن تألیف کتاب های احکام شیعه و مجموعه های حدیثی بود.

در این عصر فلسفه، پزشکی، ریاضیات و علوم دیگر، به عنوان شاخه هایی از فرهنگ و تمدن اسلام پیشرفت کرد و موجب توسعه ی دانش و فهم پیشینیان و به علاوه فرهنگ های معاصر پیرامون خود شد. آنچه بسیار مهم بود عنوم و حکمت تمدن هلنی (یونانی) خاور نزدیک بود. لذا قرن های ۳ و ۴ هجری شاهد ترجمه ی بعضی از آثار کسانی چون ارسطو، افلاطون، اقلیدس، جالینوس و دیگر دانشمندان، به زبان عربی بود. مأمون عباسی در بغداد مرکزی به نام بیت الحکمه ساخته بود که ترجمه ها در آن صورت می گرفت و خود نیز آن را تشویق می کرد. در ترجمه، مسیحیان عرب زبان نیز نقش ویژه ای داشتند. در همین زمان بود که نظام عدد شماری عربی^۱ توسط مسلمانان از هندیان اخذ شد که سپس به جهان غرب انتقال یافت.

تجزیه ی سیاسی خلافت عباسی به پیدایش مراکز قدرت دیگری منجر شد که این به نوبه ی خود سبب ترویج و توسعه ی علوم و فنون، شعر، نثر، هنر و معماری گردید. به ویژه برخی دربارهای محلی که در مناطق شرقی خلافت [خراسان] ایجاد شدند به ظهور ادبیات اسلامی فارسی و عواطف ملی ایرانی کمک شایانی کردند.

در سال ۴۱۶ تورکان سلجوقی سنی مذهب^۲، بغداد را به تصرف خود درآوردند. اما این کار تغییر قابل ملاحظه ای در جایگاه خلافت ایجاد نکرد و خلیفه همچنان سمبل یا مظهر اتحاد اسلام در میان اهل سنت بود؛ اگر چه آزادی عمل او شدیداً محدود شده بود. تنها با ضعیف شدن سلجوقیان بود که برخی از خلفا قادر به اعمال قدرت و نفوذ خود شدند. در سال ۶۵۶ با حمله ی مغولان به بغداد، خلافت عباسیان پایان یافت و آن ها دیگر همان نقش نمادین را هم از دست دادند. پس از آن، اگر چه ممالیک مصر دست نشاندگانی به نام خلیفه در قاهره ایجاد کردند و افرادی از بنی عباس را که از بغداد گریخته بودند به خلافت منصوب کردند ولی از زمان پایان خلافت عباسیان در بغداد دیگر هیچ فردی ادعای خلافت نکرد تا از سوی جهان اسلام به رسمیت شناخته شود. در حاتم باید گفت که خلفای عباسی، به جز قرن اول یا کمی بیشتر از دوران خلافتشان، کنترلی بر وقایع و جریان های جهان اسلام نداشتند. با این وجود آن ها در دورانی پر آشوب توانستند به اسلام سنی تمرکز بخشند. اکنون در نگاهی به گذشته می توان دوره ی خلافت آن ها را دوران طلایی تمدن اسلامی نامید.

منبع:

microsoft Encarta Reference Library 2004

زیر نویس

۱. سعدی که شاهد ماجرا در آن عصر بود از کشته شدن خلیفه شکوه کرد و فصبده ای به این مطلع سرود: آسمان را حق بود گر خون بیارد بر زمین
در عزای مرگ مستعصم امیرالمؤمنین (قصابی سعدی)
۲. مأمون که از مادری ایرانی بود به مذهب شیعه تمایل داشت و طرفدار ایرانیان بود. اما وقتی دید این گرایش او باعث از دست رفتن حکومتش می شود تغییر جهت داد و مرکز خلافت خود را از مرو (در خراسان) به بغداد بازگرداند و به ماجرای ولایت عهدی امام رضا (ع) نیز پایان داد.
۳. حسن (رکن الدوله) علی (عمادالدوله) و احمد (مصدق الدوله) فرزندان نوبه ی ماهیگیر و اهل دیلمان بودند.
۴. منظور نظام اعداد ۱ تا ۱۰ یا اعشاری است که صفر نیز دارد و باعث سهولت عددنویسی شد. تا پیش از آن عدد شماری رومی وجود داشت که فاقد صفر و بسیار مشکل بود.
۵. طغرل سلجوقی، نخستین فرد از تورکان سلجوقی است که بغداد را تصرف کرد.
۶. ممالیک یا مملوکان مصر.



است. آب دریاچه از چشمه‌های درون آن تأمین می‌شود.

آبشار زیبای گرمارود

یکی دیگر از دیدنی‌های الموت، «آبشار گرمارود» است. ارتفاع آبشار را از سطح زمین حدود ۱۵۰ متر تخمین می‌زنند. ربویش آب آن در فصل بهار دیدنی است. بخشی از آبشار پله پله است که خود آبشارهای دیگری را تشکیل می‌دهد. این آبشار بین دو دهانه از صخره‌های سخت قرار دارد و از نقاط متعدد قابل رؤیت است.

رودخانه‌ی شاهرود

رودخانه‌ی شاهرود سرچشمه‌ی اقتصاد الموت به شمار می‌رود. جدا از شالیزارها و باغ‌های کشاورزی که در حاشیه‌ی این رودخانه احداث کرده‌اند، در آن ماهی نیز پرورش می‌دهند. ناحیه‌ی «خوبان» و «گرمارود بالا» در حال حاضر مرکز پرورش ماهی فزل آلا به شمار می‌روند و بخشی از گوشت مصرفی مردم منطقه را تأمین می‌کنند.

یک پدیده اعتقادی در زراباد الموت

اگر جاده‌ی کوهستانی الموت را ادامه دهیم به تابلوی امام زاده علی اصغر می‌رسیم که خیل مشتاقان اهل بیت را به خاک «زرآباد» دعوت می‌کند. مشهور است که آنجا مدفن یکی از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است و هر سال در روز عاشورا، مردم را به سوی خود می‌کشاند. در محدوده‌ی خارجی آرامگاه این سید بزرگوار، درخت کهنسالی وجود دارد که سالیان سال نگاه‌ها را متوجه خود کرده است. مردم معتقدند در وقت معینی از صبح روز عاشورا از شاخه‌ی این درخت خون تراوش می‌کند، که طبعاً از دید مردمان خطه‌ی الموت، به خصوص اهالی زراباد، بی حکمت نیست!

منابع

۱. <http://www.t.pirantvavel.com>

۲. تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی.
۳. تاریخ جهانگشای جویی.
۴. سفرنامه‌ی الموت، لوستان و ایلام.
- فریا استارک، ترجمه‌ی علی محمدساک،

قلعه‌ی حسن صباح

این همان قلعه‌ای است که از آن به «آشیانه‌ی عقاب» نیز یاد کرده‌اند. حسن صباح به دلیل مخالفت و ناسازگاری با حکومت سلجوقیان، در اوج درگیری با ملکشاه سلجوقی، به مصر، نزد خلفای فاطمی که مذهب اسماعیلی داشتند، رفت و پس از آموزش‌های لازم، به عنوان رهبر و داعی این فرقه به ایران بازگشت. وی پس از گشت و گذار در مناطق گوناگون ایران، سرانجام قلعه‌ی الموت را به عنوان مرکز و مقر فعالیت‌های خود انتخاب کرد. در «تاریخ جهانگشای جویی» آمده است که وی این قلعه را به مبلغ سه هزار دینار از مهدی علوی (صاحب قلعه) خرید. حمدالله مستوفی نیز گفته است که این قلعه در سال ۲۴۶ هجری قمری، به دستور حسن بن زید الباقری از علویان مازندران ساخته شد. طول این قلعه که بر صخره‌ای به بلندی ۲۰۰ متر از سطح منطقه و ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد، ۱۲۰ متر و عرض آن ۳۵ متر است. قطعه‌ی الموت را وقتی از جنوب مشاهده کنیم، آن را همانند شتری زانورده می‌بینیم. به این نکته صاحب تاریخ جهانگشای اشاره کرده است. ورود به در تنه‌ی این قلعه از شمال آن امکان‌پذیر است؛ زیرا سایر ضلع‌های آن به پرتگاه محدود می‌شوند. گفته‌اند که حسن صباح در مدت ۳۵ سال اقامت خود در این قلعه، تنها دو بار از آن خارج شد و بقیه‌ی عمر خود را صرف مطالعه و جست‌وجو در امور مذهب و مسائل مردم کرد. پس از مرگ حسن، در سال ۵۱۸، کبایزرگ امید اداره‌ی قلعه را بر عهده گرفت. این قلعه همچنان پایرجا بود تا این که با هجوم هلاکو خان مغول به آن، در سال ۶۵۵ به تسخیر وی درآمد و به حیات سیاسی اسماعیلیان در آن پایان داده شد.

میمون دژ

میمون دژ نیز یکی از قلعه‌های مهم اسماعیلیان و محل استقرار رکن الدین خورشاه، آخرین رهبر این فرقه بوده است. وی از سال ۶۵۲ تا ۶۵۵ حکمرانی کرد. در این سال (۶۵۵) با حمله هلاکو خان مغول و سقوط الموت، حاکمیت او نیز پایان یافت. میمون دژ را علاءالدین محمدشاه، یکی از جانشینان حسن صباح ساخته بود.

از ویژگی‌های طبیعی الموت، کوه‌های آن است که منطقه را دایره‌وار احاطه کرده‌اند. مهم‌ترین این کوه‌ها عبارتند از: سیالان، اوتر، ازاتر، زرگله یا زرد گله در اوانک، زیورچال و خشچال در گرمارود. گنج‌لامت در شمال گرمارود و شاکوه.

دریاچه‌ی اوان (ovan)

یکی از نقاط دیدنی الموت، دریاچه‌ی «اوان» است. این دریاچه در دامنه‌ی جنوبی «قله‌ی اوان» قرار دارد. طول و عرض دریاچه حدود ۵۰۰ متر است و بین آبوهوای صخره‌ها و کوه‌های مرتفع واقع شده



طلای:

از معدن تا شما

سعید قریشی

اشاره

این طرح درس توجه خود را روی فرایندی که طلای معدن تا طلا فروشی طی می کند متمرکز کرده است. انتظار این است که پس از یادگیری این درس، دانش آموزان ترغیب شوند در سازه های افرادی که در فرایند تولید نقش دارند و تأثیرات انسانی و زیست محیطی که این فرایند بر جامعه می گذارد، فکر کنند.

ارتباط درس با برنامه های درسی

محتوای این درس با جغرافیا، اقتصاد، فیزیک، محیط زیست، زمین شناسی ارتباط دارد.

ارتباط با استانداردهای آموزش جغرافیا

استاندارد شماره ۱۴: چگونه فعالیت های انسان محیط زیست طبیعی را تغییر می دهد.

استاندارد شماره ۱۶: تغییراتی که در مفهوم، کاربرد، توزیع و اهمیت منابع رخ می دهد.

زمان مورد نیاز: ۳ تا ۴ ساعت

مواد و وسایل مورد نیاز

- نقاشی جهان نمای گنگ، برای هر دانش آموز یک عدد

- وسایل ترسیم

- در صورت امکان کامپیوتر متصل به اینترنت

هدف های درس

دانش آموزان در این درس:

۱- درباره ی کاربردهای طلا و دلایل علاقه ی مردم به طلا بحث و گفت وگو خواهند کرد.

همکاران عزیز، دبیران محترم جغرافیا، با این طرح درس به مجموعه ای از طرح درس های جغرافی، که از بخش Lesson plan (طرح درس) سایت National Geographic (نشنال جئوگرافیک) گرفته و ترجمه می شد، پایان می دهیم. چنان که می دانید این مجموعه، به جز طرح درس حاضر، شامل ۵ طرح درس بود با عنوان های آشنایی با ده شهر عمده (شماره ۳۴) خاورمیانه و ایالات متحده ی امریکا، تفاوت ها و شباهت ها (۳۶) زندگی روزانه در کشور عراق (۳۷) آب و نفت در منطقه ی خاورمیانه (۳۸) و جمعیت در چین و هند (۳۹).

هدف ما از انتخاب این طرح درس ها تنها یک چیز و آن آشنا کردن شما با شیوه ای از آموزش جغرافیا بود که در امریکا به کار گرفته می شود؛ شیوه ای که - در اغلب موارد - در عین خلاق و جذاب بودن (البته با آن امکانات پیشرفته) به منافع بلندمدت ملی و جهانی امریکا را نیز نظر دارد. امیدواریم کارشناسان گروه های آموزشی جغرافیا و نیز دبیران، خود بتوانند با استفاده از طرح های درسی بیشتر، در کسب شیوه های مؤثر تدریس موفق باشند. لازم می دانیم از آقای مهندس سعید قریشی که این مجموعه را به درخواست ما، به فارسی ترجمه کردند، تشکر کنیم.

رشد

نگاه کلی

به عنوان بخشی از یک برنامه ی خوب آموزش جغرافیا، آشنا کردن دانش آموزان با فرایند استخراج منابع طبیعی از زمین و راه های استفاده از آن ها مهم و ضروری است. همچنین این نکته مهم است که دانش آموزان باید متوجه شوند که فرایند استخراج منابع چه تأثیراتی روی انسان و محیط زیست دارد و می تواند

مجله جغرافیا
شماره ۸۰
پیاپی ۱۰۰
مهرماه ۱۳۹۰

○ به یک وب سایت مراجعه کرده و از تغییرات قیمت طلا در ده سال گذشته آگاه می شوند و درباره ی این که تغییرات قیمت طلا حاکی از چیست، با هم گفت و گو می کنند.

○ مکان بزرگ ترین معادن طلای دنیا را روی نقشه معین می کنند.

○ درباره ی فرایند تبدیل طلا به زیفت آلات، از معدن تا مشتری، تحقیق خواهند کرد.

○ پوسترهایی را تولید خواهند کرد که در آن ها مراحل مختلف فرایند و نقش افراد مختلف، از قبیل زمین شناس و متخصص محیط زیست، نشان داده می شود.

مهارت های آموزش جغرافیا

- کسب اطلاعات جغرافیایی

- سازماندهی اطلاعات جغرافیایی

- پاسخ گویی به سؤالات جغرافیایی

- تجزیه و تحلیل اطلاعات جغرافیایی

روش تدریس پیشنهادی

شروع: از دانش آموزان بخواهید تعدادی از منابع طبیعی را که با ارزش می دانند نام ببرید. آنها ممکن است از معادن نفت، جنگل، معدن طلا یا الماس نام ببرند. توجه آنها را به روی طلا متمرکز کنید و پرسید چرا آنها فکر می کنند طلا با ارزش است؟ و چرا مردم به طلا علاقه دارند؟

توسعه ی درس

از دانش آموزان بخواهید با مراجعه به نشریات اقتصادی یا یک سایت اینترنتی قیمت طلا را در ده سال گذشته یادداشت کنند. از آنها بخواهید در یک جمله توضیح دهند که در این ده سال قیمت ها چه وضعی پیدا کرده است؟ سپس از آنها سؤال کنید که فکر می کنند چرا قیمت طلا بالا و پایین می رود؟ چه عواملی ممکن است قیمت طلا را پایین بیاورد؟ چه عواملی ممکن است قیمت آن را بالا ببرد؟ چند دقیقه ای با کل کلاس در این مورد گفت و گو کنید. سپس از دانش آموزان بخواهید با مراجعه به سایت Project underground یا نشریات مربوط فهرستی از مکان های بزرگ ترین معادن طلای جهان به دست آورند. آنگاه نقشه ی گنگ جهان نما را در اختیار دانش آموزان قرار داده از آنها بخواهید محل تقریبی معادن طلا را روی نقشه مشخص کنند، از آنها بخواهید مکان معادن طلای کشور خودشان را (اگر وجود دارد) روی نقشه مشخص کنند و اطلاعاتی راجع به آن به دست آورند.

اکنون از دانش آموزان بخواهید با هم کلاس را خود درباره ی افراد مختلفی که در مراحل استخراج تا کاربرد طلا نقش دارند گفت و گو کنند، به آنها بگویید که می توانند توجه خود را بیشتر روی محصول

نهایی که در طلافروشی ها روی آن کار می شود متمرکز کنند. (زیرا آشنایی بیشتری دارند) سپس از آنها بخواهید یک جدول دو ستونی رسم کنند و در سطرهای آن عناوین زیر را بنویسند:

● کارگر معدن

● مدیر شرکت معدن کاری

● طلاساز یا طلافروش

● مشتری

● زمین شناس

● متخصص محیط زیست

اکنون از دانش آموزان بخواهید به کمک منابع یا از طریق اینترنت نقش هریک از گروه های فوق را در فرایند تولید طلا معین کنند (استخراج، تولید، مصرف).

خاتمه ی درس

از دانش آموزان بخواهید یک بحث کلاسی راجع به معادن طلا در کشور خودشان یا یکی از کشورهای معروف به دارنده ی معادن طلا، انجام دهند. آنها باید به نقش معدن کاران، مسئولان امور معادن، متخصصان محیط زیست، ساکنان اطراف معادن و سایر افراد ذیربط بپردازند. بحث و گفت و گو می تواند حول این مطلب دور بزند که چه تغییراتی را می توان در شیوه ی کنونی استخراج معادن طلا در کشور ایجاد کرد.

روش ارزشیابی پیشنهادی

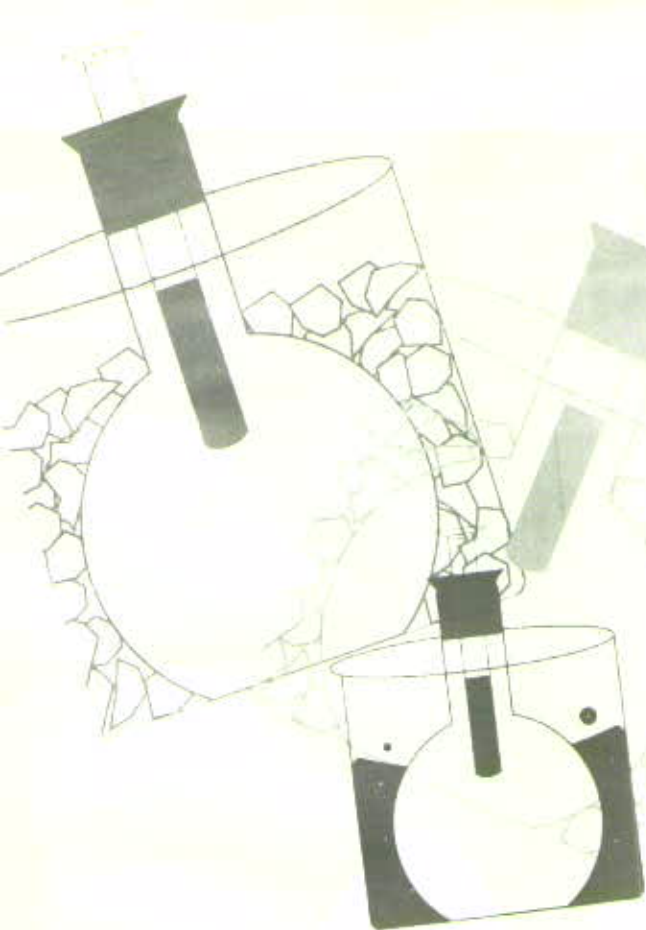
از هر دو نفر دانش آموزان بخواهید یک پوستر تولید کنند که در آن رابطه ی بین افرادی که فهرست آنها را قبلاً در ضمن درس تهیه کرده اند نشان داده شود. پوسترها باید طوری سازمان دهی شوند که فرایند تولید یک قطعه طلای زینتی را از معدن تا رسیدن به دست خریدار نشان دهد. باید در پوسترها به نقش زمین شناسان و متخصصان محیط زیست حتماً اشاره شود. پوسترها همچنین باید حاوی تصاویری باشند که نقش هر فرد، ضرورت وارد شدن او به این کار و انگیزه ی او برای انجام این کار را نشان دهند.

فعالیت جانبی

از دانش آموزان بخواهید یک بروشور که مخاطب آن مشتریان طلافروشی هستند تهیه کنند و در آن فرایند تبدیل سنگ معدن طلا به طلای زینتی را شرح دهند. همچنین به تأثیرات انسانی و زیست محیطی استخراج معادن طلا اشاره کنند.

زیرنویس

۱. این استانداردها یا هدف های آموزشی مربوط به برنامه آموزش جغرافیا در کشور آمریکا است.



مواد و وسایل آزمایشگاه علوم

آموزش علوم بیش از هر چیز به معلمان
کادر امتیاز دارد.

کتابت‌های خوب و آسان دانش‌آموزان
معرفی کنیم و حتی کتاب‌های
یادگیری صحیح می‌شود. نگارنده
به علت تجربه در کتاب‌های
مطالعه علمی و تربیتی

بهر کسی را می‌تواند دانش‌آموزان
اگر همه را می‌تواند یک‌مقطع
مهم آن است که روش تحقیق
به دانش‌آموزان پیام‌ها
تحقیق مهم است
دانش‌آموزان کتاب که
دارند و البته مسئولیت
می‌گذارند به هر

هدف‌های آموزش علوم و مطلب دیگر
فهرستی از نیازمندی‌های آزمایشگاه‌های
علوم است. رشد

نگرش‌ها و هدف‌های آموزش علوم
افراد را متوجه می‌کند و ورود به دانشگاه
تربیت نمی‌کند، بلکه می‌خواهیم آنان را
برای زندگی در اجتماع آماده سازیم.
به همان اندازه که دانش‌آموزان
می‌خواهند، دانش‌آموزان می‌خواهند
پیشرو، مبادی و مسائل دیگر را در جریان
نگارش خود دانش‌آموزان قرار دهیم.
فصل اول از تجربه‌ها، هم موقعیت خود
را از دانش‌آموزان تحقیق می‌کنیم
به دنبال راه‌هایی برای افزایش انگیزه در
دانش‌آموزان خود باشیم.

جزوه‌ی «راهنمای کار معلم علوم
تجربی» کاری است از خانم اعظم بحرانی،
دبیر علوم تجربی مدرسه‌های بوشهر. این
جزوه مطالب متنوعی درباره‌ی آموزش علوم
تجربی دارد و برای دبیران استان بوشهر تدوین
شده است. از ویژگی‌های این جزوه، درج
مطالبی درباره‌ی ارتباط بین درس‌های علوم
دوره‌ی راهنمایی با کتاب علوم دبستان،
تحقیق‌های مطرح شده در کتاب‌های درسی،
طراحی چک‌لیست، طرح درس، ارزشیابی
مستمر، الگوی سؤال و طرحی برای تجربه
و تحلیل آزمون است.

از این جزوه دو مطلب را انتخاب
کرده‌ایم که به نظر شما می‌رسد. مطلب اول،
توصیه‌ها و نکاتی است درباره‌ی نگرش‌ها و

جدول نیازمندی های آزمایشگاه های علوم دوره ی راهنمایی تحصیلی (مواد و وسائل)

مواد لازم برای کلاس اول	وسائل لازم برای کلاس اول	مواد لازم برای کلاس دوم	وسائل لازم برای کلاس دوم	مواد لازم برای کلاس سوم	وسائل لازم برای کلاس سوم
سرب	دما سنج معمولی (۵ عدد)	گوگرد	موتور گرمایی	گوگرد	اهرم (۵ عدد)
نفتالین*	دما سنج پزشکی (۵ عدد)	سولفات مس	دستگاه فشار خون	سدیم	قرقره (۵ عدد)
براده ی آهن	آهنربا (۵ عدد)	فسفر سفید*	جعبه ی سنگ	مس	چرخ و محور (۵ عدد)
یخ خشک*	سیر و سنج (۵ عدد)	آب اکسیژنه	دما سنج (۵ عدد)	جوش شیرین	سطح شیب دار (۵ عدد)
گوگرد	دماپا	دی کرمات آمونیوم	چراغ الکلی (۵ عدد)	کربنات کلسیم (آهک مرده)*	پیچ (۵ عدد)
سولفات مس	میکروسکوپ	بندیکت*	فتر (۵ عدد)	سولفات کلسیم (گچ)*	گوه (۵ عدد)
گرد مخمر*	جعبه مولکولی	اسید کلریدریک	وزنه (۵ عدد)	براده ی آهن	وزنه (۵ عدد)
چند ورقه فلز متفاوت	تراز دو تکه ای	اسید سولفوریک	عدسی محدب (۵ عدد)	کاغذ تورنسل	تیر و سنج (۵ عدد)
ماسه*	دستگاه تقطیر آب	هیدرواکسید سدیم	عدسی مقعر (۵ عدد)	برمو تئیمول*	لوله پولیکا (مورخدار)*
زغال (کربن)*	جعبه ی سنگ	فرس دیجستو (آزیم)*	آینه ی تخت (۵ عدد)	هیدروکسید سدیم	چند عدد گلوله
ماسه*	باتری خورشیدی	آهک*	آینه ی مقعر (۵ عدد)	اسید کلریدریک (جوهر نمک)*	جعبه ی مولکولی
مربک*	مدار الکتریکی	مواد مربوط به تشخیص گروه خون*	آینه ی محدب (۵ عدد)	محلول فنل فتالین*	الکتروسکوپ*
عسل*	فتر	روغن مایع*	منشور	آمپیرین*	پارچه ی پشمی*
نمک*	وسیله ی انساط طولی	شمع*	دستگاه خسوف و کسوف	جوش شیرین*	سرنگ و لوله ی آکواریوم*
الکل*	نوپ پینگ پنگ	محلول پد (پتادین)*	ولتا متر*	نوشابه ی گازدار*	ولت سنج
نوشابه ی گازدار*	بشر	صیاب زمینی*	پیرآیین*	میله ی کرینی (درون باتری)*	باتری
آجیل*	پایه ی سه گوش	سرکه*	دیاپازون	صابون*	سیم رابط
حاک*	لوله ی آزمایش	میخ آهنی*	چراغ قوه*	شامپو*	آهنربا
	چراغ الکلی	پوسته ی تخم مرغ*	لوله برای آزمایش جریان همرفش	اسید باتری*	ولتا متر*
	گلوله و حلقه	سفیدی تخم مرغ (خام و پخته)*	میله برای انتقال گرما	مایع سفید کننده*	زاویه یاب*
		فرس جوشان*	تلمبه ی تخلیه هوا	تخم مرغ*	فاصله یاب*
		قند*	مولاز نیم تنه	شکر*	تلسکوپ*
		شیر*	مولاز دستگاه دفع ادرار	سرکه*	مولاز اسکلت
		ژلاتین*	مولاز دستگاه تنفس	آلبیمو*	مولاز گوش
		چربی*	مولاز قلب	الکل*	مولاز ماهیچه
		عسل و آبمیوه*	وسائل صوتی		مولاز چشم
			کاغذ پوستی		مولاز مغز
			چراغ مطالعه*		
			قوطی فلزی کسرو*		

توضیحات:

۱. بعضی از موادی که می توان آن ها را از آزمایشگاه مرکزی آموزش و پرورش یا توسط دانش آموزان تهیه کرد، با علامت * مشخص شده اند.
۲. می توان از CD علمی «دانشتهای جهان طبیعت» و چند CD علمی دیگر مربوط به بدن انسان و فضا برای آموزش دانش آموزان استفاده کرد.

سخن پایانی

نظر می‌رسد، کوشش ما در انتخاب محتوای مقالات، یا مقالات یا مجله، به گونه‌ای بود که اولاً از نظر سادگی بیان و رسوب به حد قابل مناسب باشد، ثانیاً سطح علمی آن از حد متوسط پایین‌تر نباشد و ثالثاً ماندگار باشد، تا بتوان در سال‌های آتی بر آنها اعتماد استناد قرار داد. اکنون، چنان‌که در شماره‌ی قبل نیز یادآور شدیم، قرار است مجله از آغاز سال تحصیلی جدید به مسابقات ماهنامه جذاب و منتشر شود که این وظیفه‌ی سنگین را دوستان همکاران دیگری در عهده خواهند گرفت. نگارنده ضمن آرزوی موفقیت برای این دوستان و همکاران جدید، از همه‌ی نویسندگان و همکارانی که در دوره‌ی اول سال مجله همکاری داشتند سپاسگزار می‌گردد و امیدوار است در آینده نزدیک شاهد انتشار مجله‌ای پربارتر، مفیدتر و به‌روزتر برای دنیای محترم مدارس راهنمایی باشد.

۲. بخش ویژه‌ی این شماره، درباره‌ی زبان فارسی است؛ از این رو «گفتار فصل» را هم به قدم‌های دکتر داوری اردکانی در همین باب انتخاب کردیم. مقاله‌ی پیشین، جامعه‌ی قون بیشتم، مقاله‌ای شاید سنگین باشد، اما به نظر ما حتی اطلاع‌آزمایی از زندگی و نظریه‌های وی می‌تواند برای شما مفید باشد. «تالاف» درباره‌ی مقاله «فرهنگ شهرهای ایران» پوشش داد و نیز مکتب صفحه‌ی سوم جلد، باید یادآور شویم که اینجده، حاصل سفر جمعی از مدیران «سردبیران دفتر انتشارات کمک آموزشی» از جمله گردیده، بهوشها و علوم به در رمضان سال ۸۳، است و در واقع آثاری است که به مردم حول گرم جنوب بویژه فرهنگیان و مسئولان آموزش و پرورش این حلقه از ایران اسلامی، درباره‌ی سایر مصادقات نیز «آثار و آثار» است.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی

به صد دفتر نشاید گفت وصف الحال متناهی

۱. با این شماره، پرونده‌ی یک دوره از مجله‌ی رشد راهنمایی تحصیلی بسته می‌شود تا پرونده‌ی دیگری برای آن باز و فصل تازه‌ای برای آن آغاز گردد؛ پس بی‌مورد نیست به بیان نکاتی درباره‌ی دوره‌ای که گذشت بپردازیم.

اولین شماره‌ی مجله در پاییز ۱۳۷۱ به سردبیری خاتم فریختی ساز و با سه مقاله‌ی دکتر غلامعلی حدادعادل، رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در ۹۰ صفحه انتشار یافت. در آن سه مقاله هدف از انتشار مجله کمک به معلمان راهنمایی در افزودن بر دانش خود در موضوعی که تدریس می‌کنند، آشنا کردن آنها با روش تدریس مفاهیم گوناگون و نیز «شیوه‌ی صحیح ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان» و... بیان شده بود. اما آنچه در عمل صورت وقوع یافت و تا امروز و در این شماره هم که بیش به قوت خود باقی بوده است، تقسیم مجله به قسمت‌های مختلف، بر حسب موضوعات درسی دوره‌ی راهنمایی بود.

نگارنده که از سال سوم سردبیری مجله رایحه عهده گرفت، می‌گفت تا اضافه کردن بخشی با عنوان «ویژه‌نامه» در هر شماره، که معمولاً از ۲۰ تا ۳۰ صفحه را در برمی‌گرفت، فضای جدیدی ایجاد کند تا مجله صورتی نیمه تخصصی نیز به خود بگیرد. حاصل این شیوه ۲۸ شماره مجله با ویژه‌نامه‌هایی درباره‌ی موضوعات درسی به غیر درسی، مثل زلزله، مدیریت، فلسطین، کتاب‌خوانی و... بود که شد همکاران محترم یا همه‌ی آنها آشنا هستید. در کنار این روش معنی شد هر گاه، با افزودن بخشی تازه مانند مقالات هنری، ایران‌شناسی، معرفی کتاب‌های درسی خارجی، معرفی فرهنگ‌شهرها، ترجمه از مطالب معتبر خارجی و... تنوعی در مجله پدید آید. ضمن این که در طراحی صفحات جلد، بویژه صفحات داخلی آن، شیوه‌ای منظم و حساب شده به کار گرفته شد. اما آنچه به نظر نگارنده در این میان مهم‌تر به

دوره‌ی رشد، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۷۱

۶۲

عسلویه

منطقه ویژه ی اقتصادی انرژی پارس در سال ۱۳۷۷ به منظور بهره برداری از منابع نفت و گاز حوزه ی پارس جنوبی و انجام فعالیت های اقتصادی در زمینه نفت، گاز و پتروشیمی تاسیس شده و طی مدت کوتاهی «بندر عسلویه» را به بزرگ ترین و فعال ترین منطقه صنعتی - اقتصادی ایران تبدیل کرده است. این منطقه در حاشیه شمالی خلیج فارس و در ۳۰۰ کیلومتری جنوب شرقی استان بوشهر و ۵۷۰ کیلومتری بندرعباس واقع است.



بهترین کتاب های آموزشی را در سایت سامان کتاب بیابید

The collage features a group of happy children in school uniforms, a computer monitor displaying the Saman Ketab website, and a book titled 'کتابنامه رنندگان' (Booklist of Runners). The background is a blue sky with clouds.

www.SAMANKETAB.com